

**BROWN
BOOK ONLY**

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_224926

UNIVERSAL
LIBRARY

OUP—67—11—1—68—5,000.

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No.

۹۵۷۵۹۴

Accession No.

1216

Author

مکتبہ دار

Title

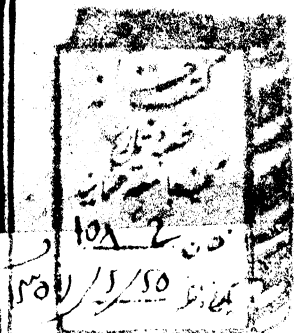
کتاب

This book should be returned on or before the date last marked below.

بیمین تو فنیق خالق دوجہان نیکین فرمای گل وریحان

P. G.

نسخہ ہذا مؤلفہ راہی مکہین محل جیو الموسوم بہ



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و تحیات برگزیده مخرج الصائِقین بعدہ یہ محمدان کہیں لعل شاہ جہاں پوری
بموجب حکم حکم صاحب جلیل المناقب غریب پرور عدالت گستر عالم باہل کے علم قول و فعلش
تسادی الحركات است و طبع صفایا پیش چون عقل اول مصروف اعتدال قوام
امزجہ خواص و عام تنظم الدولہ چارس شکلف صاحب بہادر دام اقبالہ و عم نوالہ احوال
بلدہ فرخندہ نبیہ وحید را باد مشتعل بر دو آزدہ فصل بقید تم آورد **فصل اول** مشتعل بر
کیفیت اولاد و احفاد میر قمر الدین خاں مخاطب آصف جاہ چہین قلیج خان جاگم بلدہ مذکور
فصل دوم مشعر کیفیت امرای کیفیت ریاست آصفیہ از فرقہ اہل اسلام **فصل سوم**
در احوال فرقہ ہنود بلند گرہ ریاست سطور **فصل چہارم** در کیفیت زمینداران علاقہ
فرخندہ بنیاد و شہر نظامت ایچپور و کیفیت منصبداران و آسامی جاگیرداران بقیدی
بقیدیہ آہنہ **فصل پنجم** در تفصیل تعلقات **فصل ششم** در کیفیت تعلقات **فصل ہفتم**
در شرح جاگیرداران ذات و جمعیت **فصل ہشتم** در القاب و خطاب مسکین و ہنود کہ در عہد
غفر اناب و بیس حال لقب شدند **فصل نہم** گواہ شوارہ جمعیت پاہ و داخل و خارج ملک
فصل دہم در کوائف افغانان ہمدوی و عرب و غیرہ **فصل یازدہم** در بعض مراتب ضروری التظہر
فصل دوازدہم در خصائل و ردیہ اہل بلدہ مذکور **نظم**

حسب ایام صاحب شکلف من مفصل نوشتہ امین اہمال

بہتہ صرف کردہ ام ورنہ یک یک اجتماع بود محال

سال تاریخ برزین سخن شده نازل ز آسمان خیال

مشعل ماه را کیف دسم نسخه یادگار مکن لعل

فصل اول در ذکر اولاد آصف جاه مرحوم سلسله خاندان میر قمر الدین خان مغلوب
به آصف جاه بدین متول است که جد ادش سعد الله خان وزیر اعظم صاحب قرائت
شاهجهان و جد پدری او میر عابد خان سمرقندی بدله بخاری بن میر اسماعیل ملک العلماء بخاری
از اخفاء شیخ شهاب الدین شهروردی که عهد شاهجهان بادشاه و اردشاه جهان آباد شده
روانده حج بیت الله شده بعد از نگ آرائی شاهزاده محمد قمر الدین اورنگ زیب از بیت الله آمد
بتدریج بمنصب پنجه داری عزت امتیاز یافته بخدمت صدارت کل مامور بود در محاصره قلعه
کوکنده در ۹۹۰ هجری کهنه زانو دو هشت هجری بزم گله گوی جان فشان بود محمد امین خان اعتماد
الدوله پسر خواجه بهاء الدین قاضی که برادرزاده نواب عابد خان میشود مشا ایه مذکور مع قمر الدین خان
در سلطنت بادشاه موصوف و ارد گردیده بجایگزینی و جمعیت مغرب بوده در عهد محمد فرخ سیر بخشی
گری دوم باستقلال داشت و آخر به پایه وزارت قدم نهاد الا بعد خلعت وزارت اجل فرصت
نداد و در ایام معدود در گذشت خلعت عابد خان میر شهاب الدین رفته بمنصب هفت هزار
انانی فقه فرزندان عابد بر خطاب غاز الدین خان فیروز جنگ و صوبه داری گجرات و غیره بعد گول خور
به بجایگزینی و جمعیت علمیهات برافراخت و در سال ۱۱۲۰ هجری و یکصد و بیست و دو هجری
ازین جهان گوس رحمت قرار گرفت خلعت او میر قمر الدین خان که سال دلا دشمنی نکبت هویا
است بخطاب چین تسلیم خان و منصب پنجه داری سر بلندی و بر در خطاب خان دوران و
صوبه داری او ده عز امتیاز یافت و در اول سال جلوس محمد فرخ سیر بادشاه بخطاب
نظام الملک و حکومت سبزل مراد آباد مامور شده بعد از آن بصوبه داری مالوه سر برافراخت
حیدر حسین علیخان وزیر از اختلاف مذاهب تغیری نظام الملک و طلب او بمجنون تجویز داشت
نظام الملک قصد تغیر دکن هیش نهاد و همت کرده ۳۲ ساله یک هزار و یکصد و سی و دو هجری

از مالوه متوجه دکن شد و ملکه برهانپور از انورخان و قلعه اسیر از طالب خان بصلح و هواقت
تدبیر دست آورد و ششم شوال همین سال باسید عالم علیخان برادرزاده حسین علیخان
مرجوم وزیر که به بصوبه داری اورنگ آباد مامور بود محاربه افتاد و بعد از کشته شدن عالم علیخان
بر قلع دولت آباد بصوبه اورنگ آباد قاضی و شریف گردید نظام الملک در ۱۱۳۲ هجری
و یکصدوی و چهار هجری از دکن بشاه جهان آباد رسید و پنج ماهی الاذل مخلصت وزارت و
خطاب آصفیاه خلع گردید و ضمیه وزارت و ایالت دکن بصوبه داری گجرات و مالوه علم ماموری بر
افراخت حاکم خان عم خود را نایب نظامت گجرات کرده به مالوه شتافت و نیابت مالوه به
عظیم الله خان پسر عابد خان تفویض نمود همان سال بشاه جهان آباد رسید و یکصد و بیست و هشت
مامور الطاف خسروانی شده بدکن مراجعت کرد و در ۱۱۶۶ هجری یکصد و شصت و شش
هجری بحضرت صوبه داری صوبه اکبر آباد و مالوه تفویض یافت و در ۱۱۵۲ هجری یکصد و یکصد
و پنجاه و دو هجری نادر شاه دارد شاه جهان آباد گشت و در ۱۱۵۳ هجری یکصد و یکصد و
پنجاه و سه هجری غازی الدین خان پسر کلان خود را بعبد وکیل مطلق و بخشی گری کل فوج
وزنماست و در ۱۱۵۴ هجری شاه گداز شد و خود بدکن آمد و میر احمد خان ناصر جنگ پسرو
و بی که نیابت پدر و دکن بود و آخر آن در ۱۱۵۵ هجری در سواد غرب رویه اورنگ آباد
جنگ واقع شده زنده دستگیر شد و در ترک لباس نمود و آصف جاه بمقتضای ترسم
پسر پیش خود طلبیده هر روز در دربار بار داده آئین تربیت و آگاهی امور ریاست منظور
میداشت و در ۱۱۵۶ هجری در سواد برهان پور آصفیاه و دیعت حیات پسر و قبل از دو ساعت میر
احمد خان ناصر جنگ را در ورفش اینده هفت و نضایح ارشاد نمود اول برش دکن لازم است
که هرگاه سلامتی نفس ذاتی از جنگ و جدل و افزایش و آبادی ملک خود خواسته باشد
هاید که با مرتبه که زمین دار این ملک انداختی دار و تا مقدر سر رشته آشتی را برهم نه زند و در
صورت لاچارگی ناجار است دوم در انهدام بنی آدم که بنهاد ساخته رب العالمین است تا مل بکار
برد و مثل خوشه گندم و جوامیت که هر سال از کشتکار روید و مگر قوم را بقا معنی که تحمل او را خطیر

است تفویض نماید که موافق شرع شریف هر چه حکم کند بجا آرد از حکم خود قتل نکند رسوم
 زندگی فی خود و امور ممالک را منحصر سفر و اندوخت منزل نو و آب نو و سایه خمیه را در هیچ
 حال از دست ندهد که حق تعالی در کلام مجید فرموده است فیسرو فی الاجن اشارت بر اینست از نظر
 و بسا انتظام ریاست در جهان گردی است که در وقت بقدر ایام حیا و فی ضرورت که جمیع
 جانوران و انسان را در این ایام تکلیف میشود تعین قی سپاه هم با و طایان آنها منظور باشد
 که قطع مثل نشود چهارم کارهای جمیع خلائق را محض از افضال الهی متعلق بخود دانسته باید
 که بعد ادای فرض و واجب اوقات عزیز خود را بتنظیم امور متعلق تقسیم نماید و خود را بکار
 نداشته محاسبه شبانه روز خود از امور دنیا و دین میگرفت باشد که عاقبت بخیر گردد
 پنجم بشناسد که بنای دولت با مبایمن انفس بزرگانست چنانچه در ابتدا حق تعالی
 پادشاهی صدرت باین خاندان تعلق داشت و زمانا از وقت که زمان رحلت است توقیر
 و تنظیم فرقه دعا گو که بدو آن لشکر دعا بکار نمی آید از همه امور دنیوی مقدم بر سایر امور
 ریاست دانسته است و اهمیت از فقر و غریبا که باب الله اند میگردم و سبقت
 در سلام که سنت محمد است بجا می آوردم باید که همین شیوه برخورد مرعی داشته باشد
 ششم زمین و آسمان از قدیم است و خلق الله هم قدیم پس در صورت زمین فقط حصه خود
 ندانسته اطلاق حق کسی نمکند و آئین مورت ملحوظ داشته باشند مقیم دکن که عبارت
 سلطنت از شش صوبه است این معنی از مطالع تواریخ و وضع میشود که پیش ازین دز هر
 صوبه پادشاهی بود و ذوی الاحشام مستقل لگو بجا از فرقه سپاه پرورش می نمودند الحال اینهمه
 زمین از عهد حضرت خلدیرکان بیک کس تعلق گرفته رفته رفته حضرت حق سبحان تعالی محض یکرم
 خود جذبی من عاصی را عطا فرموده بر سر خلائق رئیس ساخته تا این وقت آنچیکه پاسبانی خلائق
 و کم و بیش قدر دانی مخلوق بود پر داختم سزاوار آنست که خبر گیری خاندان و امور بودن مردم
 بکارها بر سر کار خود نوبت بنوبت چه از فرق اسلام و هندو متبیل سال بسال نهایت دو سال
 از جمله واجبات دانسته می نموده باشند که دیگران محروم مانند و سر رشته این کار چه از خود چه از پیش
 روان خود پیوسته جاری دارند تا که درین مدت عسر این همه مردم را که هر واحد با تفاوت

بواهر تازه ایست بنی بهای بلطف و عنایات جمع کرده ایم دور هیچ حال قدر اینها از دست نداده سخت
 و سست اینها برداشت نموده بیکار نذار و بکار لایقه مامور سازند هشتم برادران صغیر خود را بجای
 فرزندان خود دانسته پرورش نایند و به تربیت آنها بکوشش بیغ فرماید و از افزونی قدر و منزلت
 آنها خاطر سبزدل دارد که غم خوار اند و ازل بدانند که کس همه با قوت بازو تقویت ناموس اندم گاه
 مرفیع حال خواهند بود هرگز ز دال دولت نخواهند خواست و قیئد که اگر سست و مقلی باشد سلطنت
 آصفیه را بجای افت مخالفان جهت قطع زمین خواهند فروخت و دایم محی الدین خانرا از جمل فرزندان
 خود تصور نموده بشغفت و عنایات ازال خود گرداند و در صد شکست او نباشد گوش بر سخن
 غمازان نهند و عوام اندل را در خلوت مجلس خود بدارند و به جهت سلطنت رازیان دارد و
 از غرور باریابی حضور خلق خدا را از برای تمام خواهند داد هشتم ادنی را بکار عمده و عمده را بکار ادنی
 مامور سازند که نارسانی ادبی اعتنائی این کار را صاحب می سازد چه تقریر و دیوانی به پورنچند که محض
 آدمی به رتب بود از برای اینکه امرای حضور قدر کار دیوانی با نداشته در امر تکالیف
 شاقه میکردند نظریه نفس شکنی و تادیب آنها و ابر این کار مامور ساختم کافر و درست باشد که این
 هر که باشد پورنچند آدم خوب و تحصیل زیر قیائی سرکار از آیین بهین بعضی وصول می آرد و اگر دوسه
 سال بکار مامور بجال باشد می شاید باز مختار اند و در همه حال یقین دانند که ریاست دکن موقوف
 بر عالم بندگی و نوکریست باید که آداب خل ستمانی را در همه حال از خود فوت نکند و از ادا
 سنی عند الله ناخود و عند الناس مطوعان خواهند بود و بیجا نخواهند انداخته و در میان رعایا و قبیله
 در و بی رسید روزی بغرض عنایات را با بعضی سلطنت صاحب کردنی انور حسین
 عرض کردم که مردم از قدیم با من عهد نوکری پیشه ایم از منیع ملک حرامی مشهور خواهم شد
 و حضرت را بدعوی و بدقوی شهرت خواهند داد و از اینجا که ذات شریف سخن سنج بود محفوظ
 شده آفرین گفت باز هشتم تا مقدر از خود در جنگ اقدام نکنند چه چنانکه جمیع
 طرفائی قلیل و کثرت باشد غیرت الهی و لیری را نمی پسند و زنا ممکن باید که برفع کوشد و چون
 دانند که طرفشانی سبادت می نماید ناگزیر حق طرف خود قائم کرده بجهت التجاج اسبدا و حق
 سبحانه تعالی خواسته بر مکان خود ثابت قدم و راسخ باشد و تا مقدر وزیر بنهار

به طبق جنگ نمکشند چرا که فتح بید اختیار دوست - و دوازدهم همانا سبایک از نفس
 لایزال و دلجبال آنچه موجود دایم اگر قدم بقدم من گذارسته صرف نماید قیاس که طبقه
 بطبقه و فغانا بد کرد و الا زیاده از دوسه سال کفاف نخواهد کرد - سیزدهم اینهمه خوانه که در کاف
 موجود دایم از برای مجموعی سپاه و سایر لشکر خصوص از بودن خزانه ساها کار پیوسته آباد
 می باشند و از آبادی اینها مخالف و لشکر خود بخود پریشان و متلاشی می شود الحمد لله از ابتدای
 انتظام این دولت هنگام رحلت حق سپاه از سه ماه زیاده بر خود باقی نذارم - اما بعد از این از سپاه
 خود آنقدر برترسم که از سپاه مخالفی ترسم باید که در همه حال آنها را از خود بیدل نذارم که
 به حال رفیق و باعث انتظام دولت و ناموس اند چهاردهم بقصد تقاضای بشریت امرنا
 بایستی درین پیری از من سرزده حالاکه محل نوقر ریافت از اینجا که مقدمه ناموس است
 پاس آن در همه حال قابل لحاظ که انگشت اعتراض بلند نشود و پانزدهم زار داران
 و گنی همه قابل گشتی و گردن زدنی اند خصوص سرگروه این قوم و دکاندگی سسی مورد دیگر
 را مداس که برهم زن کاشانه صد ساله اند و قلعه محمد مکر قید کرده ام و ز قیدداشتن آنها انتظام
 دولت خود داند هرگز از قید خلاص نه سازد و لغظ نه بدت خانه که در عالم مشهور است عبات
 از قید کردن این مردم است - شانزدهم از مردمان بهانپور احقر از باید کرد که درین مدت
 مکرر تجربه رسیده که مردم بهانپور و بیجا پور مثل مردم کشمیر اند از صحبت اینها نامقدور
 کس راه کشند به قید تمام الحال بودید مردم کارخانه را بر کار خانات مامور کنید و هر یک
 را بتاکید و تقید تمام قائم سازند که مهلت از دوسه ساعت زیاده نمی شود شمارا بخدای کریم
 سپردیم بهایت نصیب باد و در همه حال نصیر مبین شما باشد و سایه حق سبحانه افضال
 خود را از سر شما باز گیرد و اسلام علیم - قطع

بر خیز که وقت افتراق است امروز با محنت درد اتفاق است امروز
 ای دیده رخ وصال دیدی بچند خون بار که نوبت فراق است امروز
 محمد شاه بادشاه و قمر الدین خان وزیر اعظم پدر معین الملک عرف میرمنور صوبیدار لاهور
 و اصطفی جاه در بیستم سال از جهان فانی در گذشتند موت شاه وزیر اصطفی جاه

انورالدین خان گویا موسی جدو الاجاه حاکم چینا پٹن که از جانب آصف جاہ قبل از یک سال بمهم
 کرناٹک مامور بود احوال شورش و فساد هدایت محی الدین خان دختر زاده آصفجاہ از بطن محمد بنکیم
 که منسوب از متوسل خان بود که بانتظام صوبہ بجا پویشمین بود یا اتفاق حسین دوست خان اہل
 نوایت حاکم ارکاٹ کہ نمک حرامی و فسادی در قوم نوایت مخمر است باموسی بہوسی قوم فرامیس
 موافقت نموده برای دخل ریاست دکن باعانت موسی مذکور ملک حرکات ناپسندیدہ گردید
 ناصر جنگ کہ قائم مقام آصفجاہ بود در ۱۱۶۲ھ دفع فساد کرناٹک باعانت انورالدین خان با فوجی
 کڑا پانچنت کردہ خان مذکور را دستگیر نمود انورالدین خان در جنگ موسی مذکور حسین دوست خان
 در ۱۱۶۳ھ کشتہ شدہ ناصر جنگ تقریب رفاقت بہت خان وغیرہ افغانہ کرنول و کڑا پاکہ در
 باطن از هدایت محی الدین خان موافق بودند بہا بران ناصر جنگ امیری لشکر جمعیت خود ملاحظہ نمودہ
 ارادہ رفتن نزد افغانہ مذکور نمود نہر چند فیلبان گفت حال نمک حرامی آہنا و ممانعت در تشریف
 بردن ظاہر نمود لیکن از عدم تجربہ فائدہ نہ بخشید آخر وجہ میان در ۱۱۶۲ھ ناصر جنگ را بر خرم گولی
 شہید کردند و هدایت محی الدین خان بجای ناصر جنگ قرار گرفت چوں بہت خان بی لقتاری
 دیدیح دیگر افغانہ سرسواری مقابلہ نمود و هدایت محی الدین خان و بہت خان ہر دو کشتہ شدند
 سید محمد خان صلابت جنگ پسر موسی آصف جاہ بر مسند ریاست نشست راؤ
 پنڈت بردھان عرصہ خالی دیدہ بمملک بر بانپور و بجا پور متصرف گشت صلابت جنگ
 مطلع شدہ در ۱۱۶۵ھ مقابلہ نمود و پنڈت بردھان بر ہنہ سرفراز شدہ جان بسلاست
 بروخیام و اموال بسیار مردم موسی بہوسی کہ شیخون زدہ بودند بدست در آمد و درین سال
 غازی الدین خان فیروز جنگ برائے خصاص برادر عینی خود از افغانان در اورنگ آباد رسیدہ
 والدہ صلابت جنگ بعینافت او بزہر پرداخت چہان شب غازی الدین خان شہید شد
 در این اثنا میر نظام علیخان پسر چہارم آصف جاہ از صوبہ براڑ باورنگ آباد رسیدہ حیدر جنگ
 را کہ بتنی خواجہ عبداللہ خان وکیل موسی بہوسی مذکور بود نامردہ را بحیمہ خود طلبیدہ از جہان کشت
 سبب این بود کہ بسبب محیط شدن حیدر جنگ در امور ریاست دکن ارادہ این داشت کہ نظام علیخان
 را کہ شرارہ آفتیش می نماید قید کند الغرض در ۱۱۶۵ھ نظام علیخان باستمداد و فرط تدبیر بسلاست

پسر نجی حضرت آب که در این آردان بظاهر نام خدمت دیوانی داشت جمعیت فراهم ساخته به
 برهانور رفته زیب النساء بیگم دختر قایم علیخان را در نکاح آورده سه لک روپیه از اسبابان آنجا
 قرض گرفته زنی درستی پناه خود ساخته بیک روانه شدن موسی بهوسیله پهلوی چرمی و خالی شدن
 میدان حب العطب بسالت جنگ مذکور باز آمده صلابت جنگ را برای نام بحال داشته
 همه سر رشته کار با اختیار خود آورد بسالت جنگ قبل از رسیدن نظام علیخان و بسبب هنگامه سپاه
 و تقاضای طلب تنخواه به دونی رانچو که جاگیر او بود رفته بود نظام علیخان در سال صلابت جنگ
 را بسبب فطرت نمودن از مرز قلعہ محمد آباد بیدر قید کرده طلب فرمان شاه عالم با دوشاه خطاب
 آصفیاه بنام خود بر ریاست سلطان گشت صلابت جنگ را به قلعہ محمد نگر محمد جیو خانزاده همراه نموده
 متعبد نموده در آنوقت فتح مند خان قلعہ دار آنجا بود حسب الحکم میر نظام علیخان محمد جیو خان مرز
 در سال صلابت جنگ را گشت دور جلد می بهان کار از قلعہ داری محمد نگر سرفرازی یافت
 چنانچه بعد از آن پسرش محمد عبدالرحیم خان قلعہ دار آنجا کرده و بعد فوت آن کبیر خان است بیره
 فرزندان حضرت منفرت آب بی بی بیگم صاحب که صبیحہ نجیب الشراخان والا شاهی بود در نکاح
 و شادی ایشان در اورنگ آباد شده خان مفرایه از اقربائی حمید الملک سعد الشراخان وزیر
 شاه جهان بادشاه بودند ایشان لا اولد فوت شدند و از بطن سید النساء بیگم که از نسل سادات است
 و نکاح هم گردیده غازی الدین خان فیروز جنگ فرزند اول و میر احمد خان ناصر جنگ بهادر درویدی
 و بادشاه بیگم از بابا خان الخاطب به منصور جنگ فرزند بادشاه بنجاره منسوب شد و محمد بیگم به
 متوسل خان پدر هدایت الدین خان و فیروز جنگ منسوب به زیب النساء بیگم صبیحہ نواب قمر الدین خان
 وزیر الملک و بمشارایه بعد کشته شدن خان دور انخان در جنگ بادشاهی مخاطب امیر الامرای
 و وکیل مطلق و بخشی گری فوج سرفرازی داشت و ناصر جنگ منسوب به نواب بیگم صبیحہ طره بازخان
 یعنی روشن الدوله و از بطن حضرت قدسیه مخاطب عمده بیگم صاحبہ نواب غفران آب میر نظام علیخان
 مرحوم و از بطن مکر به بانو بیگم صلابت جنگ بهادر و از بطن صاحب بی بی بسالت جنگ و از بطن
 نجیب بانو منغل علیخان بهادر که از خواص بانو زهره بیگم میرا غنی و دیگر اسم دیگر بودند که اولاد
 از بطن آنها نیست و در رسم شادی غازی الدین خان فیروز جنگ سلطان پسر نخستین آصفیاه

صلابت جنگ
 یک سال و سه ماه و بیست و یک روز

منفرت مآب از زیب النسا بیگم صبیحه قمر الدین خان مغفور خلف نواب محمد امین خان بهادر است
 که قمر الدین خان از شکم شوله پور می بیگم پنج اولاد بودند سه پسر و دو دختر پسر اولین میر بد الدین خان
 و دیگری نواب نظام الدین خان خانانان که چندی مذکور احمد شاه بادشاه گردید سومی نواب معین الملک
 رستم هند عرف میر متونام دختران زیب النسا بیگم و بد الدین بیگم از بطن زیب النسا بیگم موصوفه
 غازی الدین خان عماد الملک اند که رسم شادی ایشان از عمده النسا بیگم صبیحه معین الملک بهادر
 پسر قمر الدین خان مذکور بعمل آمده است از بطن عمده النسا بیگم دو پسر متولی جاه بهادر و قطب الملک
 ونصیر الدوله بهادر از بطن گونا بیگم که بیگم مذکور از بطن سرس روپ طوافت ساکن مکتوفه و از بطن
 بهو بیگم طوافت از پشکا نیهایس نور بائی حمید الدوله بهادر و از بطن قمر النسا بیگم خاتم که سیدانی
 ذی خاندان غلام محی الدین خان و خواجه محمد بخش خان و از بطن امینا خاتم غلام علی خان
 و از شکم بیگما جو که همسرین قیاس است و از بطن مکتوفه گلین حسین بخش خان و معلی جاه و از بطن
 خاتم خود دودانه خاتم نامی چهار دختر و یک فرزند دارند نام دختران گوهر النسا بیگم و ظهیر النسا بیگم
 و امیر النسا بیگم و وزیر النسا بیگم ظهیر النسا بیگم منسوب از سید احمد علیخان فرزند سید امجد علیخان
 و نام فرزند معظم الدین خان و از خواص پانچ فرزند دیگر یکی میر ابوسعید دویم میر امیر الدین تویم
 میر برهان الدین چهارم میر منیر الدین و قطب الملک و یک دختر بنوبیگم و از بطن داحله خوانم
 مخاطب عرف اچھی نامی دو فرزند فرزند کلاں میر مکرم الدین علی خان و خود میر نصیر الدین خان
 و سه دختران در نشان بیگم و حرمت النسا بیگم و فاطمه بیگم و فاطمه بیگم و سطره منسوب از
 سید غرت علیخان پسر دومی میر امجد علیخان مذکور است و حرمت النسا بیگم سیوی نام زوکیوان جاه
 بهادر شده بود بعد از آن به میر معظم الدین خان مذکور پسر معلی جاه دور افتادن بیگم منسوب
 به خواجه غلام نقش بند خان پسر خود بهادر الدوله بعد انتقال راحت النسا بیگم زوجه یعنی صبیحه
 فرید و بنجاه و انتقال عماد الملک مذکور در ۱۲۵۵ بر در کاپی باده ریتج اثنانی شده است و فیض النسا بیگم
 نامی صبیحه نواب قمر الدین خان منسوب بمیر قطبی صاحب و از بطن موسی ایها بجبیه بیگم خواجه
 قطب الدین خان در ۱۲۳۵ در گذشتند و ایشان منسوب به حاجی بیگم صبیحه عماد الملک
 همیشه حمید الدوله مذکور و از همیشه حمید الدوله دو دختر یکی حسینی بیگم منسوب از خواجه نعمت الله خان

دویکی بند و بیگم که حمید الدوله بمیرزا محمد مغل منسوب نموده بودند لا ولد فوت شدند و از شکم دیگر خواهر
 خواجه قطب الدین خان مادر فرزند چهارم دختر هستند و حمید الدوله بایک پسر میر غلام عبدالقادر
 دیک دختر و محی الدوله راسه پسر هستند و میرزا عظیم علیخان و میرزا کریم علی خان و میرزا صمد الدین خان و ابجد
 علیخان دو برادر یکی خان معز و دیگری میرزا علیخان که در مرشد آباد بفریده خانسانا مانی منی بیگم
 صاحبه سر فرزند بود در ۱۲۳۶ در مرشد آباد و دیوت حیات پسر دهینولاد را با ذات میرزا محمد علی خان
 مذکور بواسطه دیهات جاگیر دوازده هزار روپیه سال مبلغ هشتصد روپیه اصل و اضافت است
 دورا به دو فرزند آن به بنصده روپیه ماهوار مقرر ذکر اولاد و مغفرت مآب اصطفیاه مرحوم
 میر احمد خان ناصر جنگ راسه صبیبه بودند یکی با سیم حاجی بیگ منصور جنگ ولد خواجه بابا خان
 منسوب شده بودند و از بطن حاجی بیگ مسطوره دو صبیبه یک بنام وزیرالنار بیگم که بنظامت خویش
 برادر خانان پنج منسوب شده بود یک پسر و یک دختر بیگم پادشاه از بطن وزیرالنار بیگم زنده است
 و بیگم مذکوره فوت کرد نظامت جنگ خویش منصور جنگ مرحوم و منصور جنگ خویش ناصر جنگ
 شهید خلف مغفرت مآب بودند و ناصر جنگ راسه صبیبه یکی حاجی بیگ مسطوره دوم بنام مانی بیگم که
 بفرزند مغل علیخان مرحوم نام آور جنگ منسوب شده بود لا ولد فوت نمود و صبیبه سیم بنام فرحت بیگم
 منسوب بمعبده الهادی خان قصور جنگ ولد عوض خان خرد خویش مغفرت مآب بودند و بنسیره
 عوض خان کلان که پهبیه یعنی شوهر عمه مغفرت مآب صوبه دار لاهور و برار بودند و بناصر جنگ سیم
 پسر نه بود و ناصر جنگ مرحوم در ۱۲۶۳ از سو جاسیان افغانه موافق امشاره همت خان و غیسره
 افغانه کر نول و کر یا که بظاهر در همراهی ناصر جنگ در باطن از هدایت محی الدین خان موافقت
 میداشت بزرخم گولی شهید گردیدند و سعد الله خان ملقب به هدایت محی الدین خان مظفر جنگ
 ولد متوکل خان همیشه زاده نواب ناصر جنگ مرحوم بود و متوکل خان مذکور دو پسر داشت طالب
 محی الدین خان و هدایت محی الدین خان منسوب بسید شاه بیگم لا ولد بود پسر کسی سید گرفته تبنی
 نموده بود بنام حضرت الله خان هدایت محی الدین خان مذکور با اعتقاد افغانه بجای ناصر جنگ مرحوم
 بایالت قرار یافت و بقاصد دو ماه در جنگ همت خان دغان مذکور هر دو کشته شدند منصور جنگ
 داماد ناصر جنگ بود سیف جنگ بخشی گری رساله سائر و تعلقه لنگه و دیور کند که در عهد غفران مآب سرفراز

یافته بودند جایگزین تندگان و غیره ویهات بود سید محمد خان صلابت جنگ پسر سومی آصفجاده
 تجویر موسی بهوسی برسند ریاست نسبت رسم شادی صلابت جنگ از عالی بیگم حصیه میر سید محمد منصبدا
 شده بود از شکم شان اولاد به عارضه عین بهادر معز بود دوزن حا که با شکم آمده بودند بنابر مصلحت
 داخل محل کرده بودند و پسر دقتیکه تولد شدند یا سلا اولاد صلابت جنگ هم مردم اشتباه دادند هر دو
 زنده اند یکی بنام قمر الدین خان مخاطب به جنگی شاهراده بود و دیگری سر سراج الدین خان سر سراج الدوله از
 میر قمر الدین مذکور عن بطن خواص دو فرزند یکی پسر دودویی دختر و از سر سراج الدین عن بطن خواص با
 سه فرزند دو پسر و یک دختر پسر چهارمی آصفجاده میر شریف خان بهادر بسالت جنگ مرحوم شاد و
 بعمل نیامده مگر خواصان که رسم این خاندان است از گوری بیگم نامی طواف بود از بطن آن اولاد
 نشده بسالت جنگ مرحوم را از خواص هانم پسر و چهار دختر متولد شدند نام پسر کلاں
 مهبات جنگ بهادر لقب بهادر اگاه غفرانآب منسوب به نقشبندی بیگم نموده در رسم جنگ
 میر عظیم الدین خان بهادر غفرانآب منسوب بسیمه بیگم در رسم یار جنگ بهادر بهیجان آرا بیگم
 حصیه غفران منزل منسوب نمود و میر حمید الدین خان بهادر لا ولد فوت شدند و غیرت یاب جنگ بهادر
 منسوب از ساجده بیگم حصیه غفرانآب و از سرست انسا بیگم حصیه منصور جنگ منسوب شد از ایشان
 میر فوحت علی و قمر انسا بیگم و بدر انسا بیگم و بدیع انسا بیگم متولد شد و از سردار جنگ بهادر و از فرزند
 جنگ و اسفند یار جنگ بهادر و شیر جنگ بهادر و سپه سالار جنگ بهادر و حصیه امارت انسا بیگم
 و عزت انسا بیگم و بدر انسا بیگم و رشید انسا بیگم و بدر انسا بیگم و افریاب جنگ زنانه وضع در
 محل خواص با داشتند پسران با سم میر عزیز الله و میر فضل الله و میر بهادر علی و میر تهر علی و میر
 بهروز علی با سم وزیر انسا بیگم و شیر جنگ بهادر بتاریخ ۶ رجب الاول ۱۲۳۳ هجری وفات یافت
 بهادر مذکور از خواص با پسر با سم میر بشارت علی و حصیه با سم قمر انسا بیگم و سعید انسا بیگم اند و در
 ۱۲۳۴ هجری نقشبندی بیگم بسبب رویه بد با اشاره رئیس حال یعنی سکندر جاده بهادر بقتل رسید
 منجمد پسران پنج اسم غایت ۱۲۳۵ هجری بقید حیات اند و چهار پسران فوت شدند نام دختران
 بسالت جنگ مرحوم رحمت انسا بیگم عرف بنما و بیگم از ممتاز الامر بهادر منسوب اند لا ولد صاحب
 مخاطب به بهوسیگم از عالیجاده خلف غفرانآب کتبی داشته اند ولایتی بیگم از پسر سادات انسا بیگم

مسی خواجہ حیات اللہ خان خیراتی صاحب بقدرت النساء بیگم صبیہ خواجہ فرید جنگ است منسوب
 شدہ لا ولد فوت شد پشلی بیگم از نظام صاحب فرزند ممتاز الامرا بہادر شادی شدہ لا ولد غلام حسین خان
 فرزند دارا جاہ مرحوم عن ذات از بطن خواص و از بطن نقشبندی بیگم مسطورہ صبیہ باسم نور النساء بیگم
 است و خیر النساء بیگم کہ بعد اللہ خان مغل ہرادر خان شیر از منسوب است و رستم یار جنگ
 کہ بصبیہ غفرانکب مسماہ جہاں آرا بیگم منسوب اول ۲۹ رجب الاول بیگم مسطورہ ۱۶ رجب ۱۲۳۵
 معز وفات یافت پسر بجی مسفر تآب ہمایون جاہ عرف مغل علی خان بہادر کہ رسم شادی
 با دہلہن بیگم نامی ہمیشہ نظامت جنگ ولد خانان بلخ خویش منصور جنگ قطب الامرا بہادر است
 بمحل آمدہ از بطن اولاد نیست از بطن خواص با ۱۲ پسر و دختر نام پسران نام آور جنگ بہادر
 و شرف یار جنگ بہادر و میر نظام الدین خان و میر بہا والدین خان و میر جمال الدین و خیراتی
 و میر انور الدین خان استم و ختران اختر النساء بیگم و قمر النساء بیگم و ماہ بیگم و مجیدہ النساء بیگم و دولت
 بیگم و کبیرہ النساء بیگم و خورم بیگم از نام آور جنگ مذکور و اما فی بیگم صبیہ منصور جنگ از معنی جاہ
 منسوب شد لا ولد قضا کرد عن خواص ہادر محل پسران میر ناصر علی و میر پرورش علی و میر
 امام الدین علی از فروریاب جنگ بہادر مذکور عن خواص پسر باسم سراج الدین صبیہ ہا وزیر بیگم
 عن نصرت یاب جنگ بہادر عن خواص با یک صبیہ باسم ولد ار النساء بیگم و حیات النساء بیگم از
 فیضاب جنگ بہادر مذکور عن خواص با پسر نام میر بہادر علی و میر بہار الدین علی و غیرہ چہا پسر
 و صبیہ باسم رحمت النساء بیگم از شرف یار جنگ بہادر مذکور عن خواص با صبیہ باسم لطف النساء بیگم
 از میر فیاض الدین مسطور معظم النساء بیگم صبیہ منصور جنگ بہادر قطب الامرا بعالی جاہ منسوب شد
 از ایشان دو صبیہ تولد شد پسران از خواصان عن خواص با بر ہا پوری بیگم و از خریاب جنگ
 بہادر مذکور کہ رسم شادی با امیر النساء بیگم صاحبزادی حضرت غفرانکب بمحل آمدہ فرزند
 باسم نور الدین علی است از صبیہ ہا مغل علیخان مرحوم رسم شادی اختر النساء بیگم با خواجہ مرزا
 خان پسر تقیہ بیگم بمحل آمدہ و قمر النساء بیگم از بندہ علی خان پسر خواجہ بایقرخان و ماہ بیگم
 منسوب از خواجہ نصیر خان پسر ماہ بیگم میر تہور علی خان متولد است رسم شادی کبیرہ النساء بیگم
 از خواجہ غلام حسین خان رسم شادی خورم بیگم از عبد الصمد خان ہمیشہ زادہ نواب منصور جنگ

فرموده قمرالملک قطب الامر با عالی جاه منسوب شد با اسم خواجش الدین متولد است پسر چهارم
 مغفرت آب میر نظام علیخان غفران آب که در سنه یک هزار و یکصد و هفتاد و پنج هجری
 بر ریاست تسلط شدند در سنه یک هزار و دویصد و هجده هجری بتاریخ ۳۱ رجب الثانی کوس
 رحلت از این جهان فانی فرد کوفت و در بیت در تاریخ سال تنزه غفران آب و تنبیت جلوس
 آصفیاه ثانی از سید محمد تخلص ایمان است **بیت**

هزار حیف ز عالم گذشت آصفیاه هزار شکر که فرزند نامدار بماند
 بگفت پیر فلک گرچه از نیستان رفت در یتیم ازو بهر یادگار بماند
 سواری خاص و خانم که داشتند از زیب النساء بیگم نامی عرف برهان پوری بیگم صبیخه خوام
 قلیخان مخاطب بمحترم الدوله که از منصبداران برادر پیکر بیگ خان بود رسم نکاح بمعل
 آمده برهان پوری بیگم مذکور بتاریخ ششم رجب الاول ۱۲۳۵ هجری وفات یافت در تنگیه جنوبی
 صاحب متصل تنگیه بود صاحب بموجب وصیت دفن کردند در زینت النساء بیگم صاحب در ۱۲۳۳ هجری
 وفات یافت در کعبه مسجد دفن شد و جانی بیگم و سلطانی بیگم و غیره ازواج بسیار بودند
 سلطان بیگم در ۱۲۳۵ هجری وفات یافت و عنایت النساء بیگم والده فروید و بنجاه مرحوم هفتم
 شوال ۱۲۳۵ هجری وفات یافت و بخشی بیگم صاحبه مغفوره زوجه کلاں را عوض جاگیرات که پسر
 راجه گویند بخش بهادر است در سال تمام در صورت هنگام پنج هزار روپیه در صورت غیر هنگام
 چهل هزار روپیه وصول میر رسید سی و یک هزار و چهار صد روپیه نقد و جواهر که راجه چند وعل
 در حین حیات تواضع کرده بودند بندگان فانی حال که از وقت انتقال بیگم موصوفه قبل از چهار پنج
 سال جواهر قریب پانزده هزار روپیه که از نزد راجه چند وعل بهادر دایمده بودند همین قدر به
 انتقال برآمد باقی همه جواهر عنایتی غفران آب و نقد و غیره بمساکین و مشایخ و غیره بار
 تقسیم نمودند و بمرهشتاد ساله رسیده در ۱۲۳۹ هجری انتقال نمودند و سکندر جاه بهادر در فرزند
 شان بودند وقت انتقال ملاقات از بندگان فانی حال نشد مگر از قبل پنج و شش روز که ملاقات
 شده حضرت خود در لدا برها نموده و از دست خاص نشانیدند و کمن و پلنگ و غیره و در
 خود از پیشتر تیار داشته وصیت کرده بودند که در مکان کعبه مسجد پایش غفران آب دفن نمائند

و شایمانه سفید بجز چو تره کج و دیگر هیچ لازم تکلف نباشد چنانچه همین بمل آمد و غفران مآب
 میر احمد خان عالی جاه مرحوم تولد مرحوم مذکور در سنه یک هزار و یکصد و شصت و هشتاد و هجری
 بمحل آمده است در سنه شادی از صبیبه صلح بیگم صبیبه بسالت جنگ مرحوم مخاطب با اسم بهو بیگم
 در سنه یک هزار و یکصد و هشتاد و شصت و هشتاد و هجری بمحل آمده و انتقال مرحوم مذکور در سنه یک هزار و دویست
 و ده هجری گردیده بیگم مذکور نیز فوت شد صبیبه با اسم عالم آرا بیگم منسوب بنا عار جنگ
 پسر مغل علیخان مشاؤالیه فوت کرد و ظهور النساء بیگم منسوب از خواجه عجم الدین خان مرحوم فرزند
 خواجه شهبید خان نبیره عیوض خان مرحوم صبیبه ظهور النساء بیگم مسطوره با اسم گوهر النساء بیگم
 منسوب از خواجه داود علی خان پسر خواجه قلندر خان مرحوم مشاؤالیه فوت شد لا ولد پسر
 دومی حضرت غفراناب میر سبحان علی خان فرید و بنجاه بهادر وقت انتقال عمر تخمیناً چهل
 سال بود در سنه شادی بمحل نیامده از خواصان فرزندان با اسم جهاندار جنگ که هفتم
 رمضان ۱۲۳۰ هجری فوت شد و شجاعت جنگ از بطن جمیل النساء بیگم منصور جنگ از بطن
 امتیاز النساء بیگم و میر حسن علی از بطن و لنواز با و صبیبه با اسم دلاور النساء بیگم منسوب علی الله خان
 فرزند سید الله خان مرحوم مذکور عموئ شکوه جنگ مقتول است و محمد بیگم به ظهیر جنگ
 پسر جمشید جاه منسوب و سعیده النساء بیگم بقیام الدین خان نبیره حیدر جنگ منسوب و
 دار النساء بیگم منسوب بمظهر علی خان بهادر فرزند فخر النساء بیگم است و راحت النساء بیگم منسوب
 بنخواجه غلام فوج دلاور خان بهادر و چمن آرا بیگم و دیدار النساء بیگم و دیده النساء بیگم از بطن حبیب النساء
 بیگم از عبدالحق خان منسوب شده است منظم النساء بیگم صبیبه کلان از بطن امتیاز النساء بیگم
 که فوت کرد از خواجه محمد یوسف خان بهادر پسر بهادر الدوله بهادر مرحوم منسوب و راحت النساء بیگم
 از بطن کریا بانو بنخواجه نقش بند خان منسوب و چمن آرا بیگم از بطن روشن بیگم هنوز ناکند
 و محمد بیگم مذکور از بطن امتیاز النساء بیگم و سعیده النساء بیگم از بطن امیر بیگم و داود النساء بیگم و
 دلاور النساء بیگم از بطن جمیل النساء بیگم فرزندان مذکور هفت هزار و پیمه باهوار و نقد یا بند
 پسر سیدی غفرانکتاب ذوالفقار علی خان بهادر جهاندار جاه در سنه شادی بهادر معزز بمحل
 نیامده در محل خواص با دارند عمر تخمیناً چهل و چهار سال از جهاندار جاه بهادر یک صبیبه متولد

باسم تلج النسا بگم منسوب بحسین یاورد الدوله پسر مختار الامرا بهادر دیگر از جهاندار جاه بهادر
اطفال نیتند شمش هزار روپیه ماهوار مقرر است پسر چهارمی حضرت غفرانآب میر نظام علی
بهادر جمشید جاه مرحوم در سنه یک هزار و نود و هفت هجری متولد شدند و در سنه یک هزار و دو صد
و پانزده هجری انتقال کردند رسم شادی بمحل نیامده بود از خواص با فرزندان با اسم ظهیر جنگ بهادر
و دار جنگ بهادر و سپه دار جنگ بهادر و ظهیر جنگ از بطن جمشید با نو و سپه دار جنگ
از بطن مهرخ با نو پسر پنجین حضرت غفران آب و برادر حقیقی حضرت بندگان فانی میر طهور علیخان
بهادر اکبر جاه بهادر عمر تخمیناً چهل و دو سال رسم شادی بمحل نیامده در محل خواص با دارند
فرزند با اسم میر بهرام الدین خان صبیہ بنام بلند اختر بگم و جهان افروز بگم شمش هزار روپیه
ماهوار نقدی می یابند و فرزند دویم میر سعادت علیخان بسبب چپک از چشم محذور است
و بلند اختر بگم بمر بست ساله از صمصام الدوله فرزند دویمی بندگان فانی حال نامزده است
هنوز رسم شادی بمحل نیامده و جهان افروز بگم هنوز ناکم از فرزند ششم حضرت غفران آب
میر جهانگیر علیخان بهادر سلیمان جاه عمر تخمیناً سی و نه سال رسم شادی بمحل نیامده در محل
خواص با دارند والدہ حیات النسا بگم و دو فرزند یکی بخشو صاحب و دویمی بهادر صاحب
و بهادر ممر شمش هزار روپیه ماهوار نقدی می یابند مگر حیات النسا بگم بقید حیات و از میر
تفضل علی پسر بندگان فانی حال از بطن جهان پرور بگم صاحبہ زوجہ شادی - پسر ہفتم
حضرت غفران آب میر جهاندار علیخان بهادر کیوان جاه عمر تخمیناً بست و دو سال نسبت
شادی از صبیہ قطب الملک بهادر خلف عماد الملک مرحوم مقرر شده بود هنوز شادی بمحل
نیامده چرا کہ اسطو جاه مرحوم بموجب حکم غفران آب بهادر سوزا مقبلی خود نموده بود و رسم
شادی در التوامی ماند و در محل خواص بهادر دارند فرزندان کہ تولد میشوند می میرند یک صبیہ بمر
یک سال دارند فقط مبلغ پنچ هزار روپیه ماهوار نقدی می یابند و در سنه ۱۲۳۶ هجری دو فرزند از خواص
متولد شدند پنج شمش شمش اہمہ ہستند فرزند دویم حضرت غفران آب بندگان فانی
حال دام دونہ و امیر اکبر علیخان بهادر سکند جاه عمر تخمیناً پنج و دو سال از بطن تہیت انتقام
صبیہ خواہ محمد صلاح منصب دار عرف بی بی صاحبہ و بی بی صاحبہ موصوفہ را کدام دختر تہیت

رسم شادی بندگان عالی از حاجی بگیم عرف جهان پر روز بگیم صاحبه صدیه مالی میان مخاطب برسیف الملک پسر
 از سطو جاده مرحوم از بطن فرزند بگیم صاحبه همیشه وزیر الملک بهادر که رسم کج و غیره در مقام بیدر عمل آمد
 و بعد آمدن از سطو جاده از قید پوز شادی کردن صاحبزاده باسم میر تقی فضل علی آید که تولد است و ششم غمبان
 ۱۲۱۹ هـ است از میر تقی فضل علی مذکور بتاریخ عهده حجب ۲۳۴ هـ از بطن عائشه بی و صبیبه و یک فرزند نادر بگیم
 و بچو بگیم صبیبه او شرف الدوله پسر میر تقی فضل علیخان زاد و همیشه باسم غفور النسا بگیم صاحبه منکوحه بموجب رسم
 خاندان عالی صبیبه منصفه را نذر از بابی نقاشات و واقف کار به تحقیق رسیده که رسم کج بعمل نیامده
 صبیبه بی بدل جنگ بهادر و بهادر مذکور منصب دار قدم نزد داراجاه بهادر بر جمعیت دوسه هزار
 مع برادر لازم بودند بعد وفات بهادر مذکور گل بانو نادر بگیم صاحبه موصوفه نامش بخشی بگیم صاحب
 نوکر بود بدین سبب غمخوران باب بندگان عالی حال را علنی فرمودند اول بگیم صاحبه موصوفه
 را در خواستگی دادند پس آن از بطن فضیلت النسا بگیم صاحبه عرف چاندنی بگیم باسم میر فرخنده
 علیخان بهادر ناصر الدوله که کلاں عمر نیمه ناسی سال که در ۲۳۵ هـ هجری بتاریخ هجدهم رمضان در قلعه
 بهادر متولد گشتند بهادر مذکور را دو فرزند از خواصان تولد شد و دوازده فوت کردند رسم
 شادی هنوز بعمل نیامده و دوازده سی صدر و بیع اصل و اضافا با هواری نقدی مقرر است فرزند دوم
 بندگان عالی حال میر بشیر الدین علیخان مصمص الدوله بهادر بعربت و بیست سال یک فرزند و
 یک دختر از خواصان دارند تولد سیزدهم رجب ۱۲۳۳ هـ هجری فوت شد تولد بیست
 و هفتم رجب سنه الیه باسم شهزادی بگیم از بطن سر و ناز و بهادر نرساله و گھیسای بگیم از بطن بنجام و بگیم
 معمر دو ساله سیلغ و دوازده صدر و بیع با هواری نقدی مقرر است و فرزند آن با بگیم سر و دار علی معمر یک
 و نیم ساله و میر قادر علی از بطن مسجری بگیم بعمر یکساله فرزند سوم میر گوهر علیخان مبارز الدوله بهادر
 بعربت و شش ساله سیلغ و دوازده سی صدر و بیع با هواری نقدی مقرر است یک فرزند و دو دختر از
 خواصان متولد شده است تاریخ و الهم رجب سنه الیه و بی فضل النسا تولد هفدهم رمضان سنه
 دیگر فرزند پنجم رمضان ۱۲۳۱ هـ در قلعه گوکنده متولد شد فوت شد فرزند ششمین که برادر جنگ
 متولد بنام میر تهور علی در ۱۲۳۳ هـ و فرزند و بی که در قلعه متولد شده بعمر دو ساله موجوده بصبیبه باسم
 فضیلت النسا بگیم صاحبه موصوفه باسم جمال النسا بگیم بیوه تاج الدین خان مرحوم را منسوب بود

ص ۱۲
 میر است شاد و نامدار النسا بگیم معمر بیست ساله
 ناز و نادر و فضیلت النسا بگیم

و کمال النصاریکم زوجه امتیاز الدوله بهادر از لطن بیگم مسطوره اولاد متولد نشده و از لطن رفعت النساء
 بیگم صاحب که بی بی صاحبیه ممدوحه بندگانی را داده و فرزند غریبی بوده اند میر محمود یارنجی تولدت
 و هشتم رجب ۱۲۱۵ هجریه و صبییه باسم بخت افزوز بیگم به چهارده ساله ناکتخدا بود از میر فیروز علی خلیف
 عبرت یاب جنگ بن بسالت جنگ هم ذیحجه ۱۲۱۵ هجریه متولد شد از لطن بود و داشت دوازدهمین خضر الشیخ
 بهر ۱۹ ساله ناکتخدا و از لطن بود و چندی کینیز میر منور علی تاریخ تولد ۹ ربیع الاول ۱۲۲۱ هجریه از شکم بود و
 میر فیاض علی تاریخ ۱۹ رمضان المبارک ۱۲۳۱ هجریه از لطن زهره خانم میر دلاور علی تاریخ تولد ۱۹ ار
 جمادی الثانی ۱۲۳۱ هجریه است از لطن مهتاب خانم فرزند تولد شده بود و بعد کیه فوت شد
 میر فتح علی از لطن نجیب النساء بیگم فقط سه پسر حضرت عفراناب کلان کنی قهرمان از لطن
 فتحیاب الدوله مرحوم منسوب بود فتح یاب الدوله و نظریاب الدوله هر دو برادر حقیقی پسران مرحمت خان خرم
 اولاد عوض خان مرحوم بودند فرزند باسم خواجه مظفر علیخان از اولاد النصاریکم صبییه میر سحان علیخان
 فریدون جاه مرحوم منسوب و دیگر فرزند خواجه شجاعت علی خان و خواجه دلاور علیخان و صبییه
 قهرمان النصاریکم صاحبیه موصوفه باسم عزت النساء بیگم از منور جنگ پسر یکم تا ز جنگ منسوب پوتی باسم
 سلج النصاریکم نواسه یعنی پسران عشرت النساء بیگم دلاور علی و نادر علی و کامران علی صبییه دوم حضرت
 عفراناب جهان آرا بیگم صاحبیه از رسم یار جنگ بهادر فرزند بسالت جنگ مرحوم رسم شادی
 بعمل آمده هر دو فوت شدند صبییه سوم ساجده بیگم صاحبیه نامی از غیرت یار جنگ بهادر
 پسر بسالت جنگ مرحوم شادی و نکوح شد از لطن بیگم صاحبیه موصوفه پسر باسم میر فیروز علی و صبییه
 باسم فیروزه النساء بیگم منسوب پسر نظامت جنگ مرحوم صبییه چهارم حضرت عفراناب میر النساء بیگم
 از خریاب جنگ بهادر فرزند مظفر علیخان مرحوم رسم شادی بعمل آمده از لطن بیگم موصوفه پسر باسم
 نورالدین علی صاحبیه پنجم حضرت عفراناب سیده بیگم صاحبیه از رسم جنگ بهادر فرزند بسالت جنگ
 مرحوم شادی گردید از لطن بیگم موصوفه یکم دختر بنام دلاور بیگم متولد شده و صبییه ششم حضرت عفراناب
 بنیر النساء بیگم از شمس الامرا بهادر شادی گردید بهادر فرزند بیگم مرحوم که حیثیت بالگاه
 سوار و بار جملتش هزار و دویست تنخواه جا و از محالات قریب بست و هشتاد و یک روپیه
 فرزندان از لطن بیگم موصوفه فرید الدین خاں و رفیع الدین خاں و محسن الدین علی خاں و

و عشرت النساء بیگم

میرزا علی و صبیها باسم بلقین مال بیگم و سراج النساء بیگم و سید النساء بیگم صبیبه مفتاح حضرت غفران
 ریاض النساء بیگم مرحومه از خان شیراز شادی شد از بطن بیگم مرحومه پسر نام میر عباس علی صبیبه
 باسم پادشاه بیگم و منور النساء بیگم صبیبه مفتاح حضرت غفران مآب که از همه کلان و اول بود و بیگم
 صاحبه مرحومه که از مهابت جنگ مرحوم پسر نکالت جنگ مغفور متعقد بود و شادی گردید از بطن بیگم
 مرحومه صبیبه بنام خیر النساء بیگم که بیگم مسطور از عبد الله خان برادر خان شیراز منسوب شده و خان
 مسطور سه برادر کلان خان شیراز محمد علیخان نام و ازند برادر و وسط حسین علیخان برادر که چک عبد الله خان
 پسر علی مردان خان مرحوم و از قنقاس خان مرحوم نبی عم کریم خان بکسل از سلسله زیدیه خان
 ایران محمد علیخان مذکور از ولایت آمده ملازمت حضرت غفران مآب حاصل نمود بعد چند
 ریاض النساء بیگم همیشه فریدون جاه مرحوم منسوب شده بدر ماهمه دو هزار روپیه سرفرازی یافتند
 و برادر کوچک ایشان عبد الله خان با هوای معنوا بعین و غیره لواحق قریب دو هزار روپیه می یابند
 و بسبب منوبی این دو برادر این شد که چون چهاں پرور بیگم بسکندر جاه بهاد منسوب گردیدند
 حضرت موصوف در خانه خود ذکر کردند که دختر شعیبه سستی را اگر فتن مناسب است از استماع این خبر
 اسطو جان بهادر این هر دو برادر این هر دو برادر سستی مقرر نمود و خان شیراز لقب داده خود و نام
 شده قسم کلام الله آنها را از روی اسمیلان سرکار خورانیده بر ترکیب منوب کنانید صبیبه نهم حضرت
 خفر مآب قمر النساء بیگم مرحومه عرف کو بیگم که از خواجه هاشم خان منسوب بود و خواجه هاشم
 خان مذکور از بطن رابعه بیگم صبیبه نواب قمر الدین خان فرزند که از و نشان سه پسر تولد شد سلطان
 خواجه یوسف خان و دویم خواجه هاشم خان و سومی خواجه جعفر خان و اولاد خواجه هاشم خان مذکور
 از بطن کمال النساء بیگم مسطور باسم خواجه عظیم الدین خان عرف خواجه پادشاه عمر خیناسی ساله
 و ازند صبیبه و هم حضرت غفران مآب کایلی بیگم از خواجه بدیع الله خان هاشم جنگ منوب بود
 خواجه بدیع الله منور از اینجا فراری شده و بر بر اینورا انتقال کردند بیگم مذکور بعد چند
 لاولد انتقال کرد و دیگر صبیبه هاشم حضرت غفران مآب که انتقال کردند مثل بدری بیگم همین طور دیگر نیز چهار
 اسم خوانند بود و ذکر و خمران آصفی هاشم قلی خان مفتاح مآب از بطن بیگم پادشاه بیگم و محسن بیگم
 از بطن سید النساء بیگم بدر النساء بیگم ماه بانو بیگم محبت بانو بیگم عرف خان بهادر مکره بانو بیگم عرف

کالی بیگم است شادی محسنه بیگم از متوسل خان شده فرزند با اسم هدایت محی الدین خان مظفر جنگ
و طالب الدین خان و تاج النساء بیگم در پیورشش هدایت محی الدین خان شریک بودند شادی
نکرده بیگم عرف کالی بیگم از میرکلاں خاں لعل آمده فرزند مختار الامرا بهادر که به بختاو بیگم صبیبه بالت
جنگ مرحوم منسوب بود بهادر معز و حین حیات عفران مآب خطی به بیگم سلطان نوشته بودند
و قتیله بیگم سلطان کشته شد خط مذکور از قلدان او پیش صاحب عالیشان حشمت جنگ بهادر
منفور رسید مرحوم مذکور در حضور استفسار نمودند که مختار الامرا بهادر با جازت حضور نداشتند
باشد خود بدولت بمقتضای وقت انکار فرمودند و غیر از اخراج مختار الامرا چاره نشد از آنوقت
بهادر معز در کلیانی قیام دارند و مختار الامرا بهادر هفت پسر دارند از خواص یکم اختیار الله و بهادر
خویش بنده گان عالی حال منسوب از کمال النساء بیگم صاحبزادی حضور که در نیولا از حرکات خود داخل
قلعه کوکله بند بودند و وی حسن یاور الدوله از صبیبه جهاندار جابه با اسم تاج النساء بیگم که فوت
شد منسوب بود پسرکلاں نظام صاحب است از موقوفی بیگم صبیبه بالت جنگ مرحوم منسوب است
و باقی چهار پسران بهادر معز را شادی شده است و ماوراء قیاز الدوله بهادر بختاو بیگم میت بهادر
معز منسوب از خواجی است عمر قیاز الدوله بهادر کلاں تخمیناً شصت و هفت سال رسیده و تاج
درهم جادی الاول ۱۲۳۲ در قلعه کلیانی و بعیت حیات پسر و خواجه عبداللہ خان ترکستانی قریب
قد بار درگاه حضرت امام است یکی از اولاد مجاوران درگاه موصوف که در بند صورت بودند
سوداگری می نمود و قتیله در حیدرآباد رسید عند الملاقات نواب مغفرت مآب نامبرده را ذی خرد
صاحب استعداد کارگرنی ریاست یافته مقرب خود ساخته از راه قاروانی بمحرمیت دیوانی مقرر
فرمودند مشارالیه را هشت پسر و سه و دو صبیبه فرزند از زوجه اول یکم خواجه عباد اللہ خاں و یکی
خواجه هدایت اللہ خاں سومی خواجه عنایت اللہ خاں و از زوجه منکوه دیگر که سه فرزند و دو دختر
فرزند کلاں خواجه نعمت اللہ خاں که منسوب همیشه میرکلاں خاں بود و صاحب جمیت و عمر صد و هشتاد
شستن مغفرت مآب روشناس دومی خواجه سعید اللہ خاں که چندان روشناس خود بلکه درین
سرکار شکوه جنگ بهادر نمید و خواجه عبداللہ خاں هرکاب نواب مغفرت مآب از شاه جهان آباد
بود و از نواب مغفرت مآب هم قرابت نداشت از خواجہ معز شش فرزند کلاں خواجه نعمت اللہ

شکوه جنگ داماد کالی میگم عرف کمره بانو میگم همشیره حضرت غفران آب از بطین صید میگم مطور
 و سه فرزند کلاں خواجه غلیل الله خاں شکوه جنگ که کشا می راکشته مقتول شدند و دویم خواجه
 غلیل الله خاں که بقید حیات اند سوئی حمید الله خاں فرزند دویم خواجه عبد الله خاں مطور
 باسم سید الله خاں از ایشان فرزند بنام علی الله خاں بقید حیات اند سوم خواجه عباد الله خاں فوت
 کرد و پنجم خواجه بدایت الله خاں فوت کرد و نهم خواجه نور الله خاں فوت کرد و دهم
 خواجه فیض الله خاں فوت کرد و دوازدهم خواجه بیگم صلیه مغفرت تاب به سید باوا خاں
 جد مشهور جنگ مرحوم شادی خجسته بانو میگم عرف خاں بهادر از سید منغل ولایتی که به شادی
 روانه ولایت شد جمعیت در پیره بندی رکاب حضور پر نور بنگال عالی حال است بموجب
 تفصیل ذیل -

داماد علیگ خان بار قادر علیخان بخش الله خان بار رعد جنگبار سید رسول رسول خان بار

۲۰۰۰ نفر	۴۰۰ نفر	۴۰۰ نفر	۲۰۰ نفر
جوانان بار موسی رهمو - آلا نواز جنگ بهادر سوار و بار - جعفر یار جنگ و غیره در علاق			
۱۰۰۰ نفر	۳۰۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر
راجه چند لعل سوار و بار و غیره - اکبر یار جنگ - شهر یار جنگ بهادر سوار و بار - حاجی لمبا کر و بار			
۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر
نقشبندی خاں سوار و بار - بنده علیخان - ضیاء الدوله سوار - حال جدید وزیر علی خاں			
۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر	۸۰۰ نفر
سکندر قلیخان بار گیر عبد الله خاں سر رشته دار راجه نندرام سواران پائیگا - تعداد			
۱۵۰ نفر			
جمعیت نیز ملک بهادر و شمس الامرا بهادر و غیر کم و بیش ازین کم نیست -			

فصل دوم مشعر کیفیت امرای ریاست آصفیه از فرق اهل اسلام و کیفیت نواب

نیز الملک بهادر ولد غیور جنگ بهادر بن شیر جنگ مسطور شیخ حیدر نام از قوم نو آئینه ابداء
 لازم آصف جاه بعد از خاتم گاری در کون بود چو در آمد آمد نادر شاه حضرت آصفجاه عازم
 دلی شد نذر کر نال بعد فوت خاند و رانخان پیش نادر شاه برو کرد و رویه صلح نموده روز دیگر
 ملاقات محمد شاه باو شاه و نادر شاه کردند امیر الامر او کیل مطلق بغیر و جنگ خلف آصف شاه
 بنا بر علیه بر بان الملک آتش افروزی ساخته اول آصفجاه و محمد شاه قمرالدین خاں را مقید
 کنانیده دلی را غارت کنانید و آن قیدای شیخ حیدر مذکور و درگاه قلی هر دو خدمتکار در رفقت
 بودند و روز قتل دلی آصفجاه که در خانه بر بان الملک بودند از آنجا رفته به نادر شاه استمالت نموده
 موقوفی قتل کنانیده در الوقت هم این هر دو رفاقت دادند نظر بر این هر دو را خطاب خانی دلی
 شیخ حیدر را حیدر یار خاں و درگاه یی را درگاه قلی خاں و عطائے سواری و یک یک صدر رویه
 با هوای مقرر فرموده مقرب و اشتند بعد از آن در عهد میر سید محمود خاں صلابت جنگ خدمت
 دار و علی فیلنامه داشتند بعد به صوبه داری اورنگ آباد در عهد غفران آاب سرفرازی یافتند
 رسم شادی غیور جنگ و لد نیز الملک بهادر از بهیو بیگم صید درگاه قلی خاں بعل آمده از بطن بیگم
 مسطور چهار پسر و دو دختر متولد شدند نام پسران محمد تقی خاں اکرام الملک بهادر و بهادر و معز را
 اشجع الملک بهادر و امین الملک بهادر و هر دو دختران مذکور یک بهیو بیگم سکنه خجسته
 بنیاد سسی میر سید و صاحب منکب بود و دو بیگی فاطمه بیگم عالی میاں سیف الملک پسر اسطو جاهر
 منسوب بود هر دو فوت کردند و در عهد غفران آاب مجد مت دیوانی بادشاهی سرفرازی یافته بودند
 چنانچه حال بهادر معز بحال است مدت انتقال غیور جنگ مرحوم سی و یک سال شده و نیز جنگ
 مرحوم بهیو چهل و شش سال در گذشت و رسم شادی نیز الملک بهادر از بهیو بیگم سکنه خجسته
 معفوریه عمل آمده بهادر معز چهار پسر از هر دو وجه دارند از زوجه حسین صید میر عالم مغفور بنام
 عبدالله صاحب که در فرزند زوجه مغفوره مذکوره دادند از این سبب نیز الملک بهادر بر مال
 و اموال و اکنه و تالاب و دو کاکین بنا کرده میر عالم مغفور قابض و متصرف اند و از بطن شادی
 دو بیگم صید مغفور بنام محمد عالم علی و غیره اند و از بطن خواص مقدر صاحب از همه فرزندان کلاں
 تراست بنجله چهار فرزند از غیور جنگ مرحوم اکرام الملک و اشجع الملک از قید حیات در گذشتند

جمعیت غیرالملک بهادر چهارصد سوار و دوصد با جمعیت امین الملک بهادر سیصد سوار جاگیر و
 یکصد سوار نگهبان داشت و دروغی یکصد و پنجاه نفر و سی و پنج چهارشتر از حضور بندگان عالی دارند
 و تنخواه از پنجاه که سپرد تجار ام نامب بهادر معز است بابت خرج و خوراک فیالمان و شتران
 از انجمنی یا بنده ابدالاباد که در جاگیر سواران است وصول آل قریب سه لک روپیہ ظاهر
 سواران ندارند و جاگیر معز و سوائے آن یکصد سوار نگهبان داشت مذکور را جائیداد برانگیز
 قوال و دیگر گنہنوار است و کیفیت سواران مذکور این است که گاهی در نوکری سرکار میزند
 سوائے آن جاگیر ذات و غیره دارند و غیرت و اوایل هر دو موضع جاگیر جہاں پرور بکرم صاحب
 بہادر معز تقوینص است و این بہادر و فرزند داشتند و یک صبیہ کی حسن یا والدہ که کنایہ
 اطلاق و جاگیر خود از حضور پر نور نوپا سیند بودہ اند بتاریخ نسبت و چہارم ربیع الاول ۱۲۳۶ م
 شہر آمد و دومی پسر بہادر معز در گاہ قلینخان کہ بعلت مشایخ مشہور اند موجود - صبیہ بہادر معز از
 باقر علیخان بہادر سپہ سالار الدولہ مرحوم منسوب و نواب غیرالملک بہادر جائیداد جمعیت خود
 یرگنہ کو ویکل دارند و دیگر جائیداد ذات بہادر معز متفرق دیہات ہستند و سوائے این صاحب
 چند وعل بہادر بابت تحریک شش لک روپیہ میدہند - کیفیت شہر یار الملک بہادر بہادر
 برادرزادہ مظفر الملک بہادر ولد حسین علیخان ہر دو برادر حقیقی یا لیکر بیکہ بی در وقت غلام
 خاں آمدہ ملازم حضور بر نور شدند و بہ جمعیت و ملک کردہ پسر فزازی یافتند در آل ایام بہب
 شہر یار الملک بہادر از آئینہ السلام بیگم صبیہ خلف غلام سید خاں مرحوم کہ از زوجہ نخستین
 بودہ باشد و بہادر معز برادر حقیقی اند مظہور الدولہ و احمد علیخان و بہادر معز و ہمیشہ کلان
 صبیحۃ اللہ خاں قلندر را بتکلیف منسوب و ہمیشہ خود بچکم جنگ برادر اشرف الدولہ منسوب است و
 جمعیت بہادر معز چارصد و شصت سوار و یکصد و ہفتاد نفر بار و در جاگیر جمعیت و ذات قریب
 پنجاه ہزار روپیہ و تتمہ نگہداشت بہادر معز الیورماند و سوائے حصہ بیکہ بی سہ لک پنجاه ہزار
 روپیہ تخمینا وصول مقرر است سوائے این ہیج خدمت از سرکار نیست و مظفر الملک بہادر را
 در بیکہ بی حصہ جاگیر بود و در بی مذکور حصہ شہر یار الملک بہادر و مظہور الدولہ نیز بہت تقسیم
 آن در خانگی کردند لہذا تفصیل آن معلوم نہ شد و قبیحہ تعلقہ کردہ از مرحوم متوفی شد

جمیعت هم موقوف شد بعد انتقال غلام سید خاں مرحوم دو صد سوار و بار ماهه ذات
 بودند مرحوم فرزوار میر ابوالقاسم بی اداینها که نمودند این موقوفی جمیعت و در ماهه ذات
 شده روانه بکین بجای شده و شاه یار الملک بهادر را و فرزند و سه دختر فرزند گلان بنام
 رونق علیخان که سید جاگیر است جمیعت از سرکار بنام دوست و دیم عباس علیخان و از دختران
 مذکوره دو دختر بد و فرزند برادر خود غلام علیخان و منصور الدوله منوب و یکی بفرزند احمد علیخان
 متوفی نامزد شده است - کیفیت غلام سید خاں مرحوم مخاطب بار سطوحه و لد فرخ خانان ابن
 دیوان حسن محمد خان قوم مندل گیانی از نسل نوشیروان عادل متوطن قصبه سامانه مصاف
 چکله سرهند دیوان مذکور و برادر بود یکی دیوان حسن محمد خان و دیگری محمد قاسم خاں که از
 اولادش خاں نولام را بهادر است پدر غلام سید خاں مرحوم پنجاه روپیہ شانی نصبه اراک بود
 مولد ار سطوحه مذکور را به پور است و نیز تولد غلام مرتضی خاں سیف الملک عرف معالی میان
 فرزند ار سطوحه مذکور را به پور شده هر گاسیکه در دیوانی رکن الدوله غلام سید خاں ار سطوحه
 دست و پا کرده بودند و از بلده بهر تقریب برنی آمدند لهذا رکن الدوله میر موسی خاں مرحوم ار سطوحه
 را صوبه داری اورنگ آباد داده از حضور باشی موقوف نمودند آنوقت متعلقان ار سطوحه
 از الیچور و اورنگ آباد آمدند بچهار سال از صوبه داری اورنگ آباد موقوف نموده
 حکم حضور شد که در قلعہ اوسه باشند و به حضور حاضر نشوند بموجب حکم در قلعہ اوسه متعلقان
 سکونت نمودند بعد انتقال رکن الدوله خان مرحوم سلسله جنیان از وقار الدوله که وکیل ظفر الدوله
 ابراهیم بیگ مخاطب بفاضل بیگ خاں بودند آمده و قار الدوله که مزاج بود از طور
 ایشان آگاه شده اخراج کرد بعد اخراج خاں مرحوم ز و ظفر الدوله ریشہ دیوانی کرده بیام
 وکالت نمود که بطور وکالت خود را در حضور بر نور مامور سازند ظفر الدوله نیز از اطوار خاں مرحوم
 واقف بود انکارات کرد لیکن دولت رائے نامی مقصدی خانگی ظفر الدوله را چینه توجیه
 کرده وکالت و روانگی خود در حضور بر نور قرار داده عرضی ظفر الدوله در حضور بر نور گناینده که
 غلام سید خاں را بطور وکالت خود مامور میسازم که از حضور بر نور جواب ارشاد شد که
 این ممکن کش است شما چرا این را بایں عهده مامور سازند بران هم باز عرضی عذریه

فرخ خانان سلطان مسطور اعقلاری اوسه سر فرزند بود و ولد انداد را به غلام سید خاں مرحوم

از ظفر الدوله نویسانیده که این قابل حضور باشی است در آن هنگام وقار الدوله خود کشته انتقال
نموده بود بر ابراهیم رائے رایان و نانا پندت و شمس الامراء مرحوم بر سر عرصه بودند حضور پر نور عرضی
ظفر الدوله به شمس الامراء مرحوم غایت کرده استفسار فرمودند که این طور در حق غلام سید خان
ظفر الدوله می نویسند شما چه صلاح عرضی میسازند مرحوم مذکور عرض کردند که غلام از حضور علاقه دار
کسی آید یا نیاید خود ایشیح سرکار نیست هر چند که رائے رایان به مرحوم اظهار کردند که ملای آمدن
خان مرحوم شوند لیکن موثر نشد و موافق عرضی شمس الامراء به باد طلب خان مرحوم شد و از
حیله و کالت که آمدند متسلط شدند و دیوانی بایشان قرار یافت چنانچه از حق تر و دایشان در
۱۲۵۰ هجری یک لک روپیه سالیانه از سرکار غفلت مداریم قرار یافته بود و در قلعه اوسه قریب
هفت سال مانده بودند از بنیوج قلعه اوسه را با شمع جنگ عرف و لامیای که برادر حقیقی
خان مرحوم بود سپرد شد و از دولامیای چند پسر بقید حیات اند و شادی غلام سید خان مرحوم از نواب
بیگم دختر بهوی میان پدر گهای میان بهمل آمده است و یک پسر بنام معالی میان متولد شده
شادی همیشه زاده نواب بیگم مسطوره از منتظم الدوله بهمل آمده و پسر داری یکی رضا علی دوم
محمد تقی هنوز رسم شادی پرود نشده عمر معظم الدوله تخمیناً ۵۵ سال بهادر مذکور و لگهای میان
ابن بهوی میان که پیشتر قلعه دار قلعه دولت آباد و خدمت داغ رساله معالی میان غلام سید
خان مرحوم تفویض نموده بودند بعد موقوفی صرف بقلعه داری دولت آباد از حضور غفران مآب
سرفرازی داشتند و شادی معالی میان مذکور از همیشه نواب میر الملک بهادر بنیوج
بفرزند بیگم بهمل آمده بود و فاضلی بیگم فاضل بجهان بیور بیگم صاحب محل شادی بند گانغانی
حال از بطن فرزند بیگم مسطوره است آمده اسلام بیگم از بطن خواص معالی میان است شادی
بیگم مسطوره از شهباز الملک شده است غلام سید خان مرحوم یک طوائف مشهور با اسم سروافرا
بیگم نیز داشتند چنانچه سرورنگر بنا مش آباد کرده بودند بعد انتقال از مسطوره
مرحوم بعد چند سال بیگم مذکور نیز فوت کرد و هر گاه که معالی میان فوت کرد و غفران مآب
و از مسطوره راجه را بسیار بیقرار و متوحش کیوان جاده را بفرزند بیگم سید خان مرحوم دادند و خان
مرحوم نسبت کیوان جاده بهادر از حرمت النساء بیگم حبیه قطب الملک بهادر خلف عماد الملک بهادر

مرحوم به حین حیات خود نموده بودند چونکه خان مرحوم انتقال کردیم در التوامانده اولاد دار
 جابه مرحوم هیچ نیست مگر آل دارد -

کیفیت وقار الدوله مرحوم

وقار الدوله نصیب یار خان چندان در عرصه نبود مگر وقار الدوله اول در مصاحبین رکن الدوله
 بصوبه داری بلده فرخته بنیاد و نیز سرفرازی یافته بود بعد انتقال رکن الدوله و رمراج غفران
 آب و حل یافته اکثر امورات مدارالمهای اش از ماندن غلام سید خان مرحوم اجرای می نمودند
 در ۱۲۹۶ هـ خود را انتقال کردند - کیفیت ضیاء الملک بهادر ولد منظم الدوله منتظم جنگ
 ابن ابوالفتح خان که برادر کلان احسن الدوله کیتاز جنگ که در عهد حضرت غفرانکاب چندی
 دیوانی عالیجا به مرحوم نموده بودند و در عهد مصلابت جنگ تاش شاه و قتیکه شاه نواز خان
 خانه نشین شدند ابوالفتح خان مسطور سرانجام دیوانی دادند و منظم الدوله بهادر پدر ضیاء الملک
 از جاکه پنجه اردو به سرفرازی داشتند نام روجه منظم الدوله بهادر فرحت النساء سلیم بیگم
 شهبان مشکله هجری انتقال کردند رسم شادی ضیاء الملک بهادر از نصیب احسن الدوله لیکن
 جنگ شده در اولاد بهادر مغرب اسم ضیاء الدوله بگری و هفت ساله یک فرزند داشت
 ضیاء الدوله را رسم شادی از نصیب طالب جنگ ولد حق الدوله شده یک پسر به مقتده ساله
 و اند به ضیاء الدوله بهادر از سرکار پنجاه سوار اند در وقتیکه غلام سید خان مرحوم به پونا رفتند و بعد
 آن مختار الامر بهادر چندی در مصاحبت حضور فرور ماندند باستصواب بهادر در مغرب
 حسام الدوله و ولد به نظیر جنگ بهادر بخدمت عرض نیکی سرفراز شدند چنانچه تا حال همان علاقه
 سرفراز اند در ۱۲۳۱ هـ هجری که ضیاء الدوله برای شادی دختران خود به چینا پلین رفتند با
 فرزندان عظیم الدوله شادی کردند و کاندلی ناخوش شده علاقه عرض نیکی موقوف کردند ۱۳۱۱
 جمادی الاول ۱۲۳۲ هـ ضیاء الملک بهادر رحلت کردند کیفیت شیخ ابوالخیر خان
 متوطن شکوه آباد که در هندوستان واقع است از سفر به بانپور همراه مغفرت آب رقیق
 شدند غرت و اعتبار بسیار بود در اولاد او شان فرزند کلان ابوالبرکات خان فرزند خرد
 ابوالفتح خان بعد انتقال والد خود ابوالفتح خان از خطاب ابوالخیر خان بهادر در تیغ جنگ شمس

شمس الملک مخاطب شدند همیشه امجد الملک بهادر منسوب شد و از مطبعتش نسخ فخر الدین تولد
شدند و از عنایت حضور به خطاب شمس الامرا و شمس الملک بهادر سرفرازی یافت نهادی
ایشان از دختر غفران تاب بشیر النساء بیگم همیشه فریدون جاه بهادر گردید و در اولاد شیخ فخر الدین
خان چار فرزند کلان فرید الدین خان دوم بدر الدین خان خاص زاده سیوم رکن الدین خان چهارم
امیر الدین خان عمر شمس الامرا بهادر تخمیناً سی و نه سال جمعیت پاکیگاه سوار و بار جمله شش هزار
و در عوض جان داد انتخاب از محاللات قریب بست و بشت لک روپیہ مقرر است و برکات
جان داد نارائن کنده و گلبرگه الن گنجی و بھالکی و غیره دارند و در مصوبه بجای پور و مصوبه اورنگ آباد
نیز جان داد متفرق است کیفیت امجد الملک بهادر شیخ رحیم الدین بخطاب محمد امجد خان
سر بلند جنگ امجد الملک رفیق و اقربایان تیغ جنگ اند بعد انتقال شمس الامرا بهادر از کارزاری
شمس الامرا حال سرفراز بودند عنایات بندگان غفائی تاب بر احوال امجد الملک از باعث
حاضر باشی که روز و شب بر دژ پوری حاضر میبودند زیاد بود انتقال نمودند فرزندش سیف ملک
و امام الدین خان و سردار علی موجود و تمامی اموات جاگیر و غیره سرکار شمس الامرا بهادر
متعلق دارند عمر امجد الملک مرحوم وقت انتقال تخمیناً هفتاد و چهار سال سیف جنگ بهادر
پسر امجد الملک بهادر جاگیر پنجاه هزار روپیہ از سرکار بندگان غفائی و شریک جاگیرات شمس الامرا بهادر
اندر کیفیت میر عالم مغفور - میر رضی شوشتری در عهد حضرت غفران تاب از ملک
خود در بلده فرخنده بنیاد داخل شدند و تمام ایرانیان مثل رکن الدوله مرحوم در
حضور معروض معروض ساختند که میر رضی شخصی از ایران آمده است قابل و در علم عربی بسیار
مهارت دارند از راه پرورش جاگیر سه هزار روپیہ در پرگنه پٹن چر و سرفرازی یا بند حضرت
بندگان عالی پاس خاطر رکن الدوله بهادر از جاگیر مذکور سرفراز فرمودند میر مذکور را دو فرزند
یکه میر ابوالقاسم عرف میر عالم بهادر دومی میر زین العابدین که در سرنگ پٹن در سرکاشیو
سلطان ملازم بود میر عالم برادر میر دوران آخر عمر خود از وکالت بیایه دیوانی و مدارالمہائی
رسیده انتقال نمودند الحال بعد از صاحب فرزند غیر الملک بهادر در فرزند می صاحب
مغفور اند فرزند میر زین العابدین میر امام خان حاضر اند میر عالم مغفور پیشتر بمبده وکالت

سرکار دولت مدار سر قرار بودند بعد انتقال از سطوح جاه مرحوم بعد از دارالمهابی امتیاز یافته اند و
 دختر داشتند هر دو به غیر الملک بهادر منصوب شدند هرگاه دختر نخستین انتقال نمود دختر دو
 یکی قرار یافت چنانچه در ذکر ایشان پیشتر گزشت کیفیت اعتراف الملک بهادر
 میر کاظم با شده محبت بنیاد بود و حساب قلعه خام دولت آباد داشت در عهد غفران به منصب
 رکن الدوله بر عهده منشی گری حضور پر نور سر فرزند یافتمند خدمت منشی گری از عرصه سی و نه سال
 و مع کیفیت اعتراف الملک بهادر شهاب جنگ میر رضا علی شهاب جنگ برادر اعتراف الملک
 منشی در رفاقت نواب ملایط جنگ از قلعه داری دولت آباد سر فرزند میر حیدر خان
 که نام اصلی منشی مسطور است در حضور هند کافعی ملازم گردید و سر انجام امور منشی گری به قلع
 فی محمد حضرت هندگان عالی به خطاب اعتراف الملک بهادر سر فرزند فرمودند غلام میر خان که
 بعد آمدن پونا کار منشی گری حضور از اسماعیل یار جنگ میگرفتند بعد انتقال غلام سید خان
 مرحوم میر عالم مغفور امور منشی گری حضور از اعتراف الملک بهادر گرفتند الحال از باعث منعی
 بهادر مغز استیفا داده رشید والد فرزند کلان خود را در حضور پاشی مقرر نمودند و از اعتراف
 الملک بهادر پنج فرزند اند کلان رشید الدوله بهادر که بر کار منشی گری و قلعه داری دولت
 معمور و شادی بهادر مذکور از دختر سر فرزند الملک بهادر رشید دو فرزند دارند یکی میر اسمعیل
 و دیگری میر صادق علی پسر دومی اعتراف الملک وحید الدوله تعلقه داری قلعه پرنیلا سر قرار
 و از دختر غلام حسین خان شادی گردید یک فرزند موسوم میر غلام حسین داد و موسوم عباس علیخان بهادر
 شادی بهادر مغز از دختر افتخار الملک بهادر گردید یک فرزند بنام میر احمد علی دارند چهارمی میر اسم
 علیخان از تعلقه داری قلع بهاتره ممتاز از دختر سلطان نواز خان منصوب پنجمی دلاور علیخان انتقال
 نمودند شادی مرحوم مذکور از دختر میر الوتراب گردید دو فرزند کلان میر محمد علی و فرزند خود
 میر الف علی از قلعه داری قلعه بیال باری سر فرزند اعتراف الملک شانزدهم شوال ۱۲۳۱ هجری
 قضا کردند رشید الدوله اجرای کار منشی گری و عباس علیخان بخدمت عرض سبکی مامور اند -
 کیفیت رکن الدوله مرحوم سید محمد از سادات موسوی باشند شهر بخارا نزد نواب غارالد
 بهادر شاه جهان آباد آمده ملازم شد نواب موصوف بزرگ و حرمت تمام نزد خود داشتند و

برای تربیت علم ترکی متعین نواب مغفرت مآب نمودند نقل است مغفرت مآب در عهدی
خود بخطاب میر ترکی خاں سرفراز فرمودند و همیشه مقرب میداشتند در اولاد سید موصوف
میر موسی خان تولد شد بعد از مسطور چار فرزند گلان میر محمد اقامت جنگ بدین شهر در حضور غفر
مآب بهمه دار و عیسی هر کاره با سرفراز بودند من بعد در سنه یک هزار و یکصد و سیصد و هفت
هجری به خطاب رکن و خلعت دیوانی تمییز یافت ابراهیم خان غیره سرداران جمعیت بار بار
طلب تحواه خود بر دیوڑھی سرکار هنگامه و دنگ نمودند تو بهایر در واز و نصب کردند بجای
دیوانخانه رقتن ندادند در ولایت محمد خان داروغه دیوانخانه که برای فهایش آنها آمد بود و اور
ابا لای توپ نشاندند رکن الدوله از جالگیر داران و اهل کاران بخواه لکمه روپیہ باقر سبحانی
جالگیر است کار و خدمات اخذ نموده از ساپوان بعنوان قرض گرفته فیصله حساب طلب تحواه
سیاه لغایت بر طریقی ساخته آنها را بشتر بدیکه بخواه لکمه روپیہ از زمینداران ملک سرکار بطور اجاره
چهاراتی برقم معمولی نویسیانیده گرفت و قرار کرد که عهد دیوانی خود بد قوی بخوابد چنانچه رسید
از راستی قول رکن الدوله مسطور نوعی بآبادی ملک سرگرم شدند که تحویل از ملک مضاعف رسید
و بجایکس از اطاعت میر پیچید تاریخ انتقال رکن الدوله مرحوم بست و ششم صفر سنه یک هزار و یکصد
هشتاد و پنج هجری که لغایت سنه ۱۲۳۴ هجری و نه سال میشود بعد انتقال رکن الدوله حضرت غفر
مآب بنفس نفیس خود انتظام مهام میدادند راجه راسه رایان و نانا پندت هر دو برادر اجداد کار
مینمودند و قار الدوله و مصهام الدوله هر دو با اتفاق شریک مشوه کلیات حضرت غفرین مآب
نا آمدن غلام سید خان مرحوم بودند و قتیکه در سنه یک هزار و دویست و پنج هجری غلام سید خان حرم
آمدند از اسی و شش سال تا حال منتقضی شده خود اجرائی کار سرکار مینمودند پس از آمدن غلام
سید خان مرحوم و قار الدوله مذکور خود را از دست خود خنجر بگوشید و از قیدیات نجات یافت
و در اولاد رکن الدوله مرحوم یک دختر متولد شده بود که از عالم جنگ شادی نمودند و در عمر بیخیز
سال انتقال نمود و یک منگوه با اسم مهتاب طوائف همیشه چندانانی مخاطب بجاه تقا
حال بقیدیات است فرزند دوم میر موسی خان مرحوم پدر رکن الدوله مرحوم احوال میر محمد
خال تهر جنگ شرف الدوله شرف لامرا شرف الملک بهادر ابداء علاقه روزگار در رشتن

منصبداران داشت و در عهد صلابت جنگ بمنصب خطاب خانی سر فرزند داریامی که دار
 المهای رکن الدوله گردید بهادر مذکور بمنصب شش هزاری و چهار هزار سوار و خطاب و عطای علم
 و نقاره و پانلی چهار دار و از پانزده ک روپیه تعلقه بیطرف آباء عرف و دعار در و تعلقه نامری
 و غیره محالات که وصول آن قریب بهست لک روپیه بود و جمعیت قریب پنجاه هزار سوار و دویست
 بار و عرب و روپیه لاکو کرمی سرکار حاضری بودند سر فرزند اشرف الملک بهادر سه پسر
 فرزند کمال بنام ضولت جنگ در قلعه نزل از گوله ضرب توپ بکار سرکار نقد جان یافت
 و بیوی داد را الملک بهادر که در سنه یک هزار و دویصد و بیست و هجده بجزی انتقال کرد سه پسر میداد
 یکی میر حسین علیخان اشرف جنگ اشرف الدوله بهادر که در سنه ۱۲۲۸ در گذشتند از ایشان یک
 فرزند نامش میر موسی خان است اشرف الدوله بهادر جاگیر جمعیت پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و
 پنجاه راس اسبیت بملقه تحویل فرزند دوم داور الملک مرحوم میر علی حسن خان محک جنگ ایشان
 یک فرزند نامش میر احمد یار خان فرزند سوم میر علی حید خان تهور جنگ در علاقه جاگیر صد سوار
 و جاگیر سی و شش هزار و پانصد و نود روپیه نقدی دارند از ایشان یک دختر فرزند سوم میر احمد
 یار خان اشرف الملک مسطور بنام یاور الدوله بهادر که در سنه ۱۲۳۱ هجری در گذشتند سجاگیر
 ذات سر فرزند جمعیت ندارند از ایشان سه فرزند میر واجد علیخان و میر رضا علیخان و میر حسن علیخان
 فرزند سوم میر موسی خان مذکور پدر رکن الدوله مسمی میر از دیار خان حشمت جنگ از ایشان فرزند
 متنبه فرزند چهارم میر حامد یار خان ارسلان جنگ اولاد میدادند گنجهت رفت الملک
 بهادر هرگاه که در عهد محمد شاه بادشاه حضرت مغفرت تاب از شاه جهان آباد داده دکن فرمودند
 سید لشکر خان نامی جد معوی بهادر مغفرا که در منصب داران بادشاهی بود همراه آورده در نواح طرا
 روخته بنیاد و غیره از جاگیر ذات بست و پنجاه هزار سوار سر فرزند فرمودند خان مذکور از مقر بان
 حضور ماند بعد چندی میر ظریف خان برادر خان مذکور معذور آمد جنگ نامی پدر رفت الملک
 بهادر و میر حلقم بهادر مغفرا زند و ستان نزد سید لشکر خان آوردند و میر ظریف خان باوردگی سید
 لشکر خان از جاگیر سی هزار روپیه در صوبه خجسته بنیاد و غیره سر فرزند یافتند چندی در طوس است
 ناصر جنگ شهید لشکر خان صوبه داری حجت بنیاد و در عهد صلابت جنگ بخدمت دیوانی هم مامور

بودند و بر دس میز طریف خان جدر رفت. الملک سید لشکر خان انتقال فرمودند و میر علی سبب
 قربت دامادی و یعهد سید لشکر خان شدند و نیز بکار نظامت حجتیه بنیاد در عهد حضرت غفراناب
 سرفرزاد و مامور بودند و زویرا و در جنگ بهادر در رفت الملک بهادر از رساله تعلیه با محالات نادر
 و غیره سرفرزاد شدند تا حال رفت الملک بهادر بدستور پدر خود عوض نه یک روپیه از محالات نادر
 و غیره در جانداد جمعیت هفت صد سوار و هشتصد پنهان جوان بار سر فرزند و در سیه کیزار
 و دو صد و سی و پنج مهربی سبب چند جو بات رعایای نادر و غیره عارفی نالشی به حضور رسیدن
 اینجا گزرا نیندند و از اینجا در باب تدارک و داد دی ایما رفت راجه چند و عمل بهادر در قریب بست ملک
 روپیه بطور تاوان گرفتند و بحضور طلب کردند مقرران را بسیار چشم خانی نمودند از آن وقت از
 علاقه نادر مغرول و در جمعیت هم احتصار کردند خانه نشین می باشند و رسم شادی رفت الملک
 بهادر از حبیه میر لمان خان عمومی ضیاء الملک بهادر بعمل آمده نام سپهران رفت الملک بهادر
 میر نظیر علیخان و میر اکبر علیخان و میر نجف علیخان و میر دلاور علیخان و میر فتح علیخان و میر غلام
 دستگیر خان است بمخلمه سپهران بهادر نذکور سپهر در بهادر مسطور در سال ۱۲۳۱ هجری فوت
 کرد شادی میر نظیر علیخان از دختر مصداق میر خان نامی از اقربایان بهادر و میر اکبر علیخان
 بخانه مقرب خان قلعدار بالکنده و شادی میر نجف علیخان از دختر غنیمت خان نامی جالگیر فار
 بعمل آمده است و شادی دو پسر و دو صبیبه دریافت طلب و زور و در جنگ بهادر در رفت
 الملک دو برادر بودند یکی بهادر و مغرود و دیگری عظیم الملک بهادر بسبب بقایای سرکار عباسی در
 اعلی اوزنگ آباد و اتفاقا از سطو جاهد سفر بالکل گریخته چندی در ملک مرطیه اقامت یافت
 بوقت راجه چند و عمل بهادر بهادر در بلده آمده از سرکار جالگیر بست نه از روپیه سر فرزند شده
 در حصه پریمنی ماندند - کیفیت نورالاحرار مرحوم محمد قاسم خان مندل از نسل نوشیروان طایف
 کیانی جد نورالاحرار بهادر در نواب شجاع الدوله وزیر الملک مساعده فرستاده از حصه سالانه
 مضاف چکله سرهند صوبه دارا خلافت شاه جهان آباد طلبیده داشته رساله کیزار سوار غایت
 فرموده ملازم داشتند بعد انتقال قاسم خان مسطور و غلام کمال خان پدر نورالاحرار بهادر بدستور
 در سرکار وزیر الملک محمد و ح مانند بعد انتقال کمال مرحوم نورالاحرار بهادر و بمطابق پدر خود بود

شدند و با عتقاد قداست در وقت نواب آصف الدوله مرحوم مع رساله فات خود یک پلشن و
چهار ضرب توپ نورالامرا و سپاه در بنابر حفاظت از ملک سرحدی چهار ده ملک کناره دیای
کنگ از سر دور تا پنجب آباد و پھر گده دار انگر با ضافه در ماه پیر از رویه سر فزای یافته
چونکه ارسلو جاه از حیدر آباد مساعده یک لک و پنجاه هزار روپیه فرستاده اند در انوقت نواب
آصف الدوله اجازت رحلت ندادند بود انتقال نواب موصوف در ماه دلچ ۱۲۱۲ هـ داخل
اورنگ آباد شدند بعد در بلده فرخنده مینا در سیده از حضور عفران تاب بسر فزای شش
رقم جا هر و جاگیر نیم لک و هفت هزار روپیه و علاقه چوکی دیوڑھی غزنیان یافت و چهار لک روپیه
ارسلو جاه بهادر بنابر طلبیدن متعلقان بهادر معز دادند بعد رسیدن متعلقان ده لک روپیه
را جاگیر و سه هزار روپیه با هواری سوار و پیاده مع جائداد جمعیت شانزده لک و هشتاد هزار روپیه
مقرر شدند بعد انتقال ارسلو جاه مرحوم نورالامرا بهادر از کنگش بائے میر عالم مغفور اخراج در
اورنگ آباد یافته بودند چونکه بنیری رسل صاحب بهادر از یونہ برزیدنی حیدر آباد امور شد در
۱۲۳۶ هـ محرمی همراه آورده شش لک روپیه را جاگیر و نگل و پنجم گده و غیره مقرر کنایند دادند
و بهادر مغفور پنجاه و هشت سال رسید ششم ۱۲۳۶ هـ محرمی داعی حق را لیک اجابت گفتند
چهار فرزند دارند سه فرزند را شادی شده است و یک فرزند تا حال نا اتحاد صاحب هر چهار
فرزند ان کس نیست فرزندان کلان علی یا و الدوله بهادر عمر سی و چهار ساله و دومی کامیاب
الدوله بهادر عمر سی و یکساله سومی یا و الدوله بهادر عمر سبت و شش ساله فرزند چهارم خورد و عمر
سبت و یکساله مسمی دلاور علیخان بهادر رسم شادی علی یا و الدوله در قوم برادری خود با دختر عمه
خود و اورنگ آباد بعمل آمده و شادی کامیاب الدوله بهادر با صبیبه نواب وجیهه الدین خان
میدل که در سامانه مختار کاروبار دیهات و سواران است از وطن طلبیده بودند عرصه ده
سال شد که رسم شادی بهمیل آمده و بعد فوت شادی یا و الدوله با دختر نواب سکندر الدوله بهادر
۱۲۳۸ هـ محرمی در حیدر آباد شده و نسبت دلاور علیخان بهادر بر سر چارمی نورالامرا مرحوم از
دختر قلندر بخش خاں میدل بهمیل آمده هنوز رسم شادی بهمیل نیامده و قلعه امام گده که اندرون
قلعه سامانه واقع است بنا کرده محمد قاسم خاں جد نورالامرا مرحوم است تا هنوز داخل و تصرف

در قلعه مسطور معوج موضع سامانه و آندنی فصول سائر بطرف نورالامرا مرحوم است و قلعه مرتضی پور
 مع شهر پناه از سامانه فاصله است و پنج کرده بطرف مشرق داد و بنا کرده جد نورالامرا مرحوم
 و قتیکه جدید بسیار در مغز نزد نواب شجاع الدوله مرحوم آمدند و قلعه مذکور تصرف سبکان
 گردید و محمد عظیم خان بهادر منڈل از بزرگان مرحوم مذکور در آنجا بسیار به ثروت ماند و چنانچه
 بنجزار سوار پایگاه و کثیر از وسعت صد موضع را زمینداری میداشت و قلعه عظیم گده و
 کثری پیاله و شهر پناه قصبه سامانه و در قصبه بهوان پرگنه مواضعات قصبه مذکور یکصد و پنجاه
 یکصد و پنجاه گره می خام بنا کرده محمد عظیم خان بهادر است و بهادر مغز و اولاد خود یک دختر
 میداشت که منسوب به علام کمال خان پدر مرحوم مذکور بود و از بطن او نورالامرا مرحوم متولد شدند
 محمد عاقل خان منڈل را دو فرزند یکی مسی بدیوان حسن محمد خان جد اسطو جاوه مرحوم و دیگری محمد قاسم
 خان جد نورالامرا مرحوم کیفیت حسب و نسب سرور نوراز جنگ اینک بهادر مغز فرزند محمد خلیف خان
 و خان مسطور برادر حقیقی محمد عظیم خان نانا حقیقی نورالامرا مرحوم والده سرور نوراز جنگ مذکور
 تا حال در اینجا زنده اند امرا مرحوم دو دختر بنام عمه بیگم و حبیب النساء بیگم داشتند
 شادی عمه بیگم مسطور همیشه حقیقی کامیاب الدوله از سرور نوراز جنگ و شادی حبیب
 النساء بیگم در ۱۲۳۳ هـ از غلام محی الدین خان پسر قلند بخش خان بعسل آمده در ۱۲۳۳ هـ
 حبیب النساء بیگم مسطور فوت کرد و نورالامرا مرحوم دو محل ذی اولاد داشتند سمنورزند
 و یک دختر از محل شادی و محل دویم یک کنجی از موضع برلی همراه آورده بودند از بطنش
 دلاور علیخان بهادر و النساء بیگم مغز و چنانچه والده کامیاب الدوله و غیره رحلت
 کرد و والده دلاور علی خان بقید حیات است و بالفعل معاش سابق نورالامرا مرحوم
 همه مغز و قریب یک لک مد پیه جا نداد در کنجی راحب چند و محل بسیار
 بر است فرزندان نورالامرا مرحوم کرده داده اند و بهیئت مذکور در قرض کوٹھی یا لمصیب
 مقرر گشته و آندنی اش در کوٹھی میرسد - بیقیقت افتار الدوله افتخار جنگ اینک غایت
 الله خان نامی دیوان خالصه و دیوان تن و خان سامانی بادشاه عالمگیر اورنگ زیب و حبیب
 داشتند کی به بیان خان بهادر در عماد الملک مرحوم منسوب بود و حبیب دوم به سید دلاور خان

منسوب بود آن صبیبه دلاور خان مرحوم شهباست جنگ کلان مبارز خان خان مرحوم
 جدا قهار الملک منسوب بود و صبیبه دوم بفرزند برادر حقیقی شهباست خان که خطاب
 مبارز خان سرفراز بودند منسوب بود دلاور خان بهادر در عهد صلابت جنگ مرحوم شهباست
 سرفرازی داشت و بعد آن تحت دیده از دیهات بگمر که که قلعه‌داری در عهد غفراناب
 تفویض یافت و دیهات در کی در جاگیر بود خدمت بخشی گری بادشاهی نیز در عهد غفراناب
 تفویض یافت بعد انتقال بهادر مغر قهار الدوله حال خدمت بخشی گری بادشاهی مأمور
 بخشی گری بادشاهی عبارت از اینست هر که از خطاب و منصب سرفراز میشود از دفتر
 مغر افراد منصب و خطاب بدستخط خاص جاری میشوند و تسلیات خطاب حضور پر نور با حضور
 بهادر مغر میگردد و اینک بخشی بادشاهی وقت باریابی هر که خطاب یا منصب شود همراه
 آن با آداب گاه استاده شده با و از بلند عرض میسازند که فلانی باین قدر منصب باین خطاب
 سرفرازی یافت و هر شخص را که خطاب و منصب میشود بطور واضح و تحریک سلوک میکند
 جمعیت بداند و نیز بر چو دهر پیا مثل چو دهری سبزی مندی و میوه مندی تا آنکه
 چو دهری نیلچ بنده باو گل فردشها و غیره همین قسم اهل فرد آنجا رجوع شده ندانند بجل
 چو دهرات میدهند و حصول کنند میسازند و براندا حضور پر نور که بعنوان جاگیر
 میشود هر بادشاهی دیوانی هم میگردد آن سندراده دهری میگویند چاره کامل صوابات
 سرزد و مقصد یان دفتر دیوانی باشند عمر افتخار الدوله بهادر تخمیناً پنجاه و نه سال شادی
 از دخت غلام حسین خان منصب دار لعل آمده بهادر مغریک پسر دارند - کیفیت
 قطب الامر اینست که خواجه بابا خان باشند بخارا شریف فرزند پادشاه بخارا
 و دلی شدند و صفی‌نجاه خبر درود ایشان یافته به تقریب ملاقات رفته همراه آوردند و بآزادی
 تمام نزد خود داشتند تا چهار ماه اسلوب مزاج و کیفیت خاندان در یافته بادشاه بیگم
 دختر خود را شادی نموده دادند از بطن پادشاه بیگم خواجه میر عبدالباقا خان تولد شدند
 شادی ایشان از دخت نواب مرحمت خان گردید از ایشان میر محمد خان منصور
 جنگ قطب الامر بهادر تولد شدند شادی بهادر مذکور از حاجی بیگم دخت

نام جنگ شهید گردید از بطن بیگم مذکور دو دختر تولد شدند یکی المانی بیگم مدیگر
 وزیر النساء بیگم المانی بیگم مذکوره از نام آور جنگ فرزند میرغل طمخان ابن آصفیالمنسوب
 شد در سیم شادی از به جزه دیگر گل بادشاه نظامت جنگ گردید و فرزند ان قلع
 الامرا بهادر که از ازواج کاح بقیده حیات اند بموجب ذیل میرحامد طمخان و میرسید نظم علی
 خان فرزند اول میرسید محمد جان و میراحسن الله خان از برتری میرنظر الله خان فرزند بلکات
 جنگ شادی شد - کیفیت نامدار خان غاظم به بر قند از خان و رازدار خان غاظم بقدر
 اول خان برادر کلان نامدار خان مذکور بهر دو در کاب حاضر بودند در وقت میرعالم مقفور
 بارشاد حضور پر نور بندگانی حال بر قند از خان یکصد و پنجاه سوار بقراول خان پنجاه ملول
 و در ماه ذات چهار صد و پست و بیست و دو سال یک هزار و دو صد و سی و سی و بیست
 از خان مذکور بسبب شوره پستی و دنگ و فساد از نسبت راجه چند وصل بهادر در باب طلب
 بقایا که خواه به حکم حضور بر نور از نوکری سگله موتوف و اخراج مجده گردید نامبرده
 تا حال در مشیر آما که اقص حسین ساگر است از ناپرساینها قیام میدارد و قراول خان
 در سینه مذکور یک بیک در مکان مسکن خود که آنطرف شمال رویه بیگم بازار پیچ
 که بنام خود یعنی رازدار خان پیوسته کرده بود برگ معاجات مرد - کیفیت سلطان میان
 از قوم پیرزاده بهمدوی باشنده کهندلیه موضع هندوستان در عهد غفران تار آید
 بصیغه سوداگری در بلده فرخنده بنیاد اقامت میداشت علام سید خان مرحوم غاظم
 بار سطو جاه همیشه زادی فواب بیگم رازدار کلک داد میان پسر کلان شازادیه آورده
 دو صد سوار و در عوض آن پرنده انکل کوره غیره دادند بعد آن در وقت هجرت رام به
 صد سوار امانده شده جمله با نقد سوار از آنجمله چهار صد سوار در لشکر فیروزی
 متعینه راجه گویند بخش بهادر و تخته در کاب و جمعیت بار هجرت صد نفر مرا که
 خاقت تعلقه کنگ گیری که در اینجا مقصده بسیار میباشند بنشازادیه سپهر که داد
 میان دویم محمد خان سوم بهکو میان و سه صبیبه یک به طویل صاحب پسر سعید الدوله
 و دویم به لطف علی خان پسر عظیم خان سوم به برادر نیاز بهادر خان داده اند - کیفیت

عزت یار خان این است در عهد صلابت جنگ مرحوم حضرت غفران مآب بمحبوبه داری
 محبوبه برادر مشغول بودند عبدالقادر نامی طالب علم حیدر عموی عزت یار خان مذکور از
 بندر سورت در اورنگ آباد آمده در تکیه شاه محمود اقامت در زیر مد چند
 از محمد غوث خان بخشی سائر ملاقات کرده باستغواب خان مذکور در برابر رسیده ملازمت
 حضرت غفران مآب حاصل نمود و خدمت قضا یا لے لشکر سر فرزند سرگاه غفران مآب
 بدیوانی صلابت جنگ مرحوم قائم شدند عبدالقادر را بخطاب حکیم قادر یار خان سر فرزند گنایند
 من بعد حضرت غفران مآب در عهد ریاست خود و خدمت صدارت و احتساب بلد حکیم
 سر فرزند فرمودند بعد چند مدت محمد جعفر والد عزت یار خان مسطور نزد قادر یار خان برادر
 خود آمده ملازمت حضور غفران مآب حاصل نمود قادر یار خان در ایام حیات خود در
 حضور پر نور سفارش نمودند به خطاب حکیم جعفر خان سر فرزند گنایند انتقال نمود
 بعد انتقال خان مذکور صدارت و احتساب به حکم جعفر خان تفویض کردند بخطاب محی الدوله
 سر فرزند عزت یار خان دو برادر یکی خان مذکور دومی قادر یار خان هر دوی اولاد
 فرزند کلان قادر یار خان در مناقشه افغانه همراه حافظ عبدالکریم صاحب کشتاگرد رشید
 حافظ بود بر خرم گوی مرد و فرزند کلان عزت یار خان از صبیبه سید علی صاحب مدنی فرزند سید
 پیر یا شاه صاحب مدنی منسوب است دیگر چهار فرزند آن قادر یار خان موجود است کیست
 مستقیم الدوله مرحوم حاجی محمد زمان مغل شو ستری در بلده حیدر آباد روزگار پارچه فروشی
 می نمود بقدر حال سرمایه میداشت یک مستوره از قبیل غریبا قوم تنج با شده موضع ملک
 که در بلده فرخته بنیاد مسافت یک کرده دارد شوهر آن فوت شده بود حاجی مذکور به
 نکاح خود در آورده از آن مستوره فرزند تولد شد بنام عبدالغنی که آئینده مستقیم الدوله شد
 میر عالم مغفور نظر بیاس هم وطنی و لیاقت عبدالغنی مذکور دریافته بشیره خود که از بطن
 کینزک بود بنام سکینه بیگم و قتیله در سفر نادانی بودند از آنجا نوشته فرستادند که قبل از مال
 شدن لشکر ظفر پیکر شادی سکینه بیگم از عبدالغنی کرده دهند در اینجا همان طوطی بمل آمد از مستقیم
 الدوله بهادر و دختر و یک فرزند دختر کلان به میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد علی شو ستری

از اقربا به میر عالم مغفور منکوح و دختر دویم بفروند بهرام الدوله مرحوم منسوب و رسم نسی
 فرزندی بمیرزا محمد علی در ماه جمادی الثانی ۱۲۳۵ هجری از دختر حسن یا ورنه دلیر بهر ائین
 الملک مرحوم لعل آمده و مستقیم الدوله مرحوم باعث حکایت خود در وقت شجاعت جنگ
 مغفور از بلده اخراج شده در جاگیر خود قیام میداشت و نظریه حقوق پرستی مبلغ دوازده
 هزار روپیه سیالیان سرکار عظمت مدار میر مرحوم مسطور میر رسید بقتل هم رجب ۱۲۳۲ هجری
 بمصر فلج اینچنان غانی را پدر و دکر و حالا جاگیر و غیره دیهات مرحوم بعد گزرا نیدن مبلغ
 بست هزار روپیه نذرانه به میرزا محمد علی مذکور قرار یافته است کیفیت کوکه مادر وقت حضرت
 غفر انخاب وقت تولد حضرت بندگانی گردید میر مهدی نامی شخصی پدر کوکه با ملازم
 شده علیه میر مذکور با اسم سعوری بیگم خدمت آنگری مامور شدند نام اصلی جعفر یار جنگ با اسم
 میر جعفر و نام اصلی اسد نواز جنگ با اسم میر حسین و قتیکه بندگانی حال مند نشین شدند
 بهر دو برادر که در عالم صاحبزادگی با بریاب می بودند همان طور بعد جلوس ریاست و منشی
 نیز بریاب ماندند جعفر یار جنگ از حضور پر نور پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و از غیر الملک بهادر
 پنجاه بارگیر و از راج چند و مل بهادر و دو صد سوار و پنجاه بارگیر و دو صد جوان لیل و یکصد جوان
 رو سیله داشت در ۱۲۳۳ هجری انتقال کرد و اسد نواز جنگ کوکه خود را از حضور پر نور پنجاه
 نفر بارگیر و از راج چند و مل بهادر بست و پنج سوار و پنجاه بارگیر مقدر راست
 کیفیت سکندر یار جنگ نام اصلی سکندر یار جنگ بهادر غیر الدین خان ولد معین الاسلام
 که در وقت غلام سید خان مرحوم خاظم بار سلطه جاه بخدمت قضاة بلده فرخنده بنیاد سر
 فرازی یافته بود و قتیکه حضرت بندگانی حال به شوله پور اراده فرمودند از باعث همی نام
 متونی که از غیر الدین خان اتحاد داشت همراه قیقاتی کنایه ملازمست بندگانی مشرف
 گردید تا این وقت از همان سابقه بریاب اند و در عهد مند نشینی و در هزار همانان بار که حضرت
 بندگانی در چوکی پیره خاص ملازم فرمودند به بخشی گری آن سسر فرزندند تا حال
 خدمت مذکور بحال است و نیز از خدمت بهجری عدالت سسر فرزند فرمودند عمر تخمیناً
 پنجاه و چهار سال کیفیت محمد صلابت خان بهادر محمد صلابت خان بهادر ولد محمد

اسمعیل خان ابن سلطان حسین خان بهادر مغربا دود و صد سوار در فرمانداری بود
 دکن همیشه مصدر ترددات خایسته بوده بمقابل و مجادله مرسته با کوششها داشت و نیز
 صوبه داری ایلیچور از حضور غفرانآب و جمعیت پانصد سوار سرفرزی یافته بود و قتیله
 رکن الدوله در سواالجواب محاسبه تعلقات صعبه براثر درخواست نمودند و گفتند که با شما
 نظیر الدوله خود انتقال سازند تندهی خان مسطور در ادای محاسبه نگرده نوبت به جنگ
 رسانیده چنانچه از جمعیت سرکار به جنگ کشته شد محمد صلابت خان بهادر محمد بهلول بهادر
 پسر خان مرحوم را حضرت غفرانآب پرورش بیفایت فرمودند بعد چندی حضور
 ایلیچور و جمعیت پانصد سوار سرفرز فرمودند و قتیله غلام سید خان مرحوم بسرگردی سوار
 بطرف براثر براسه مقابلند صهی و بهوسله دهو لکر بشیراگت سرگردان سرکار عظمت
 عین نمود و دهیت رام را نیز مع پٹالن با همراه دادند و تعیناتی محمد صلابت خان بهادر
 نیز گردید و بهمان سفر اضا ف جمعیت سابق و حال کثره که چهار هزار و یک هزار
 نهصد سوار و دو هزار بار و سوا جمعیت مشروطی لکزار جوان بار براسه گرد آوردی
 تعلقات ملازم ذات بهادر مغربانده و محلات هشت تک روپی که وصول آن چارده
 تک روپی بود بهادر مغربانده گردید چنانچه تا ۱۲۳۲ هجری بحال مانده و در ۱۲۳۵
 پٹالن و غیره سوار آن که اضا ف جمعیت شده بود موقوف گردید حرف جمعیت سابق بحال
 مانده راجه چند و عمل بهادر محلات جاندا و جمعیت حال بودند برآورده گرفته و محال
 نیز محلات قریب هفت تک روپی در جاندا و جمعیت سابق بحال است و نوع
 جنگ خان به حضور طلب شده از محمد صلابت خان بهادر علیا گردید عمر بهادر
 مغربانده ۱۲۳۶ هجری بنقاد و چهار سال است و بهادر مغربا دو پسر بودند کلال
 اسمعیل خان که از دختر فتح جنگ خان شادی شده بود فوت کرد از آن یک بشیر
 بنام ابراهیم خان است بهر بست و پنج ساله و پسر دوم بهادر مغربانده از خان این
 را نیز از دختر فتح جنگ خان شادی گردید و نام زوجه محمد صلابت خان ابوبی بی
 دختر نامدار خان افغان است در ۱۲۳۳ هجری به بهادر مغربا خواص پسر بنام محمد صلابت

خان متولد شد. کیفیت فتح جنگ خان بهادر مرحوم قوم افغان و از عمر دوازده ساله فریق
 محمد صلابت خان بهادر اند و سر رشته قرابت با پسران و دختران باین مصل آمده
 و سواست محمد فتح جنگ خان مسطور انکار پر دازی بهادر مقرر امور بوده و فرزند دارند
 کلان غلام حسن خان بهادر عمرش قریب سی و هفت سال رسم شادی از صبیبه محمد صلابت
 خان بهادر بلبل آمده و پسر دوم غلام عباس خان بهادر عمرست و پنج ساله که محمد صلابت
 خان بهادر و فرزند می خود گرفته اند در ماه ذیحجه ۱۲۲۶ هجری رسم شادی پسر مذکور
 از دختر کدام افغان که سابق نامزد بود و بلبل آمده در ۲۳ شهریور که موقوفی جمعیت افغان
 صلابت خان بهادر گردید و کار پر داز سرکار بهادر مقرر فتح جنگ خان بود و راجه چند و صل
 بهادر خان مسطور از محمد صلابت خان بهادر جدا کرده در ضلع امدنگ آباد جاگیر خواجه
 نهار رو پیه داده بودند چنانچه خان مسطور از تاسف و رنجارییده انتقال کرد. کیفیت
 نیاز بهادر خان و ولد بهادر خان ابن نیاز بیگ خان که در سرکار بنف خان مرحوم سال
 یکتر از سوار داشت باشند هندوستان نیاز بهادر خان با داده روزگار دار و دلیده
 شده اول در رساله فور الامر بهادر بر یک راس اسب ملازم گردید و بعد از آن نزد
 راجه دیپی داس که دیوان عاشور بیگ خان بود بعد انتقال مشارالیه بسبب صغر سن
 پسر مرحوم مذکور راجه زبور خود قابض شده بود و از دو سوار ملازم گردید و در همان
 ایام از املیه های عاشور بیگ مرحوم موافقت کرده نسبت خود با صبیبه خان مرحوم مقرر کرد
 و قیقه خویش خان مسطور شد و اطوار راجه دیپی داس ناپسندیده بود و بعد کشمشهای
 بسیار و قصه های طول و طویل اخراج راجه مذکور گردید پسر عاشور بیگ خان مرحوم قناب
 اعتبار الدوله حیدر بیگ خان بهادر مستقر جنگ که وارث رساله مذکور بود مدعی شد
 چنانچه راجه چند و صل بهادر دست آور از نیاز بهادر خان مذکور باین مضمون که بعد
 شش سال که پسر مرحوم مذکور بن شعور خواهد رسید رساله بدش حاله پسر مذکور خواهم
 کرد نویسیا ینده داد و نیاز بهادر بر رساله یکتر از سوار رسیده و پنجاه جوانان علی غول که
 بعاشور بیگ خان مقرر بود با رادوانت راجه چند و صل بهادر قابض گردید در ۱۲۳۵ هجری

کیفیت محمد سبحان خان بهادر هر دو برادر حقیقی ولد سلطان خان باشند و هندوستان محمد روشن
 خان برادر کلان محمد سبحان خان در وقت غلام سید خان مرحوم از جمعیت پانصد سوار آمده ملازمت
 حضور غفر آفتاب حاصل نمود. ملازم سرکار گردید غلام سید خان مرحوم در حضور پرنور عرض
 کرده محال است پنج لک روپیہ بر کسی و غیره صوبہ دارد در جاگیر جمعیت دادند بعد انتقال محمد
 روشن خان محمد سبحان خان بهادر بجای برادر سرورازی یافتند جمعیت بهادر و مفسر
 الحال گیرار و یکصد سوار و سید جوانان بار و در و بست از جاگیر بحال بود مگر برگنه بوه گانون
 که برائے تنخواه یا سنگا علاقہ میارام و جتن صل بود و عوض کاه و دانه که بهادر در مفر
 در آن تنہی نمیکردند موقوف شد عمر بهادر در مفر قریب پنجاه سال شده بست و دوم حب
 ۱۲۳۲ هجری انتقال نمود رسم شادی بهادر و مفر از دختر نامدار خان افغان بممل آمده دو
 پسر بهادر در مفر بودند یکے فیاض علیخان که در ۱۲۳۳ هجری بممرض و بامرد دوم قطب علیخان عمر
 سی ساله بسبب قرضداری قرض خواہان و بلوہ طلب تنخواه سپاہ راجہ صاحب جاگیر و غیره
 بہ طور خود مبلغ یک لک نقد سالیانہ بہ قطب علیخان میدهند و رسالہ برسم شده
 مگر جزوے مردم برفاقت خان مستور هستند و محمد سبحان خان بهادر را یک دختر تم بود که
 رسم شادی اش از بمشیرہ زاده بهادر و مفر بممل آمده - کیفیت شریعت پناہ متوطن از پناہ
 پور - طالب علمی شریعت پناہ مغفور از شاہجہان پور تا رام پور - ہر گاہ مولانا عبدعلیم صاحب
 از رامپور در بنگالہ آمدند شریعت پناہ مغفور نیز ہمراہ بودند بعد آن نواب مظفر جنگ مرحوم نواب
 بنگالہ خدمت قضائی پور نیادویناج پور در ۱۲۳۵ هجری پسر نمودند من بعد خدمت
 دار و علی عدالت باقر گنج از سرکار نواب موصوف در ۱۲۳۵ هجری تقریفات و تا وقت تنہی
 نظامت از سرکار نواب مدد و روح این خدمت بحال ماند من بعد تا حین حیات نواب مدد و روح
 رفیق بودند بعد انتقال نواب مرحوم سواری جہاز برائے ملاقات مولانا مدد و روح در ۱۲۳۵ هجری
 اتفاق رسیدن چینا پٹن گردید بسر رشتہ خانسانانی نواب عبدلولو باب خان برادر دلا
 جاہ مرحوم نوکر خدمت تانہ مدت دو سال درین خدمت بوده در ۱۲۰۸ هجری از چینا پٹن
 در بلوہ فرخندہ بنیاد آمدند و در ۱۲۰۹ هجری خدمت تدیس اول و افغای اول از سرکار

غفر انما بقراریاقت و در ۱۲۰۰ سمری خدمت قنار قرار یافت چهار فرزند دارند از سالی
 وطن محمد ذوالفقار خان که بعلم و لیاقت بهره دانی دارند و بسن چهل و هشت سال رسیده اند
 فرزند دوم از شادی بنگاله موسوم عبدالحی بن بست و شش سال فرزند سوم از نکاح جی بی
 حیدر آباد کسی عبدالمجید بن یحیی ده سال چپا ام عبدالعزیز بن هشت سال شریعت پناه
 کلان رارض صبیق فرزند بود چنانچه در ۱۲۳۶ قمری قریب هشتاد سال رسیده و دیت حیات
 سپردند الحال پسر کلان محمد ذوالفقار خان بر خدمت قنار مامور اند - کیفیت کوتوال شهر
 صف شکن خان عبدطالب الدوله مرحوم منصبدار بادشاهی از طرف بادشاه بر قلعه داری
 و معار در سه فرزندی داشتند بعد آن مغفرت آید بخانسانانی خود و سه فرزند فرزند محمد تقی
 خان ولد طالب الدوله مرحوم در رفاقت غفران آید پسر برادر رضا علیخان عموی طالب
 الدوله مرحوم در عهد غفران آید بعد تقدی حکم بادشاه به بنگاله عالیجاه خدمت کوتوالی بلد
 مامور شدند در سابق بمحمد داروغگی کما بیان و اصطلح حضور مامور بودند چنانچه
 تا حال هر دو بمحمد بن علیخان پسر کلان طالب الدوله بحال است و قریب پنجاه شش
 سال که عموی مرحوم مذکور فوت کرد در ۱۲۳۶ قمری بمشهر شعبان محمد تقی خان طالب
 الدوله و دیت حیات سپرد و من علیخان مذکور بر امانت را جانشین و عمل به باد بهمه
 کوتوالی قائم شد و طالب الدوله مرحوم پنج پسر و دختر گزاشت کلان پسر من علیخان بهادر
 کوتوال حال از صبیبه غالب الدوله عمومی حقیقی متنازلیه کو داروغه هر کاره مامور بودند شادی
 بمسلم آمده پسر دوم باقر علیخان بهادر رسم شادی از صبیبه حسین یاور الدوله پسر امین الملک بهادر
 بمسلم آمده بود پسر سوم جمال علیخان بهادر از صبیبه رحمان بلد خان همیشه مبرفر اندیشه خان منسوب
 بود صبیبه مذکور فوت کرد پسر چهارم فریاد علیخان از صبیبه همت یار جنگ نسبت تقرر شده
 پسر پنجم ذوالفقار علیخان هنوز منسوب نشده و دو دختر که بادشاه بیگم منسوب
 به علی رضا خان برادر زاده طالب الدوله مرحوم دویم بیاری بیگم منسوب به محمد نصیر باقی پسر
 علی بیگ خان - کیفیت - امیر الدوله مرحوم - امیر الدوله مرحوم عرف محمد طاهر خان کوکه
 غفران آید چندت واروغگی جواهر خان و فیلیخانه سرفراز بودند و در عهد غفران آید -

انتقال کرد شادی اسد محمد خان امیرالدوله شهابست جنگ حال بخانه محمود خان نامی قتل شد بید
 بعمل آمد نام الهیه امیرالدوله منوبیگم و مشارالیه چهار برادر خلف کلان مرحوم مذکور امیرالدوله
 حال که بعبد خاں سامانی و داروغگی جواهر و فیلقانه سرفرازند و دومی محمدیار جنگ نام بود و دومی
 بی شافری باشند سوچی کمال الدین خان بدر سوال و جواب کبریا به پا و زرد راجه چند و صل
 بهادر آمد و رفت چهارمی محمد شهاب خان تبارخ بست و هفتم ذیلچ سلسله مجری امیرالدوله
 اسد محمد خان شهابست جنگ وفات یافت بدلیلد بخان نامی پسر مرحوم مذکور تبارخ شازدهم
 محرم ۱۲۴۰ هجری خلعت خاں سامانی یافت کیفیت میر و اعدایان مخاطب به مقام جنگ در
 عهد مغفرت مآب از دلی ملازم شده همراه آمده بودند بعد انتقال مغفرت مآب در عهد صلابت
 جنگ مرحوم تعیناتی عفراناب که به صوبه برادر وانه شدند از آنروز در خدمت عفران مآب
 حاضر باشی میگردید و چنانچه در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود یکفرزند دارند نام اصلی میر موسی
 به چند نجذاب اکبر علیخان سرفراز شدند بعد از خطاب اصغر یار جنگ کیفیت شهباز جنگ
 شهباز جنگ بنام آصف نواز جنگ مشهور بودند در منصبداران سرشته داشتند در
 عهد حضرت عفراناب بسبب ذی هوشی و سلیقه خود چندی اکثر شریک مشوره می بودند بعد
 چندی بسبب بعضی حرکات اخراج بلده شد و باز آمد الحال هم سیره ماسه دی بجایگراست
 ممتاز اند کیفیت زبردست خان - خان در ملازمان متعارف مغفرت مآب و نیز در عهد
 صلابت جنگ مرحوم در تعیناتی عفراناب در سفر برادر آمد بر داروغگی فراستخانه مامور
 بوده در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود خان جهانخان پسر کلان خان متوفی از عهد عفراناب
 تا حال بر داروغگی فراستخانه مامور است پسر خان مسطور باکم نظر بهادر خان و بدر و میان
 و یسین خان متعارف اند کیفیت لطیف الدوله از عهد عفراناب بر داروغگی توپخانه
 سرفرازند کیفیت این است که محمد یار بیگم خان جد لطیف الدوله بهادر باشند و ولایت
 کاشغر سه چهار اقراباے خود دارد و بنده و ستان گردید در رفاهت مغفرت مآب به موجب
 سه صدر و بهیچ مامور بر منصب سرفرازی یافت و همراه رقاب مغفرت مآب در بران
 پور رسیده بمناکت پرداخت بعد چند سالی فرزندان تولد شد لطیف بیگ نام

چون نامبرده بسن شعور رسید خطاب منصب و نوکری بموجب یکصد پنجاه روپیه و نوکری
خود بقضای الی قوت شد چون آصفجاه بمحضرت قی پیوستند لطیف بیگ خان در رفاقت
نواب ناصر جنگ شهبید تادمت شهادت ماندند و بعد شهادت در رفاقت صلابت جنگ
مانده باضافه مواجب و منصب سرفراز شدند چون صلابت جنگ از نیما در گزشتند در رفاقت
شجاع الملک بهادر آمده بخدمت توشیخان و جاگیر نو هزار روپیه که در ضلع اورنگ آباد
واقع است سرفرازی یافتند و ایشانرا یک فرزند غالب بیگ خان نام مخاطب خطاب
لطیف الدوله که حالا بقید حیات است در سن هجده سالگی همراه متاب جنگ خلف المصدق
نواب شجاع الملک موصوف مقید شده پیش هوکمر رفتند بعد سه ماه از قید غلصی یافته در اورنگ آباد
رسیدند درینو لا لطیف بیگ خان مذکور رفیق غفران تاب شده فرزند خود را بموجب
یکصد و سبست و پنجر و پیه در منصب نوکر کنایده و خود بخدمت توشیخان و بخشی گری
مردمان قائم خانی که یکزار سوار و دوهزار پیاده بودند سرفرازی یافتند و هموار در سبغ
و حضرت رفیق بانثار غفران تاب بودند و غفران تاب نیز ایشانرا مثل فرزند ان پرور
میفرمودند چون لطیف بیگ خان در حیدرآباد فوت شد غالب بیگ خان فرزند
ایشان بخدمت توشیخان و خطاب معظم جنگ و جیفه و سر پنج سرفرازی یافت
و جاگیر پدر نیز بنام ایشان تهر پذیرفت و ماهوار موقوف شد و بعد چند سال در عصر سلطو جا
خطاب لطیف الدوله و کنعنی مروارید سرفرازی یافت ایشان را دو فرزند یکی واجد بکیمان
نام که مبلغ یکصد روپیه ماهوار در منصب اربان نوکر است و در قرابت تهنیت النساء بیگ صاحب
یعنی بی بی صاحبه منسوب ایشان را نیز سه فرزند و بموجب پنجاه پنجاه روپیه از سفارش
بی بی صاحبه نوکر اند و سومی کوچک دوازده ساله است و فرزند دومی لطف الدوله پیش
از سه سال در اورنگ آباد زنده در رفاقت راجه گوبند بخش بهادر نوکر شده بود بنام
سلطیف بیگ خان - کیفیت خاندان نواب الف خان بهادر و منصور خان بهادر که در کنول
واله - نواب محمد خضر خان و نواب محمد رن مست خان قوم افغان پنی هر دو برادر حقیقی
در شاه جهان اکباد منصب اربان دشارهی بودند از نواب محمد خضر خان سه پسر کلان نواب

داود خان دوی محمد ابراهیم خان سومی محمد سلیمان خان نواب داود خان در بادشاهی علیقلی
 وزارت اسد خان ذوالفقار خان از حضور بادشاهی سرفراز شد بدکن آمدند و نواب
 موصوف ملا ولد پزند محمد ابراهیم خان دو فرزند داشتند نواب محمد الف خان و نواب
 رنڈوله خان نواب محمد الف خان مسطور دو فرزند داشتند نواب بهت خان دوی نواب
 رنست خان و نواب رنڈوله خان برادر نواب محمد الف خان مسطور یک فرزند داشتند
 که نام رنڈوله خان بود و نواب رنست خان پسر نواب محمد الف خان وی اولاد بودند و
 پسر میداشتند و کلا محمد ابراهیم خان عرف محمد اعظم خان که انتقال کردند دوی محمد حسین
 خان انتقال کردند سومی نواب محمد الف خان که در سال ۱۱۰۰ هجری انتقال کردند چهارمی
 نواب محمد انور خان پنجمی محمد قادر خان ششم محمد عزیز خان که انتقال کردند هفتم محمد
 یحیی خان هشتم محمد یعقوب خان نهم محمد علینان دهم محمد رستم خان که انتقال کردند نواب
 محمد الف خان که در سال ۱۱۰۰ هجری انتقال کردند دوازدهم پسر دارند گلان نواب منو خان
 متولد در سال ۱۲۰۰ هجری از محل نکاح صبیبه افغان دوی محمد داود خان از بطن خواص سی محمد
 منظر خان تولد در سال ۱۱۰۰ هجری از محل شادی بی بی زاده هستند چهارمی محمد رنست خان
 از بطن خواص پنجمی اکبر خان از بطن خواص ششم عمر خان از بطن خواص هفتم یوسف خان از
 بطن خواص هشتم غلام محی الدین خان از بطن خواص نهم قادر خان از بطن خواص دهم
 غلام عوث خان از بطن خواص یازدهم احمد خان از بطن خواص دوازدهم غلام رسول
 خان از بطن طائوس خاتون طوائف و محمد ابراهیم خان عرف اعظم خان برادر
 کلان نواب محمد الف خان مرحوم دو فرزند داشتند یکی محمد داود خان دوی بی باسم
 محمد جعفر خان چنانچه داود خان مسطور مع فرزندان در نوکری سرکار عالی در بلده فرخنده
 بنیاد حاضرید باشند از ابتدای احکام کرنول محمد الف خان و غیره در سرکار عالی مبلغ
 یک لک روپیہ بابت پیکش رسانیده آمده اند از وقت علویہ شدن ملک عوض خواه
 جمعیت سرکار عظمت مدار که کرنول و غیره متعلق بملک کمپنی گردید با فعل جمعیت مشروطی
 در سرکار نواب موصوف کلیه گیر از بار است سوائے جهت گردآوری و تحصیل تعلقات

پر گزیده کلام سوری
دو بیت

پر گزیده سخن کوه
دو بیت

پر گزیده بچکنده

له لواله

نه کک

لواله حال جاریست

نسیب حال
سرکار محترم
صاحب بارگاه
علیه السلام
صاحب بارگاه
علیه السلام
صاحب بارگاه
علیه السلام

در سفر کنش بقلبت خراج نور
حال مذکور را نزد تو بنده بختی کرده
دانشه از سطوح جاه بوقت آمدن
از پونا گزاشته کرده آورده فقط

کیفیت نظام یار جنگ و ند میر کاظم علی قوم سادات در سر کار شیو سلطان ملازم بود و از انجا در کار
میرزا شمس در بلده حید آباد آمد و شادی میر کاظم علی مسطور از مشیر میر عالم مغفور گردید و بطینش
یک فرزند بنام عباس علیخان تولد شد در ترقی میر عالم مغفور میر عباس علیخان بخت نظام جنگ
حسام المملک جالیز دات سر فرزند و راجه صاحب چند بعل بیاد از جاگیر دو صد سه را
تعلقه برده و در سر فرزند و شادی نظام یار جنگ از دخترش عتصام المملک گردیده
یک فرزند بنام غلام حسین به نظام یار جنگ بیاد موجود است و بها در مذکور و روبرو
مردمان قربت خود را شاه نواز خان اظهار میدارند کیفیت سعید الدوله بیاد در
سعید الدوله بیاد و بادی الدوله بهادر هر دو برادران در سر کار دارا جاہ شجاع المملک بیاد
نوکری بودند در وقت ترقی میر عالم مغفور از انجا بر آمده در سر کار بنده گانای بسیر رشته
منصبداران مسلک شدند و مدار المهای میر عالم مغفور از نیابت صوبه داری حیدرآباد

سرفراز شده سرانجام میدادند در سال ۳۳۰ هجری فوت شد و پادشاهی الدوله بهادر از توجیه
 راجه گونبد بخش بهادر از نیابت صوبه داری اورنگ آباد سرفراز شده بود و او هم بهما نجا
 انتقال نمود از سعید الدوله مرحوم و دو فرزند نمودند یکی خلیس صاحب از دختر سلطان میان
 شادی گردید یک فرزند تولد شده است و وی میر محمد علی از دختر سید احمد علیخان منسوب
 شده است کیفیت محمد عظیم خان بهادر اعظم الملک کیفیت اینکه بملاقه بخشی گری و مدار المانی در
 سرکار تیغ جنگ مرحوم مامور بودند و فهمیده آماده کار از ایشان سه پسر یکی بنده علی خان
 به خطاب علی یار جنگ سرفراز اند و وقت خروج علیجاه در کار رازجوی دادم را نگه دادند
 در بلده محمد عظیم خان قید و بنده علیخان بدریافت این معنی خود را پیش از سطوجه در پونا
 بعد رسیدن از سطوجه در بلده از حضور غفرانآب عفو حرام محمد عظیم خان نموده بخدمت خانامی
 سرکار مامور و بنده علیخان تیغ علاقه ندانست از آن وقت مشارالیه بیکار دویم باقر علیخان
 سوم قربا علیخان سوم لطف علیخان دریافت طلب عرصه بست و پنج سال شد که اعظم الملک
 انتقال کردند و عجبده خانامی بامیر الدوله قرار یافت کیفیت بی نظیر جنگ بهادر محمد
 معین از ولایت برائت تجارت در بلده آمده بودند در نجاشا و غیره بفرخت رسانید
 باز واپس روانه ولایت خود شدند و قتیکه دفعه دیگر آمدند جعفر علیخان فرزند خود را همراه آورد
 دند جعفر علیخان مسطور از قنمت خود در حضور بنده گانهای مغفرت مآب ملازمت کرده
 بسرفرازی محالات بعنوان منصب پنجزاری و از خطاب حسام الدوله بهادر معین الملک
 سرفراز شد و ابوالحسن خان فرزند معین الملک مسطور از اندوخته پدر خود بآرام سپردند از
 خان مذکور پسر بنام جعفر خان توکد شد جعفر خان مسطور در حضور بنده گانهای عفرانآب
 عزت و اعتبار هم رسانیده بملاقه عرض بیکی گری ب خطاب معین الملک حسام الدوله غایت
 یافته تیغ فرزند بهادر در مفر حاضر بود و نکلان بی نظیر جنگ بهادر فرغام الدوله شادی از شیر
 مرشد علیخان و در ستم علیخان همشیره زاده شاه یار الملک بهادر است و دویم شوکت جنگ بهادر
 از دختر یکی منبدر شادی گردیده سیوی شهباز جنگ بهادر که در ۳۳۵ هجری برومی
 اش و آنکه افتاد بهادر مغربیک سال پیشتر انتقال کرده بودند چونکه از راجه چند وصل میباشد

مقید برائے دریافت ڈانکہ بکو قال شہر شد نشان آن در خانہ بنظر جنگ بہادر دریافت شد
 معلوم شد کہ بہادر مغربطبع جواہر مال برادر خود گرفتند شادی شہباز جنگ بہادر از دست
 رشید الدولہ بہادر بھل آئندہ بود چارمی جلل صاحب بچی پسر از محل دیم بنام محمد علیخان کہ در
 فرزندی شرف النساء بیگم دادہ اند و بیگم مسطور شادی او از ہمشیرہ نادمی خود نمودہ اند
 کیفیت عاقل الدولہ بہادر عاقل الدولہ با شندہ شوستر ہمشیرہ زادہ سید رنئی صاحب
 بعد آمدن از ولایت خود در خانہ میر جعفر علیخان جد بنظر جنگ بہادر شادی گردیدہ دختر
 خود را بنام شرف النساء بیگم فرزندان میر محمد قاسم خان کہ رفیق مبارز خان حاکم جالین
 صوبہ حیدرآباد بودند شادی کردند از میرزا قاسم خان سوزند گلان ہمدی یار خان دومی
 اسد اللہ خان سومی میر خود و دختر میر ہمدی یار خان از بطن شرف النساء بیگم بنام خیر النساء بیگم
 و شرف النساء بیگم مذکورہ رسم عقد دختر خود سماۃ خیر النساء بیگم برضا مندی خود از حشمت جنگ
 بہادر کردہ دادند از خیر النساء بیگم یک فرزندی و دختر ولایت رفتہ اند بیاس خاطر
 حشمت جنگ بہادر اسطو جہ عاقل الدولہ را بخطاب و جاگیر سرفراز نمودن تا حال جاگیر
 بنام شرف النساء بیگم از سرکار دولت مار جا رست - کیفیت ظفر الدولہ بہادر ابراہیم
 بیگ خان مخاطب بفاضل بیگ خان نامی جمعی در چند سوار و بہادر از ملک مذکور کہ ترکمان محمد
 بیادوند نوکر راجہ سیکا کول والہ گردید ابراہیم بیگ خان مسطور در حیدرآباد آمدہ تماشای نوکری
 نمودہ لیکن کسی جا اتفاق روزگار نشد ہمدان معاودت نمودہ چہنیا پٹن در سرکار والا جاہ
 بہادر از دودھ سوارو پانصد پیادہ ملازم شد و قتیکہ جنگ ترچاپلی گردید رکن الدولہ کار آ
 شجاعت و جرات ابراہیم بیگ خان دیدہ بعد فیصلہ جنگ از والا جاہ سوال نمود ابراہیم
 بیگ خان کہ در سرکار نوکر است اورا حوالہ مایان سازند والا جاہ ملاچارے دست
 ابراہیم بیگ در دست رکن الدولہ دادند رکن الدولہ شجاعت و مردانگی ابراہیم بیگ بہ چشم
 خود دیدہ بودند از محاللات نرمل و یلکندل و بالکنڈہ و رنگل و تعلقہ راجہ شہر اور زمیندار
 محض نگہداشت جمعیت چنانچہ کار بانے شجاعت فرار ابراہیم بیگ احتشام جنگ
 ظفر الدولہ مبارز الملک مشہور عالم است چہار فرزندان ابراہیم بیگ خان بودند کلاں فرخ

مرزا بخطاب والد خود سرفراز گردید از حضور بندگانی پانصدان رخصت گرفته نوکری
گزارفته رفته بود در اثنا سه راه از دست مردم سرکاری کار آمد چهار فرزند میداشت کمال
یوسف علی مرزا دهم حسین علی مرزا یوم ابراهیم مرزا چهارم سردار علی مرزا فرزند دهم
مرزا ابراهیم بیگ مرحوم یعقوب مرزا سوکمی ابوتراب مرزا مسعود جنگ چپساری وزیر وقت
طلب - کیفیت منشی اسمعیل یار جنگ نامبرده با شنیده اند در بود و القادر اسخا بود
و در دارالانشاء در وقت منشی گری ششیر و نت در نیابت بودند و در جنگ که طره وقت
روانگی مشیر الملک بهادر و در پونه هم رکاب بهادر حاضر بودند و قتی که اسطو جاه بهادر
از پونه بحیدر آباد آمدند از منشی گری دیوانی سرفراز نمودند بعد انتقال اسطو جاه در حضور
بندگانی حال تا چند ایام سرگرم ماندند و میر عالم بهادر از اسمعیل یار جنگ نوعی عداوت
میداشتند در حضور عرض نموده روانه جاگیر نمودند چند ایام مانده در اسخا یازدهم جمادی الاول
۱۳۲۳ هجری انتقال کرد پس شش عظیم الدین خان در بلده حاضر و از عنایات پرداخت
راجه چند و ملل بهادر از جاگیر والد خود سرفراز - کیفیت سیف جنگ محمد غوث خان نامی
از ناز نول بار آمده روزگار در عهد صلابت جنگ مرحوم در بلده فرخنده بنیاد وارود شد
نواب غفرانمآب راصلات جنگ مرحوم صوبه داری برار داده رخصت نمودند محمد غوث
خان در رفاقت غفرانمآب حاضر سمرکاب روانه ایلمپو شد و قتی که غفرانمآب در بهنگامه
حید بیگ بودند شرط رفاقت و جافشانی از خان مسطور چنانکه باید بظهور رسید چون
غفرانمآب قائم مقام ریاست شدند محمد غوث خان مذکور بخطاب سیف الدوله و بخشی گری
تمام جمعیت و از محالات ننگنده و دیورکنده و غیره سرفراز شد خان مذکور و برادر خود را از
ناز نول مع خیال و اطفال طلبید از خطاب سیف جنگ و برادرش دیگر علاء الدوله
که دیده بود بعد چیت ایام محمد غوث خان از عارضه بیماری انتقال نمود سیف جنگ
از اتفاق ابو الخیر خان شمس الامرا بعلاقه بخشی گری از حضور سرفراز شد و ناموری
از برادر خود زیاده پیدا نمود الحال یک فرزند از سیف جنگ مسمی بجلیق میان سیف الدوله
و یکس فرزند علاء الدوله بنام غالب جنگ حاضر است - کیفیت سید عاقل خاں

حاکم مسطور از سادات بار سه بزار و غلّی هر کاره در عهد مغفرت آّب سرفراز بودند چندی
 به صوبه داری الیچور در وقت غفران آّب سرفراز بودند و از خطاب بر بان الدوله بر بان
 الملک اتیاز یا قنده فرزندش سید حاجی بخطاب بهرام جنگ بهرام الملک و از جایگزینک صوار
 و دو صد پیاده بار و در وقت میر عالم مغفور سرفراز شدند و از همیشه میر عالم مغفور رسم
 تادی سید حاجی بهرام الملک بجل آمده از بطن همیشه مغفور مذکور سه پسر کلان غلام حسین
 خان بهرام جنگ که بسم ربیع الثانی ۱۲۳۵ هجری وفات یافت شادی از دختر شیراز جنگ
 شده بود و دویمی عاقل خان از دختر مستقیم الدوله بهادر گردیده سویمی سید غیرت خان
 شادی از دختر میرزین العابدین متوفی برادر میر عالم مغفور شده است و دو پسر از خواص
 یکی بنام قمر علیخان و دویمی سید محمد علیخان - کیفیت وفات و از خان شمشیر جنگ - از جلیله های
 سرکار آصفیه است و از تقاضا و کروڑ گیری سرفراز بود و حضرت غفران آّب بسیار عنایات
 بر وفادار خان میداشتند الحال در اولادش یک فرزند و یک فرزند و یک حبیبیه است
 سمیت عبدالرحیم خان قلعدار گوگنده - از خانه زادان قدیم غفران آّب پدرش جیون خان نامی
 نسل امیر جنگ متوفی در جرگه پعیله بودند و از او آخر عهد غفران آّب بمهد قلعداری قائم است
 جمعیت قلعدار مذکور یک هزار و دو صد جوان عرب و قینیاتی مردم پالما ناو علی بیگ خان و
 نسل لامرا بهادر و موسی رحمون است - کیفیت حافظ یار جنگ و قلیکه غلام سید خان مرحوم
 در پونا بودند و باز در بلده آمدند از آن وقت بر عهد عرض بیگی گری تازیست مرحوم مذکور
 بحال بود بعد رحلت مرحوم مذکور جایگزین چهل هزار روپیّه حاصل نموده پنجاه سوار از سابق بحال اند
 و سپرد چندی کار جو بنیه و تعلقه پیر نموده بود و هم چند اسپان پاینگاه سپرد و مسطور بنیاتی
 مرشد زاده ها در قلعه گوگنده به جمعیت سی صد و پنجاه سوار و بار منجمله آن چند سوار و بار راجه
 چند واصل بهادر و چند سوار غیر الملک بهادر و شمشیر لامرا بهادر و رعد جنگ بهادر و از فرزندان
 حافظ یار جنگ مذکور و نوکری سرکار و دربار داری حاضر - کیفیت مصمصام الملک بهادر
 میر کمال الدین به حسب آب و خوراز هند و شان نوکری بادشاهی غوا تیا زیا فته بود پسرش
 میرک حسین خان در عهد جنت مکان عالمگیر باوشاه بدر ماه و دو منصب سرفراز بودند و

میرک معین الدین در عهد شاه جهان بادشاه از صوبه کابل و ملتان سرفراز بودند بعد از آن
 شاه عالم بر صوبه داری ملتان تقرر یافتند میرک معین الدین خان بصوبه هاری اوزنگ آباد
 سرفراز گردید پس شش میر حسین علی از قدر دانی مغفرت آید به منصب و خطاب یافت بعد از آن
 آصف جاه نواب ناصر جنگ مرحوم دیوانی سرکار خود بخطاب شاه نواز خان سرفراز فرمودند
 و در عمل صلاحیت جنگ مرحوم موسی جوسی از کشته شدن حید جنگ وکیل خود شاه نواز خان
 مصمصام الدوله را از غریب کنده بند و ق از جان کشت فرزند کلان میر عبدالحی خان را چندی
 در قلعه گوگینده داشته بود از آن نظام علیخان بهادر که بر مسند ریاست جلوس فرمودند بر سر طوطا
 از قلعه بر آورده بمنصب شش هزاری و پنجاه سوار و بخطاب مصمصام الدوله مصمصام جنگ
 سرفراز کردند بعد آن بمنصب هفت هزار و هشت هزار سوار و علم و نقاره و باهی مراتب
 و پانکی چهار دار و خطاب مصمصام الملک و تعلقه دیوانی صوبه جات دکن سرفراز نمودند حضرت
 بندگانی خواستند که مدارا الهامی خود و مختار امورات سرکار خود نمایند بهادر موصوف قبول نکرد
 لیکن در جمیع امور کلیات سوائے صلح و مشوره مصمصام الملک بیج امر بندگانی غفر نایابی
 ساختند برادرشان میر علی اسلام خان و دلاور جنگ توام الدوله بودند الحال در اولاد و تان جلالت
 الدوله هستند کیفیت اعتماد نواز خان میر یعقوب خدمتگار مصمصام الدوله بهادر بود و بعد انتقال
 مصمصام الدوله مرحوم بناس خود بمیدل نموده بناس چو بداری اختیار نموده در زمره چو بدان حضور
 ملازم شد و در تعیناتی وقت صاحبزادگی بندگانی حال مامور بود و فتنه بندگانی حال قائم مقام
 ریاست شدند بخطاب اعتماد نواز خان و بسرکردگی چو بداران سرفراز گردید - کیفیت
 اسمعیل خان - اسمعیل خان اولاد تلمنگ برگ تبول فروش از بلده حید آباد برآمد و در داراجاه
 زمره پهلپه شده نو مسلم گردید داراجاه پوشیاری او دیده امورات خانگی از او میگردید و فتنه
 جنگ پیشو سلطان از داراجاه گردید کار بای دست بسته از اسمعیل خان بعمل آمد و اعتبار
 زیاده پیدا کرد و بعد انتقال داراجاه اسمعیل خان از آنجا آمده مع لیلین باستصواب
 را چند ملازم سرکار گردید در سرکار راجه راجندر محنت بسیار نمود بعد آنکه میر عالم مغفور
 مدارا الهام شدند مع لیلین مذکور در سرکار میر عالم مغفور حاضر شده بار و نقلی عمارت مامور گردید

و این هم قائم ماند و در قریه مکانات بسیار جا نشانی با میکرد که اکثر مغفور منظور و تریف میکرد
یکزار لین و تعلقات را پیغمبر در میخواه از سرکار معین است یک فرزند میداد و کیفیت مرده
محمد لم شتم باشند هندوستان در ریاست ناصر جنگ شهید از چوکی چو بدان سر فرزند پس
کلمان طاهر علی خان بعد انتقال والد از سرکار چوکی سر فرزند در ریاست غفران ماب
بسیار عزت و اعتبار یافته الحال هم بکار نامور و سر فرزند است اولاد نمیدارد دیگر در طفل متنی
کیفیت ذوالفقار علی خان بن احمد علیخان انصاف ابن احمد علیخان تجا و در ساله شمس الامراء
مرحوم نوکر بودند در عروج میر عالم مغفور که رعایت احوال منظور بود دستخط مرحوم در منصبان
در خرج ملازم شدند و پسر ایشان که بودند یکی بنام حسن علیخان از دست پسر حیدر ناز جنگ
مرحوم وکیل شمس الامراء بهادر و در دیوانخانه راجه چند و لعل بهادر کشته شد و دیگر برکات علی
نامی که معروف به سبزی صاحب است در فاقه شهباز الملک و جده و والد آنها طاهر
ذی شخصیت دبانه محلی بندر اند چنانچه الحال هم از سرکار عظمت مدار به سلسله قدامت
جده و والد آنها تنخواه هر دو برادر مقرر است جده مذکور از لواحقان نواب مبارک الله و
حاکم سابق محلی بند که مشا به نقدی مع لواحقان از سرکار محمد روح می یا بند کیفیت سیدی
عبدالله خان و سیدی منتقال خان و نادر علی بیگ خان سیدی ناصر و سیدی عبدالله هر دو خانه
زاد تیغ بیگ خان ناظم صورت سیدی غنبر علیخان خانه زاد سیدی ناصر از انتقال سیدی
ناصر سیدی غنبر علیخان و سیدی عبدالله خان با هم باتفاق تمام بودند و قتیکه تیغ بیگ خان
رحلت نمود هر دو آواره شده در اطراف با جمعیت روز میکردند به حسب آب و فخر در نواح
اورنگ آباد وارد شدند در آن ایام غفران ماب روزیکه حیدر جنگ را شسته تا چند
از معتمدان خود میرفتند سیدی غنبر علیخان و سیدی عبدالله خان به جمعیت دو صد پیاده
و عرب و حبش و سورتی و گجراتی و هندوستانی ملازمت نمودند بنگالائی ملحق شدن این
جمعیت منتقم انکاشته انبار ارفیق خود کرده گرد خیمه از اعتماد ایشان پیره بندی کردند
و قتیکه غفران ماب قائم مقام ریاست شدند از جمعیت یک هزار سوار و دو صد بار مرام
موجب بست هزار چندی کلاه پوشان و سیصد و پنجاه سوار بهر اسری چهل رو پی

سرفراز کردند و سیدی عمر علیخان در حضور وی بودند و سیدی عبداللہ خان با جمعیت بنو کروی
 میرفتند و ہر گاہ سیدی عمر علیخان انتقال کرد خلعت با سیدی عبداللہ خان مرحمت
 شد من بعد بخطاب داد اور الملک سرفراز گردید و قتیکہ عالیجاہ مفور شدند بندگان عالی
 داد اور الملک را با جمعیت روانہ کردند چنانچہ در جنگ متصل بید شربت نہادت چشیدند
 بعد سیدی محمد خان پسر بہادرند کور سرفراز گردید او ہم بعد چند انتقال کرد و آنوقت شیدہ
 اسد اللہ خان مخاطب رعد جنگ برادرش کہ حقدار بود لیکن صغیر بن باہر شدن کار خانہ
 سیدی حبیب خان مستعد جنگ را کہ از بطن رقاصہ بود مصلحتاً مقرر کردند تا مہرہ نالایق قریب
 خور و مردم آزار بود و در همان اوقات از بدستی خون ہم کرد لہذا از سرکار اخراج کردند
 بعد از آن رعد جنگ را کہ از روستا شرع ہم استحقاق سرفراز فرمودند تا علی بیگ خان
 را داد اور الملک آدم کارہ و ذبیحوش دیدہ نوکر داشتہ بود ہر گاہ کہ غفران کاب بنابر
 بند و بست ارادہ کرد بہ بندگان عالی حال حکم کردند سیدی متقال خان و ناد علی بیگ خان
 را در آنجا متین کردند تا حال کہ بندگان عالی قائم مقام ریاست شدند تا علی بیگ خان را
 بہ جمعیت دو ہزار سرفراز کردند - کیفیت انور الدین خان متوطن گویا موضع ہندوستان
 در عہد عالمگیر بادشاہ بمنصب و خطاب سرفراز بودند بعد از آن بدیوانی دکن مامور و مودولام
 بادشاہی دکن و از خال دکن و قیقت داشت آصفیہ ہنگام ورود خود خان مشائر الیہ را
 بدکن ہمراہ آوردند و مشائر الیہ بر فاقہ آصفیہ ہمدرد است شایستہ و بسر کردگی
 ہزار سوار و یار بصوبہ داری حیدر آباد و سیدکا گول و راج ہندی و محاربات قیچ مرتہ متین
 و در سنہ یک ہزار یکصد و شانزہ ہمراہی بخدمت نظامت ارکاٹ و ہم کرناٹک مامور شد
 ہمان سال آصفیہ ہر حلت نمود حسین دولت خان ف چند صاحب سر اہل نوایت
 کہ حکومت ارکاٹ میداشت بہ ترغیب بدایت محی الدین خان دختر زادہ آصفیہ مرحوم از
 ارسال پیشکش معمولی دست کشیدہ طریق انحراف اختیار کردہ جمعیت فراسیس را از بندر
 جموں لہری بلک خود طلبید بانور الدین خان مجادلہ منازعت آغاز نمود تا مرگ
 خلف الصدق آصفیہ مرحوم کہ بر تنہ ریاست دکن متمکن بود باستماع شورش

شورس و فساد کرنا ملک از اورنگ آباد با عانت انورالدین خان متوجه شد خان مسطور قبل
از رسیدن نامر جنگ در مقابل فراسیمیان و چند صاحب شانزدهم شعبان سنه یک هزار و
و شصت و سه هجری در سن نو دو چهار سالگی کشته شد محمد علیخان خلف انورالدین خان دوم
از ترچنا پل مع غیاث به تقرر چنانچه رسید با تنصوب از باب حکومت نهند مذکور ولایت
انگیز عرصه داشت فرستاده بنام خود سید طلبیده بمعاذت سرکار عظمت مدار باستیصال
فراسیس و غیره پرداخت چند صاحب در محاربه کشته شد ملک کرنا ملک از کنار دریای شور
تا سرحد دریای کشتا قبض و تصرف خود آورده محمد علیخان بخطاب والا جاہ پایہ اعتبار برقرار
بود سنه یک هزار و دو صد و دو هجری ازین همان فانی انتقال کرد - عمده الامرا پسر همین
جاہ شش سال قایم مقام حکومت آن ملک بوده در سنه یک هزار و دو صد و پانزده هجری
دو بیت حیات پسر و عظیم الدوله پسر امیر الامرا برادر خرد عمده الدوله فرد تحصیل ملک ببلغ بشتاد
هک روپیہ داخل دفاتر سرکار کمپنی شده بود در نیولا از باعث آبادی ملک آنجی ایزاد از
روے حساب بی برآمد با خرب عظیم الدوله فرامخت میشد و هزارهون ماهو امیر سید تباریخ
نهم شوال ۱۲۳۳ بماراضه و با انتقال کردند عظیم جاہ خلف مرحوم تباریخ نهم ربیع الثانی ۱۲۳۴
به اعانت صاحبان مسند نشین شدند - کیفیت حال خان و بانی خان مسطور با شنیده چنان
قوم افغان برائے روزگار مع پسر و برادر ناده خود در بلده آمدند در عمل غلام سید خان
مرحوم از یکصد سوار نقدی بد راه ذات سرفراز شده و فیکه جنگ پٹو سلطان در پیش نهاد
وار سطو جاہ بذات خود متوجه گردیدند محمد علیخان بهسار و شاکر خان بهادر و جوان خان بٹال
بذات خود کارهای مردانگی و شجاعت بسیار نمودند بعد معاودت فتح پٹو سلطان از سطو جاہ
از جاگیر ذات و جمعیت چهار صد سوار سرفراز نمودند بعد از اعانت راجه چند وصل بهادر از
تعلقات قریب پانزده لک روپیہ و از جاگیر قریب سه لک روپیہ در عرض نگه داشت
جمعیت و ذات سرفراز بودند چونکه در ادائی مال واجب سرکار قدرے ایتادگی کردند
دبر رعایا ظلم و تعدی روا داشتند و رعایای نالشی اکثر از رعایا بخصو صاحب زیربانی
ایجاد رسید راجه چند وصل بهادر بالکل تعلقات مسترد کرده بقدر معاش ذات بهادران

باقی داشته اند بتایخ هفتم شعبان ۱۲۳۰ هجری جمادی الاول خان لوبانی انتقال کردند محمد علیخان و محمد
خان بر جاگیرات و رساله مختار اند - کیفیت نامدار خان عوض بیگی راجه چند وصل بهاد و خان مسطور
از اقرایک و دومی خان است از عرصه پانزده سال از سفر گزیده که راجه چند وصل از قلع و قمار
بودند از سفارش راجه کیول کشن نزد راجه صاحب ملازم شد و راجه صاحب بعد سر فرازی
کار پرداز می خود بیکصد سوار سر فراز فرمودند نامدار خان برادر خان مسطور از جاگیر در صوبه بهار
از محل رکن الدوله بسفارش و دومی خان سر فراز است و نامدار خان را یک پسر بنام نور الله
خان است که بصوبه دلاور خان مسطور منتوب است و از سرکار راجه صاحب پنجاه سوار
بنام نامدار خان مقرر است و نور الله خان نیز درین سوار شریک است مگر از عرصه سیال
راجه صاحب نور الله خان را براسه سرانجام امور صاحبان که در محل سرکار عالی آمد
و شد دارند اکثر میفرسند خصوصاً بسبب آمدن بی بی جناب زریڈن سال نام اقبال
راجه صاحب نامدار خان بصوبه اورنگ آباد به معزونی قواب کافم علیخان بهادر پسر نواب
زین العابدین خان مرحوم هندوستانی که بسفارش زریڈن بهادر سابق امور کرده
بودند سر فراز نموده اند و پرنس پریمجی و غیره که راجه گویند بخش بهادر بابت قرض خواها قواب بجان
خان مرحوم گرد داشته بودند و از برادر خود راجه اتراخ نموده تفویض نور الله خان کرده
اند و غرض که در حال پابجا بسیار هم رسانیده دلاور خان عوض بیگی را و پسرا اند -
کیفیت ناصر علیخان - خان مسطور منصبدار در سرکار عالی ملازم بود از پنج فرزند دو انتقال
کردند سه فرزند حاضر - کیفیت امیر الدوله رفیق شمس الامرا از جاگیر در صوبه بهار سر فراز
بعد از آن شمس الامرا بهادر نامواافت کردند میر عالم مغفور ولیات ایشان گرفته شریک
بار و دری خود نمودند و در عرض گرفتن مکانات ایشان را اضافه جاگیر و برادران امیر الدوله
را در ماهه مقرر کرده در رساله خاص راجه چند وصل بهادر داخل کرده اند نام هر دو برادران
امیر الدوله مسطور غلام محمد بی خان و حسین علیخان این هر دو کسان در ۱۲۳۰ هجری بسبب
شوره پستی و بیدادی نسبت اغوه بلده بموجب حکم راجه چند وصل بهادر از بلده اخراج یافتند
اند مگر امیر الدوله بنات خود فهمیده است شمس الامرا بهادر سرگردی جمعیت از طرف خود

مقرر نموده قیناتی به مدت رام وقت جنگ نه صبیحه و بجهت موفرتاده بود - کیفیت محمد منصور خان
 بهادر مغر فریق غلام سید خان مرحوم باشد نوح المیچو همیشه در حاضر انشی متناوب بودند غلام
 سید خان مرحوم وقتیکه در پونه رفته بودند موصوف در رفاقت حاضر بودند بدین نوار سطوح جمعیت
 دورا به ذات پرنه ساتوبی از پرنه خود بدین وان جاگیر سرفراز کردند و بعد رحلت بر جاگیر خود
 قابض و نیز در وجه چند عمل آمد و شد داشته اکثر بر تعلقات بطور قهید مامور بودند بتایرخ سوم
 محرم ۱۲۳۸ هجری در بلده افاغنه غیر مهدی باختلاف مشارب کمال حرات و جان بازی سه
 چار اسم افاغنه را بقتل رسانیده همیشه زاده خود گفته شدند کیفیت غنی بیگ خان خانمستور
 سوداگر پیشه و از میر عالم مغفور موافقت داشته جنس و اجناس مبلغ خطیر میر عالم مستغفرو گرفته
 کار سازی نموده مبالغ آن بمیر صاحب میداد میر عالم بهادر بوقت روانگی کاکته از دریا به
 یکصد و صوبی از دست غلام سید خان مرحوم سرفراز گنا گنیدند و قتیکه بار المهای بمیر عالم بها
 شد از دو و صد سواران نظیمه و از وار و غلی جنسی سرفراز نمودند و بعضی اوقات در مشاوه
 سوداگران هم شریک بودند در ۱۲۳۸ هجری رحلت کرد سه پسر بنام محمد یغیر و غیره و دو صبیحه
 گزاشت - کیفیت جهانگیر یار جنگ حسام الله خان ولد سردار الملک بهادر قلعه و دیگر
 منصبدار بادشاهی از عمل بادشاهان قدیم سرفرازند خانمستور بهادر مذکور هر دو انتقال
 کردند جهانگیر یار جنگ فرزند گلان و غور و فراهندی خان سردار الملک حضرت غفر آتاب
 از جاگیر سواران هم سرفراز فرمودند الحال از حشود قلعه دی قلو و دیگر بنام جهانگیر یار جنگ
 مع احتشام و جاگیر ذات مقررات - کیفیت عبدالکریم خان خانمستور اقامت از سرکار
 بند گانهای و ازین قریب یک هزار بار سرفراز بود انتقال نموده پسرش قادر علیخان ضمیرین
 داشت بخش الله خان برادر زاده ازین سرفراز شد الحال پسر عبدالکریم خان از موقوفی
 بخش الله خان سرفراز گردیده است کیفیت محمد صاحب عرب عرب مستور از دو صد سوار
 و دو صد بارز و بسالت جنگ که عاکم او موفی و غیره محالات بودند ملازم شد بعد انتقال
 عرب مذکور فرزندش محمد امین خان عرب از جمعیت مذکور سرفراز شد و قتیکه بسالت جنگ
 بهادر انتقال نمودند در اراجاه بهادر فرزند او شان قایم مقام گردید و امین محمد امین خان

و دارا جاه صحبت برار نشد عرب مسطور از اینجا خوش شده در حضور غفر نامه چنانچه از حضور
 دو صد بار و پرگنه ابو و پرگنه چند دل در جاگیر سرفراز فرمودند در سائی دو انائی عرب مذکور
 پسند مزاج حضور پر نور بود در مقابله میسو سلطان از مصالح مذکور کار میفرمودند بعد انتقال
 محمد امین عرب عدد و سخنان فرزند و از جمعیت بعنوان جاگیر از سرکار مقرر است از محمد عدد و
 خان فرزند و از جمعیت مذکور سرفراز شد و پرگنه میثم و پرگنه جیون در نگه داشت جمعیت بعنوان
 جاگیر از سرکار مقرر است از محمد عدد و سخنان بها در سه فرزند کلان محمد صاحب دیوی این صاحب
 سونی از محل ویم بنام محمد برهان سابق راجه ناگنا ته را و مشهور ناگن کرط را راجه گ کرده و دیگر
 آوره بودند نامبرده مرد بشرش و بنیر کانش بر مکانات خود قابض است و نالیه و غیره
 مکانات بطور قهقهه در علاقه محمد امین صاحب تعلق دارد و کیفیت نو دی خان مرحوم خان حم
 در رساله سائز با چهار صد سوار ملازم و رفیق میر موسی خان مرحوم خطاب به رکن الدوله بود
 مرحوم مسطور نظر بر فاقه از جاگیر یا قصد سوار سرفراز فرمودند بعد انتقال نو دی خان پنج فرزند
 بودند چهار سیر انتقال کردند گدائی خان فرزند کلان که از خطاب الدوله خود سرفراز اند حاضر
 و جاگیر یکصد سوار از سرکار مقرر است و دو فرزند میدارند بنام محبوب خان پسر دل خان
 عمر گدائی خان تخمیناً پنجاه و هفت سال منصب دارباشا بنیستند باشند به پیشوایه کیفیت
 کوئی بیگ نمان خامس طور باشند هندوستان جمع دار پیشه همراه عاشق بیگ خان در عمل
 دیوانی نلم چند ملازم سرکار گردید بعد موقوفی راجه چند و مسل بها در هم موافق دستور
 سابق مع یکصد سوار ملازم داشتند چند ان اعتبار در حضور یا نزد راجه چند و مسل بها در نذر
 کیفیت سکندر الدوله بها در باشند سامانه اقربا است غلام سید خان مرحوم در عمل دیوانی
 مرحوم مذکور در اینجا آمده از خطاب و جاگیر سرفراز شدند و پنجاه سواران را جاگیر فاقه علی خان
 برادر او نشان هم همراه آمده اند سه فرزند از سکندر اله حاضر کلان سرفراز علی خان و دو فرزند
 خور و کیفیت میر احمد خان بها در قوت جنگ بها در بها در مغر دار و غه حبشی سرکار نواب
 غفر نواب بودند از بها در مغر سه فرزند کلان میر احسان خان به خطاب قوت جنگ بعد
 انتقال والد بجایگرات والد خود سرفراز شدند و فرزند دویم عثمان یار خان دند سوم سیر مشهور

از ضیاء الملک بهادر هم قرابت میدارند کیفیت میرکلب علیخان از ولایت در عمل دیوانی
 غلام سیدخان مرحوم آمده ملازمت خاص نمودند مرحوم موصوف رساله یکصد سوار غنایک
 اخلاقی رساله سیف الملک بهادر مرحوم فرزند خود داده از حضور بن خطاب نورالدوله سرفراز
 کنیند و بعد آنکه غلام سیدخان مرحوم در پیونه رفقه سواران و غیره موقوف شد
 و قتیکه غلام سیدخان مرحوم از پیونه آمدند از ناخوشی فراج رو بر نه آمدن هم ندا دندیر عالم بیاب
 وقت دیوانی خود از اخلاقی جمعیت سواران و داروغگی هر کاره رساله سلیمان جاهد بهادر
 سرفراز نمودند - کیفیت سرفراز الدوله بهادر رشک جنگ نام دانا گریه امور تعلقات
 بهوشیار می کمال میدارند و در قرابت شمس الامراء بهادر اند - کیفیت معظم علیخان بهادر
 قیصر جنگ خویش مقبول الدوله بهادر مرحوم که سابق بر عهد عرض بیگی گری غفر آفتاب بود
 قیصر جنگ از حضور غفر آفتاب تعییناتی بندگانه ای حال بود در وقت مرشد زادگی بندگانه ای
 حال بر عهد عرض بیگی گری سرفرازی داشت الحال بداروغگی نجباء زنجیر فیضی از چند
 سرفرازی دارد و بنده گانه ای از خطاب کرم علیخان بهادر قیصر جنگ سرفراز فرموده اند -
 کیفیت گهاسی میان نیرفت شمس الامراء بهادر نظر بقرابت بهادر موصوف از خطاب بهادر الدوله
 سردار الملک و به جمعیت سرفراز حضرت غفران تاب بسیار عنایت میفرمودند گهاسی میان
 مذکور را در خانه بنی طوائف در ایام محرم پنج شش اتفاقان مبدوی از جان کشته چار فرزند
 موجود است پتھر و میان خطاب سردار الدوله که از بطن همیشهر احمد الملک بهادر بود
 انتقال کرد از طوائف منکوه حسینی میان اعظم جنگ و قطبی میان و فرید میان کیفیت
 علی محمد خان بر کار پروازی تعلقات ابنالال بدیوانی و بخشی گری پناه در عمل رکن الدوله میر موسی
 خان مرحوم در سر کار نواب شرف الدوله بودند چنانچه غلام سیدخان مرحوم در وقت ملازمت
 خود جایگزین نواب موصوف و در ضبطی سرکار آوردند و تعلقات مذکور سپرد علی محمد خان مذکور
 نموده از خطاب علی یار جنگ سرفراز کنیندند پسران او شان الحال بدر حس
 فقیری رسیده اند - کیفیت ماما بدین دختر صقه بود در ایام سابق نزد کسی خواص
 ملازم شده بر طرف گردید و از باعث فیهوشی بمصوبه نور ملازم گردیده بدر ماهه و از ده روپی

مقرر یافت و نسبت خدمتگاری و حاضر باشی زمین بطن پیچ غنایت گردید چهل روپیه ماهوار
و پانکی سرفراز گردید قریب چهل و هشت سال است که در محل آمده بخدمت زمینت النسابکم
صاحب و الله جهاندار جاء بهادر میماند در ^{۳۲} کله بهری قوت شد قائم مقام او کینرش چیل
محاصل بطن پیچ قریب دو هزار روپیه - کیفیت ماما چنیا کینرک خریدی ماما صیل سرکار
از باعث زیوشی نامبرده حضور پر نور اکثر کار میفرمودند از دوازده روپیه ماهوار بشماره
چهل روپیه و پانکی سرفراز در چنیا پیچ غنایت گردید قریب چهل و چهل سال است
که در محل آمده نکاح از فوجدار خان خود غفران مآب کنایه دادند نام پدر خان مسطور
و نام جدش میر صادق نامی منصبدار و میرادانی فوجدار صلابت جنگ مرحوم بود فوجدار خان
در خوشی میرادان فلبان اندازان روز درین فن قدم نهاد و در وقت غفران مآب
به فوجدار سی حضور سرفرازی یافت محاصل چنیا پیچ قریب یک هزار و پانصد روپیه و از عهد
غفران مآب یکصد و پنجاه گاژون در رکاب حضرت بندگانی مامور است و یکصد پنجاه
گاژون که در عهد حضرت غفران مآب حواله ماما بود بعد انتقال ماما مذکور پنجاه در سرانجام میداد
و در عهد حضرت بندگانی حال که بخت و وفات از گاژونهای مذکور پنجاه گاژون خارج گردید
خدمتگار یکصد گاژون حواله اتمام نواز خان مرد ما کردند چنانچه تا حال بحال اند و جمعیت آنرا
ماما بطن و ماما دیگر هیچ نیست و ماما چنیا در ^{۳۳} ساله بهجری فوت کرد - کیفیت شرف الدین خان
و راول شمس الدین خیلین خان برادر کوچک فخر الدین حسین منشی بزرگ پالمر صاحب متونی
از بیلس پوند بزرگ ماهه قلیل ملازم و متوسلانه نزد راجه چند و عمل بهادر آمد و رفت میکنند
و در وقت شش نام صاحب بهادر بواسطه مولوی میران علی منشی و میران بنی طاک و اله
کار و کالت راجه مدوح بنده خود گرفت و برادر کوچک خود را به صاحب راجه گویند بخش
بهادر که سردار جمعیت متعاضه صوبه برار و غیره بجای مہبت رام بودند متعلق ننمودند اتفاق
دوستان خود بازار اخذ و جبر گرم ساخت و اقتدار پیدا کرد آخر بمصدق مصرع زند جامه
ناپاک گاژان بر سنگ پند موقوفی میران علی منشی پرده این راتنی از روی کار افتاد
و از خارج بلده گردید در دیهات جاگیر خود رفته سکونت کرد آخر بعد شش سال

تاریخ نمودند و انقضای اظهار احوال خود که در دیر انداخته اند متذکره فیاض می شود به حضور صاحب ریاضی که آخر وقت بهتری رسل صاحب بها و بود و فرستاد بها و معتبر رحم آمد و ایما بر وجه و لعل بها و در گذراند از وقت که باز آمدند در سرکار راجه موصوف پیش شدند و علاقه عدالت مستغنیان بلده و فیصله آنها بجان مسطور قرار گرفت الحال هم در ارشاد استیصال مال غریبا تقویست ندارد - فصل سوم در احوال فرقه بنود بلند کرده آصف جاه مرموم و کیفیت راجه را و در بنجا - راجه معزز قدیم منصبه اربادشاهی و بجایگزات و سوار از عهد حضرت مغفرت مآب سرفراز داشتند اندام والد راجه مسطور اندام و نام جد جانوبی را و نمالکر دنا بهره از عهد عالمگیر منصب سه هزاری و سه هزار سوار از آباد اجداد میر و از چنانچه جانوبی را و نمالکر مسطور جد راجه مذکور حین حیات آصفیه در حاربات مشغول تر و دو جانوبی کرده اعتبار پیدا ساخت حضرت مغفرت مآب توقیر ایشان بسیار میفرمودند عمر راجه مسطور قریب هفتاد و چهار سال و رسم شادی مفر بها و رانده مقوم خود که قوم مرسته اند بمحل آمده به بها و در مغرب پنج فرزند از زوج شادی بنام کهنه راجه را و و اندام را و سه پسر از بطن طواف منجمله آن سیر کلان امام الدین خان نامی فوت شد دو پسر زنده اند جمعیت راجه مسطور شش صد سوار و جایگزین یک روپیہ مع ذات و سوار در عهد احمد شاه بادشاه و قتیله حضرت مغفرت مآب بصوبه و کن ما مور شدند از ان پیشتر از جایگزین در وقت چهار زخان هم پدر راجه مغفرت مآب بود و بزرگان ایشان معلوم نیست که از عهد کدام کدام بادشاه به منصب داری سرفرازی داشتند از عرصه پنجاه سال که راجه معزز از افغانان هندی قرض گرفتن اختیار کرد و قریب بیست و یک نفر مقروض شدند و در جایگزین راجه مذکور که مسلط بود بسبب فضول و مصرفی پدر خود دست از فرستادن زر جایگزین کشیده بلوہ قرضه را بها بونبت بکشت و خون ساینده راجه چند و لعل بها و فیصله قرضه را بها کرده و ضم خود گرفت و جایگزین در قبضه خود در آوردند الحال بعد راجه محتاج میدهند و جمعیت هم چند ان ندارند قریب و صد سوار خواهد بود و کیفیت نانایندت و رائے رایان بها در نام اصلی دهنند و پندت راجه رائے رایان است هر دو برادر و ولد نانابی شکر قوم زندادار عهد پٹواری بر موضع لاب گاون پر گنه

یا نکل صوبه فحمت بنیاد بودند در عهد حضرت غفرناک بالکشن نامی پندت که بحر سفر فر بودند
 نزدش هر دو برادر بدر ماه به هفت هفت ملازم شده در چو که مقصد یان هران پندت مسطور
 نزد رکن الدوله مرحوم آمد و وقت داشتند بعد از انتقال بالکشن پندت مذکور از دیوپی
 هر دو برادران را رکن الدوله بر دفتر پیشکاری صوبه برار حجت بنیاد و صوبه حجاب پور
 هر قدر که در سرکار عالی است از حضور غفران مآب سرفراز گنایند بعد از انتقال رکن الدوله
 هر دو برادران رسائی خود اجرائی امورات سرکار چه در وقت و قار الدوله و بعد انتقال قالدوله
 با استعانت شمس الامراء بهادر مرحوم سرانجام کار سرکاری نمودند و قتی که غلام
 سید خان مرحوم آمدند چند سالی هر دو برادر زنده مانده اول راجه رائے را یان تخمیناً عرصه
 چهل و پنج سال بدر شد که انتقال کرد بعد با نانا پندت در ۱۲۰۰ هجری درگز نشست
 از اولاد راجه رائے را یان راجه شیام راجه بهادر یک پسر موجود بود و سفر کهره بسبب
 بر آمدن دست آوینر بایستی فتور و خطوط اهری ایشان بنام بیٹو سلطان از بلده اخراج
 شده و محمد آباد بدر جایگزین خود بموجب حکم حضور مامور است و پسر دیگر فرزند بود و انتقال کرد
 مانا پندت لا ولد بود و دفتر داری صوبه بایستی مذکور بتاریخ نسبت و حکم شعبان ۱۲۴۰ هجری
 راجه شیام راجه در جایگزین خود انتقال کرد و راجه چمنابا بقال نذرانه مبلغ دو لک روپیہ ہم
 قائم مقام پدر خود شد ترک پندت از طرف راجه مفرج رائے کار میگرد.

کیفیت راجه راجندر

بهر حیثیت راؤنزار و ار ماد صو چاری راجه مذکور در خانه رائے را یان آمد و رفت داشت
 و ملازم رائے را یان شدند بعد از انتقال راجه رائے را یان در مفرج راجه شیام راجه فصل نامه
 از طرف راجه مذکور بر سوال جواب و کالت پوزنه مقرر یافت و در قیتمه غلام سید خان
 مرحوم در پوزنه بودند و رانچا راجه مذکور بطور و کالت رفت و در غلصی غلام سید خان
 مرحوم نزد سندنه و غیره اهلکاران انجاسمی بایست نمودند لهذا غلام سید خان مرحوم خوشحال
 متوق کردند و در وقتیکه در بلده خوام رفت بر عهده پیشکاری از حضور پرنور سرفراز
 خواهم گنایند چنانچه بعد املن در بلده غلام سید خان مرحوم ایفائے قرار نمودند و کهره دیوه

جاگیرات از سرکار دولت مارو دو هزار روپیه در ماه از سرکار غفلت مار ۱۲۱۵ هجری
 مقرر شد بعد انتقال غلام سید خان مرحوم پنج شش ماه برین عهده ماند و وقت
 مدار الهامی میر عالم مغفور بصلاح صاحب عالی شان حشمت جنگ متوفی براجہ مذکور محکم
 خانہ نشینی گردید عمر راجہ مذکور شصت و پنج سال شده بتاریخ بسم ذی الحجہ ۱۲۲۰ هجری درگذشت
 دو برادر زاده متبہ دارد و بنام یکی سند محالات جاگیر کھڑہ و دیگرہ نذرانہ رسانیدہ بچین
 حیات خود حاصل کردہ بود - کیفیت سکھ راؤ ولد رود راجی ساکن مرج گاون عہدہ
 پٹواری گری موضع بھیندہ میداشت نام پسرش کیشور راؤ کہ عمر پانزدہ سالہ دارد
 سابق سکھ راؤ در مذکور در پونہ نزد پیر سرام بہاؤ بسالیانہ پانصد روپیہ ملازم در پونہ
 از راجہ در خوردہ بہمان سابقہ سہرا آمدہ تعلقہ بیڑ و برنیڈا یافت چون بتاجرہ کابل
 انصرام تعلقہ پنجابی نشد از انجا موقوف گردیدہ ہمراہ فوج سرکار علی بشمول ہیبت رام
 در وقت جنگ سندہ و بھوسلہ باستعانت راجہ راجہ رفتہ بود از ان باز خانہ
 نشین ماند در ۱۲۲۰ هجری درگزشت - کیفیت ہیبت رام متوفی ولد امرت رام قوم
 کھتری گھمراٹی اول نامبرہ نرہ و مقبول علی خان کہ عرض بیگی عنقراب بود ملازم شد بعد
 انتقال خان مذکور نزد موسی رحمون بر عہدہ و کالت مقرر شدہ در سفر کھڑہ کہ غلام خلیل
 مرحوم را خاطر موسی رحمون بسبب ہم زیادہ بود برائے سوال جواب اکثر ہیبت رام نزد
 غلام سید خان مرحوم آمد و رفت داشت در ہما وقت رشد پیدا کرد بعد سفر کھڑہ کہ
 غلام سید خان مرحوم بہ پونہ رفتہ در بلدہ آمد نزد بندگان علی حال بہرہ خانہ مافی
 از حضور عنقراب سر فراز کنایند چنانچہ در سفر شور پور ہیبت رام را ہمراہ بندگان علی
 کردہ دادند درین ضمن در فرج حضور پرنور ہم دخل یافتہ در وقتیکہ ہم بر سندہ
 و بھوسلہ در پیش شد سرشتہ داری لین موسی رحمون کہ امر د متوفی مذکور بود
 غلام سید خان مرحوم در راجہ راجہ در مقرر کردہ در پیشدستی سکھ راؤ در فرستادند
 معالہ سکھ راؤ در از نا کرد کاری اور ہم خود ہیبت رام بر تعلقات براؤ و غنیہ
 وقت غلام سید خان مرحوم مامور شد و از موقوفی نظام نواز جنگ رسالہ داری

صالح محمد خان و زور آور خان غیبه شده بود بعد موقوفی بهیت رام نیز راجه چند و صل بهادر
 تعلقه بیڑ و غیره مع سواران بجای داشته بودند و قتیکه تعلقه بیڑ و پر بند او غیزه در ولایت
 دیران نموده مبلغ خطیر سرکار باقی داشت میر عالم مغفور موقوف کردند حسب الطلب حاضر
 شده در مزاج حضور یرونور که از سابق داخل داشت در آمد میر عالم مغفور اطوار مغفوری
 بهیت رام مذکور معائنہ کرده بصلاح صاحب عالیشان سظم صاحب بهادر
 ازین جا حضرت بر اظه نمایند و از بعضی اطوارات از تعلقات مذکور موقوف کرده
 حسب الحکم در قلعه شاه پور آمده چندی اقامت کرده و در اینجا بر تعلقه شور اپور و غیره
 دست اندازی آغاز کرده جمعیت پنج شش هزار سوار باز فراهم کرده در صدد محروم
 از اریها شد لهذا از اینجا جمعیت سرکار عالی بصلاح ریزیدین بهادر ما مورشد از انجا
 جنگیده و در جنگ کارطون صاحب را گرفته هر دو بقتل رسانیده لهذا مکرر جمعیت سرکار
 عظمت ماربرائے تنبیه ما مورشد تا رسیدن جمعیت از انجا هم چیزے حرکت کردند
 مگر جمعیت خود فرستاده بقتل رسانیده عمرش تخمیناً چهل و پنج سال شده در گذشت
 الحال قبائل و فرزندان بهیت رام متوفی در بنارس سکونت دارند و بقدر دو صد
 روپیہ ما موراربرائے محتاج متعلقان متوفی مذکور از سرکار عظمت مارمعین است
 و از خزانه بنارس ماه بامه می یا بند - کیفیت راجه چند و صل بهادر و راجه گویند بخش بهادر
 سرور و برادر حقیقی ولد نرائن داس بن رائے پطیمی رام ابن راکم و لیچند قوم کھتری -
 رائے مو لیچند ملازم بادشاهی بودند در عهد محمد شاه و قتیکه حضرت مغفرت مآب بهیت
 کروڑگیری بلده فرخنده بنیاد سر فرازی یافتند بعد انتقال رائے موصوف رائے
 پطیمی رام بر همین تعلقه در وقت دیوانی بکن الدوله و عهد غفرانآب سر فرازی یافتند بعد
 انتقال رائے مغربیر کلان رائے نانک رام عموی راجه مغربیر همین خدمت ما مورشدند
 رائے پطیمی رام جدا محمد راجه چند و صل بهادر لیچند فرزند پسر کلان رائے "نکه رام
 که از ایشان راجه لکھنؤ رائے تولد شد بعد وفات رائے موصوف را بام که راجه
 چند و صل بهادر بر تعلقات کرطیه و غیره از حضور غفرانآب سر فرازی یافته روانه شدند

یکسال چندایام بر عهد کز گری لکبیت راسه سرفراز یافته به مرض تب دق فوت شد و دوم
 پسر زان و اس بعمره سال راجه چند و من بهادر و بهر هفت سال راجه گویند بخش بهباد
 گزاشته انتقال کرد و هر دو بر ابراهان نزد والدیه خود پرورش و تربیت از راسه نانک رام
 عمری کلان شده اول در صغیرن چند محال محال محال سائر و چندی دیهات جاگیر دیگر
 نواب منصوب جنگ تفویض راجه مفر شد مدت مدید در ملازمت نواب منصوب جنگ مفر ماند
 بعد آن در وقت دیوانی در سطوح بهادر راسه المراجی از راسه موصوف و بهادر مفر
 بمیان آمده غل تعلقه کرد و گری کردید راسه موصوف چند خانه نشین مانده انتقال
 کردید بعد راجه چند و من بهادر از سفر کپڑه و بید باست صواب ناظم جنگ ملازمت
 حضرت غفران مآب و در سطوح حاصل نمودند بناظم جنگ که محالات او پنجه و پر مل از منصوب
 غفران مآب تفویض نمودند یافته روانه تعلقات شدند معامله سفر کپڑه که بطور دیگر شد حضرت
 غفران مآب در بلده تشریف آوردند - ناظم جنگ همراه عالمجاه رفتند بجز استماع این
 خبر از تعلقات او پنجه و غیره در بلده آمده باست صواب مشیر الملک ملازمت حضرت
 غفران مآب حاصل نموده بهمه کرد و گری بلده مامور شدند در سطوح بهادر که در پوند
 بودند از استماع انتظام تعلقه مذکور شدند امافی محالات مختص و غیره چار محس - دیور کنه
 و کوڈل و وزیر آباد و کوئل کپڑه و غیره فوشسته فرستادند که بطور امافی سپرد راجه
 چند و من کرده شد سرگاه در سطوح بهادر در بلده آمدند بعد دو سال پیام اضافه تعلقه کرد و گری
 نمودند لهذا محال مذکور گزاشته حواله راجه لکبیت راسه پسر راسه نانک رام نموده
 شد و محالات مختص و غیره مثل سابق بطور امافی بحال ماندند بعد آن در سطوح بهادر
 پیام کپڑه و کپڑه و کوی مار سری و بلهاری و کوئل بهادر نبذه و کنگ گیری و غیره
 محالات آن طرف دریائے گشتا نمودند چنانچه موافق استمراج بهادر مفر را چند کور
 سرفراز شده روانه کپڑه شدند محالات مختص و غیره حواله راجه گویند بخش بهادر نموده
 از حضور غفران مآب و در سطوح بهادر ملازمت کنایند و در بلده داشتند و قیقه راجه
 لکبیت راسه فوت شد و چنانچه تعلقه کرد و گری بر ابراهان رحمت و کاظم علیان از کابل

تقویض شد انتظام محال کرد و گری از آنها بخوبی نشد راجه گویند بخش بهادر را اسطو
 جاد بهادر تعلقه کرد و گری بطور امانی از حضور غفرانآب سرفراز گنایند چنانچه
 تا حالت تحریر راجه مفر محال مذکور بحال است و قیصر راجه چند و عمل بهادر از محالات
 کرچه و غیره در بلده آمدند ملازمت حضرت غفرانآب نمود و معاون کار راجه گویند
 بخش بهادر ماندند بعد انتقال از اسطو جاد که میر عالم بهادر بر عهد دیوانی حضرت بنگلانی
 سرفراز شدند بعد دو سال میر عالم مغفور از حضور پر نور بصلی صاحب لیسان سکن صاحب
 بهادر بهمه کار پردازی سرکار دولت دار سرفراز گنایند چنانچه تا حال راجه مکر
 سرفراز و ماورد اند عمر راجه مفر لغایت ۱۲۳۶ هجری پنجاه و هشت سال و شادی راجه
 در بران پور بخانه و مفضل راس که همراه دولت را و سندی بود بممل آمده معا و خه
 بنیت متوفی بطور دیگر گردید از تفسیری متوفی مذکور صوبه بڑار و صوبه خجسته بنیاد و بهمه
 راجه گویند بخش بهادر از حضور پر نور تقویض یافت و جمیت سرکار عالی که متعین صوبه
 بڑار و خجسته بنیاد بدستور سابق بود بطور حکم برداری راجه گویند بخش بهادر گردید عمر راجه
 مفر پنجاه و پنج سال و شادی اول راجه مفر در جالنده گردید شادی و فیم در خانه گویند
 رام که ملازم بیگم سلطان بودند و از انجا دار و حید آباد گردیدند بممل آمد و نام سید پسران
 دیگر راسه لچمی رام جد راجه چند و عمل بهادر راسه رفته رفته داس و دیوی راسه
 بهو اینداس سونی راسه موهن اصل چند ایام پس و پیش انتقال نمودند پسر رگه رفته داس
 راسه سیتل داس پسر راسه بهوانی داس راسه بالکش که الحال علاقه کرد و گری از طرف
 راجه مفر قلعی براسه بالکش دارد و راسه سیتل داس را علاقه محالات گونا و غیره
 زمینداران بود در ۱۲۳۲ هجری راسه سیتل داس وفات یافت و راسه موهن اصل
 لاولد بود و سه پسر از راجه چند و عمل بهادر کلان از بطن زوجه شادی راجه بالا پرشاد
 و دیوی نانک رام که از بطن خواص است و در ۱۲۳۲ هجری یک پسر دیگر از خواص مذکور
 پیدا شد و یک صبیحه که براسه دیپ چند منسوب است از محالات کرد و گری بخجسته
 صد و پنج دیهات جاگیر بی صاحب و بیگم صاحب مرحومه و پیشکاری جوانان بار آورده

جو کین و غیرہ بعدہ رائے دیپ چند است و شادی راجہ بالا پرشاد و رختہ راجت سنگھ
 گردیدہ و از راجہ گوبند بخش بہادر سہ فرزند دو پسر رام بخش شادی رام بخش در اورنگ آباد
 شد و در ۱۲۳۴ ہجری شادی گوبند بخش در اقرائے جگت سنگھ بمسل آمد و یک
 دختر رائے سکھہ محل خسر پورہ راجہ گوبند بخش بہادر است و ہمراہ راجہ مغلہ برابہر
 حاضر در ۱۲۳۲ ہجری والدہ راجہ چند و محل بہادر و راجہ گوبند بخش بہادر فوت کردہ
 کیفیت راجہ سورج دنت والدہ مناعل در محرابان ملازم رائے ساگر مل عبد راجہ خوشحال چند
 بود و وقت رائے ساگر مل بعد انتقال رائے ملک کور کہ راجہ بھوانی داس پدرا را جس
 کیوں کش و راجہ در گاداس پدرا راجہ خوش حال چند کہ ہر دو برادر حقیقی بودند بہمان خدمت
 مامور شد ند بعد انتقال راجہ در گاداس اکثر راجہ بھوانی داس بخدمت مامور یعنی سردفتری
 صوبہ فرخندہ بنیاد و محمد آباد و بعد بہم رسید راجہ سورج دنت اجرائی کار و دفتر مینمود
 بعد انتقال رائے مسطور راجہ کیوں کش و راجہ خوشحال چند بر خدمت سردفتری سر فرزند
 در راجہ سورج دنت اجرائی کار و دفتر مینمودند و فیتکہ راجہ را چند ہمراہ غلام سید خان
 از پونہ آمدہ مامور کار سرکار گردید چندے اخراج سورج دنت نمود و پیش از دو سہ
 سال انتقال غلام سید خان مرحوم باز بسفارش محلات و غیرہ طلب شدہ درین ایام راجہ
 خوشحال چند اجرائی امور سردفتری مینمودند بعد انتقال غلام سید خان مرحوم تا یک و نیم
 سال در وقت میر عالم مغفور نیز راجہ سورج دنت اجرائی و دفتر داری مینمود قریب
 چہار دہ سال است کہ انتقال راجہ مذکور گردید برہمن عہدہ راجہ خوش حال چند مامور
 راجہ سورج دنت متوفی لا ولد بود مگر یک پسر زنا را کہ کہیم کرن نام دارد و متبنی گردید
 کیفیت راجہ روپ محل ولد ہیر محل قوم کا پتھ برادر زادہ راجہ سبہا چند کہ در
 صاحبزادگی حضرت بند گانالی حال غلام سید خان مرحوم راجہ سبہا چند را برای سولجوب
 مقرر کردہ بودند راجہ مغلہ حساب خانگی حضور بند گانالی حال سید خان مرحوم راجہ
 روپ محل را از طرف خود با خبر نویسی مامور کردہ بودند بعد انتقال راجہ سبہا چند
 راجہ روپ محل را نوشت و خواند مشرفی خزانہ خانگی تھو فیض یا نت چنانچہ راجہ مسطور

تا حال بر همان عهده بودند از عرصه پنج سال راجه چند و صل بهادر عهد مذکور بطور خود گرد
بر قد امت معاش جاریست اولاد میداد و در رستم علیخان نامی پسر خوانده راجه روپ صل
است عمر راجه مذکور تخمیناً شصت و پنج سال - کیفیت راجه میارام ولد راجه سبها چند
در اے جتن صل برادر حقیقی راجه سبها چند که سابق وقت صاحبزادگی بتیمین بندگانی صل
بودند دور تینانی از خطاب سرفراز شدند راجه سبها چند از مندر نشینی بندگانی در
عرصه قریب انتقال کرد و راجه میام پسر راجه مسطور متوفی بر مشرق دیوستانه حضور بود
انتقال پدر خود سرفرازی یافت تا حال بحال است و سرشته داری جمیعت ناد علی بیگ خان
و جعفر یار جنگ و غیره تعلق راجه مسطور دارد و راسے جتن صل بر پیشکاری قریب صد
راس اسپ پایه نگاه و بار گیران و مشرقی دیو طرمی زنانه مامور و سرفراز بودند چها ردهم
و یکجمله بحجری انتقال کرد اولاد نمی دارند - کیفیت راجه سبھوانی پرشاد و ولد راسے پیا
چند ولد سبھوانی پرشاد را امور مشرقی خانسانانی حضور مقرر بود و بعد انتقال راسے مذکور
بنجا پرشاد فرزند کلان بر عهده مذکور قائم شد در چند ایام تلجا پرشاد هم انتقال کرد و بعد
بعد آن راجه سبھوانی پرشاد بر عهده مذکور مامور گردید و از رسانی و دانی خود از مشرقی
دیو طرمی زنانه حضور عفران مآب و موافقت مزاج بی بی صاحبه بسیار پیدا نمود
و تقسیم مهور محلات و سر رشته داری چند سوار تعلق راجه مسطور داد - کیفیت
راجه خوشحال چند راسے کیمم راج همراه مغفرت مآب از شاه جهان آباد آمده بلاقه
متنفسی گری مال صوبه حیدر آباد سرفراز شد و بر راسے مذکور بسیار اعتماد حضرت
مغفران مآب مینمودند پسر داشتند راسے ساگر مل بعد انتقال راسے قحیمم راج ساگر
مل بر عهده پدر خود سرفرازی یافت و از راسے مسطور دو پسر کلان سبھوانی داس و غلام
راج دهرم و نت از راجه مسطور چهار فرزند کلان راجه کیول کشن که یک فرزند بنام
راسے خوب چند دارند و دومی راسے و یک راسے که از ایشان دو پسر اند
کنھیا صل و منو صل سومی راسے چا تر صل که یک فرزند دارند چهارمی راسے طوطا رام
که یک فرزند دارد و پسر دومی راسے ساگر مل راجه در گماداس که از راجه مسطور یک فرزند

بنام راجه خوش حال چند دوازده راجه مذکور و دو فرزند یکی را ساجاگر چند دیوبی رام پرشاد و قمر
صوبه فرخنده بنیا و تعلق دارد - کیفیت راجه کیول رام دیا رام و دوله را س و در پیش
دینی رام چهار برادر بود، یا رام و دوله را س بر امور خزانه سرکار مشرفی
و پوروسی زنانه مامور بودند حضرت غفران مآب عزت و اقامه بسیار بخشیده بودند
و خطاب راجگی و جاگیر ذات از باعث سفارش عملات نمر فرزند فرموده بودند و در املاد
دیا رام و دوله را س و دیوب چند کسی نیست از دینی رام یک پسر بنام کیول رام مخاطب
بد یا بهادر از جاگیر سرفراز و کو اخذ خزانه گوگلنده تعلق نامبرده داشت و مهربان
دیا بهادر بر خزانه نشست میشد در سال ۱۲۳۹ هجری تفاقوت در شمار خزانه بوقوع آمد این
باعث علاقه خزانه از راجه مسطور موقوف شد - کیفیت راجه شیو پرشاد دوله
راجه روشن را س قوم روستائی اگر داله راجه روشن را س ملازم سیف جنگ
مرحوم بود از رسانی خود اکثر سوا لجواب محاللات نکلنده و دیور کنده سواران سایر
که به سیف جنگ مرحوم بود میکرد در وقتیکه غلام سید خان مرحوم آمدند اکثر از طرف
سیف جنگ مرحوم را س سوا لجواب نزد غلام سید خان مرحوم آمد و رفت میداشت
بعد از بمی کار و قیصری تعلقات سیف جنگ در پیشدستی راجه پلوصل که راجه مذکور به
پیشکاری دوسه هزار سوار مامور بود و مقرر شد و پیشتر از آمدن راجه را چند بعضی سوا
جواب علاقه پلوصل مینمود و مابین ایام سیف جنگ و غلام سید خان مرحوم ملازم امیر
بیگ خان نیز شده بود و بعد انتقال راجه پلوصل بر پیشکاری سواران مرزبور و مشرفی خزانه
از طرف غلام سید خان مرحوم مامور بود و در هم سری انگ پشن همراه سواران مذکور
با طرف بارفته بود بعمر شصت پنج سال رسیده و دویست حیات پسر و تا حال
پسرش راجه شیو پرشاد و بر پیشکاری سواران و مشرفی خزانه بحال است از
راجه شیو پرشاد یک پسر شیو پرشاد بعمر بیست ساله هست - کیفیت راجه پر بهمان
استونی در نیابت راجه روشن را س بدر ماهه مبلغ بست و پنجر و بیه ملازم بود و قتیکه
از عنایت حضور پرنور راجه را بجهند ربر کار پرداز میامور شد و فیما بین راجه را بجهند

و راجه روشن را سئ نفعا بود پیر بهمان در پناه راجه راجه رفته از نیکشاد امیر بکر
 اطلاع نموده موافقت کرده بر امور سپاه راجس الملک سلیمان بهادر رختا رگ وید خطاب
 راجکی از دست نیگری راجه راجه سر فزاشد جمیع مصل برادر خود راجه مذکور همراه
 جمعیت سلیمان بهادر که در لشکر فیزی باورنگ آباد و آنظر فها متعین است آنجا میسر
 و تعلقه سمت در تنخواه سواران سرشته خود گرفته است در ۱۲۳۶ هجری راجه پیر بهادر رگ رشت
 برادرش جمیع مصل بعد دادن نذرانه بر راجه چند مصل بر اموال عیال والاک برادر خود فاضل
 و متصرف رشت - کیفیت سراجی نیت - مقصدی خاصا سامانی غلام سید خان مرحوم از قدیم
 ملازم خان مرحوم و در دو تنخواهی سرکار خود نهایت فحشا که بعضی اوقات اگر حکم از سطوحا
 برائے دادن کسی جنس میشد جواب صاف میداد و غلام سید خان مرحوم دولت خانی بود
 بسیار بدل خوش میشد و وقتیکه از سطوحا روانه بونه شدند سراجی بعد آمدن از بونه
 بخطاب راجه بنیونت و سر فزازی جایگزین سرشته سواران سراجی از نمودند یک پسر نام
 گویند را و از راجه مسطور است - کیفیت راجه کلیمون داس را سئ عمل چند متوطن
 مؤمنش آباد که در ضلع هندوستان میان و داب واقع است برفاقت انورالدین خان
 گویا موی در دکن آمد پسرش را سئ پتمبر داس نام در رفاقت و کالت والا جا
 بسر برده در سینه یکم از او یکصد و نود و سه تری فوت شد را سئ کلیمون داس پسرش
 بعد انتقال پدر خود بمده و کالت از طرف عمده الامراء بهادر و رحید آباد مامور حال ملازم
 عظیم الدوله بهادر اند - کیفیت راجه شریار - را و مسطور باشند که هم در عمل کرد رگری را
 چند مصل بهادر ملازم گردید راجه موصوف بدش یاری راجه مسطور دیده بذات خود تربت
 نمودند و وقتیکه راجه موصوف بکار پردازی سر فزاشد ندرتی را و مذکور هم گردید از فقر
 مال خانگی راجه صاحب و سرشته دارای جمعیت رساله خاص سر فزازی کیفیت راجه شریار
 ولد مناعل قوم کایته ملازم سرکار بود و از اعانت راجه پیر بهمان سر فز حاضر باش تا بود
 در ۱۲۳۶ هجری که جمعیت سرکار غانی مشمول فواج قاهره سرکار عظمت بدو و توجیه پیر بهادر
 باشد از طرف راجه مسطور بهر خاتم کاری و تقسیم تنخواه رساله سلیمان جا بهادر متعین و بعد پیر بهادر

کیفیت تجا هزاری و مظهر هزاری - اول تجا هزاری قوم زمار دار سرسبز باشد و هندستان
 نسل جو بنور در موضع مدره در بلده آمده بسر کار نواب غفران خان کار هزاری گری می
 مامور گردید و اعتبار تمام پیدا کرده از جاکه و پالکی سر فزای یافت بعد انتقال غفران خان در
 تجا هزاری سودا پیدا شد در همان حالت در ۱۲۳۱ هجری رحلت کرد در اولاد خود یک پسر
 در هندوستان و استقامت او هم انتقال کرد پسرش یعنی پسر تجا هزاری در هندوستان
 موضع مدره استقامت دارد و هزاری متوفی یک دختر بنام محو لری داشت که از
 نژاد منسوب بود چنانچه شوهرش در ۱۲۳۲ هجری و دختر مذکور در ۱۲۳۴ هجری در ایالت
 برکوه شریف بمرض و با درگذشت بعد مظهر هزاری که هم لری تجا هزاری متوفی بود در
 و نبات عقل متوفی مذکور از موضع مدره آمده در سر کار مدوح نوکر شده مظهر پاندهی که
 پاندهی که هزاری گری می بود مردان مامور بود و بر نواب غفران آب نوز در شکارگاه بر
 اسب سوار شده بغیر پیشتر شو شکار کرد مورد عنایت حضرت غفران تاب گردیده خطاب
 سر فزای سنگه و سوار می پالکی و هزار یگری می بود و محو لری بیگم صاحب مامور گردید و اولادش
 یک دختر بنام سونا در هندوستان زنده است و از بسروپ پاندهی منسوب است و از
 بطن او پسر و یک دختر در هندوستان موجود اند و سر فزای سنگه در ۱۲۳۴ هجری انتقال
 کرد الحال برادر شقی متوفی مذکور بنام رام بخش بر عهده اتس در بلده حاضر است و رام بخش
 در هندوستان یک پسر دار و بنام رابین - کیفیت مردن سنگه متوفی اینست که غلام
 سید خان مرحوم در پونه مظهر منگتن را به جمعیت هفت هزار بار ملازم داشته بودند بعد
 از آن همه جمعیت بر هم خورد و مگر چند تن از جوان ماندند از سرگردی مظهر گردن صاحب
 بهرامی میر ابو القاسم خان مرحوم بسری رنگ پتن رفتند بعد از آن وقت که معاودت نمودند
 از آن وقت یک نفر از بست و شش نفر در کربه متینه راجه چند و صل بسیار در شد تا حال سرگردی
 مردن سنگه مذکور حاضر اند بمجله آن دو صد جوان بر آید گرد راجه گو بن بخش بسیار و
 سه صد جوان در گرد و پهره بندی راجه صاحب تتمه در تعیناتی تعلقات علاقه گرد گیری و
 بدعت و غیره مامور اند در ۱۲۳۶ هجری بسبب نزاع و کشمکش برادران خود را خود گذشت

فصل سوم در کیفیت زمینداران علاقه بلد فرخنده بنیاد و تشریح نظامت ایلیچپور
 و اسامی جایگزین داران نقدی بقیه نام و پتیه آنجا کیفیت شود پورچیب ناگ نامی از طرف سلاطین
 بیجاپور بر عهده رسوم کاو و کاری و سر دیسالی بطرف شود پور مقرر یافت تا سه چهارم
 در متابعت بادشاهان بیجاپور مانده دهه اول که بادشاه عالمگیر در عالم شاهی بودگی بنابر
 بیجاپور بموجب حکم شاه جهان بادشاه صاحب قرآن ثانی متوجه دکن شدند پام ناگ و اچیب
 ناگ بود از سلاطین بیجاپور مخرف شده متوقع سرفرازی با ملازمت بادشاه عالمگیر حاصل نموده
 در تئیز بیجاپور جانفشانیها کرده بخطاب بحری ناگ و پنچراج جمعیت سرفرازی یافت باز مکرر
 به سبب رسانیدن سد غله بخطاب راجگی و منصب علم و نقاره ممتاز گردید از شدت سراسر
 تعلقات مانی کوڑ و تعلقه چنیاپور و غیره سرفراز شد و قتلکه مراجعت بادشاه عالمگیر بطور صلح
 از سلاطین بیجاپور بطرف دلی گردید پام ناگ در دکن بمده کاو و غیره مانده تیساری
 و اکن گدھے بمس آورده از سلاطین بیجاپور بغاوت اختیار نمود و از طرف سلاطین بیجاپور
 مکرر جمعیت برآی تنبیه مشاعرا لیه مقرر یافت آخر بطور اطاعت قبول نمود اسناد کاو و
 از سلاطین بیجاپور هم حاصل نمود تا قید حیات خود همین طور میگذرانید بعد انتقال باختر ناگ
 مذکور سیرکلان با اسم پد ناگ بر تعلقات پدر خود مسلط شد و نگذاشت جمعیت زیاده کرد و قتلکه
 عالمگیر بادشاه و فد ثانی برای تئیز بیجاپور و قلعہ گوکنده متوجه دکن شدند پد ناگ از قلعہ
 مکان نیز اخراج و زریده با عانت سلاطین بیجاپور و گوکنده پرداخت بدین قلعہ
 بیجاپور و گوکنده بسبب اخراج و بغاوت پد ناگ مسطور رایات شاهی بسختر قلعہ
 گدھے متوجه شد و قلعہ و اکن گدھے نیز مفتوح گردید بعد رحلت حضرت خلد مکان که شیراز
 جمعیت افواج بادشاهی شیعنه دکن در هم بر هم شدند پد ناگ که فرازی شده باز جمعیت فراهم
 نموده در قلعہ و اکن گدھے داخل نمود و تا حین حیات پیرین طریگیر زاینده بعد انتقال او پیر
 پام ناگ ملقب بنام پدر خود شده چند سیهان عهد بسر برد و بعد انتقال دست پد ناگ
 سیرکلان بر عهده پدر خود تا بم گشت پد ناگ را و پیر بودند کلان کشنا ناگ پیر
 خرد و مناناگ با پیر و در داران چند سیهان مناقشه ماند آخر مناقشه کشنا ناگ

فراری شد و منانانگ خود مسلط شد بام تا صین حیات خود بر همان عهد بسر برده انتقال
 کرد و انکیانانگ پسر بام نانگ قائم مقام پیافو گذشت و انکیانانگ را اولاد ندیدیم
 صبیبه بعد انتقال انکیانانگ کسی قائم مقام نبود لهذا الهیه نانگ متوفی کشتیا برادر انکیانانگ
 متوفی را که سابقا بید فعل شده فرار گردید که بود از اولاد و سس من گوپال با قائم مقام
 نمود تا صین حیات خود من گوپال بسر برد و عهد وی پیکانانگ پسر من گوپال متوفی قائم
 مقام گردید تا حال بحال است حاصل تعلقه نانگ روپی در سرکار عالی داخل میارند و
 چهار رنگ روپی سالیانه تعداد جمعیت شش هزار پیاوه بیدار که زمین در انعام داده است
 کار آنها که میگردد جمعیت ملازم نقدی دو هزار نفری - کیفیت سرحدات شورپور
 بتفصیل ذیل طرف اول ملحق متعلقه الحور و مدکل طرف دوم ملحق مانی کوثر - طرف
 سوم ملحق سرحدات گلبرگه اینطرف دریا است کنایه طرف چهارم ملحق بطرف
 یا دیگر اینطرف دریا است کنایه طرف پنجم ملحق متعلقه مکمل و کرخو اینطرف دریا است کنایه
 سوم بیداری شورپور که بر سرکنات ناویندت پردهان است - پنجاه و پنج هزار و
 صد و سی روپی بهشت آن رقم سالیانه که از شورپور در سرکار از را و موصوف داد و
 است پنجاه و دو هزار و بهشت همدیازده روپی یاد است - بتفصیل قلعیات شورپور -
 قلعه شورپور چندان محکم نیست قلعه واکتی گداه بر کره کوه است قلعه کیا نک گداه قلعه ارگند
 قلعه دیو درک قلعه سکورا از شورپور علاقه ندارد در علاقه راجه رام کشتارا و است کیفیت
 گد والی والد - بهوم مجوپال برائے رسوم مارکوٹی بموجب اسناد سلاطین پیشین بطرف
 مسافه راجپور و غیره مقرر بود روزی بطرف محرازفته بود از قسمت خود مبلغ خطیر دیند
 بدست آمد لهذا گدھی گد وال تیار نموده و جمعیت نگهبان داشت کرده ملک کرنول نیز متصرف
 خود آورد و بدستخیر ملک دکن در عهد عالمگیر بادشاه جمعیت بادشاهی تنبیه بهوم مجوپال
 مقرر یاقت بهوم مجوپال در خود تاب مقاومت ندیده جو رع آورده پیشکش قلعیات مقرر
 نمود و خطاب راجگی سر فراری یافت و بعد چندی انتقال کرد تا بهر لاولد بود الهیه دست
 داده سال با نظام تعلقات که دوال پرداخت و وقت انتقال خود بکار پیر از ان خود

وصیت کرده که همیشه زاده خود را که نرمل راؤ نام دارد و بغیر زندی خود نام نهاده تسلط زند
 چنانچه بمحل آمده راؤ مذکور قریب چهار پنج سال بسط ماند و از بد اطواری دس کاپیر
 دازان آزرده شده رام راؤ نامی برادر خود نرمل راؤ را مسلط گردانیدند رام راؤ
 قریب بست و پنج سال بند و بست تعلقات ننوده انتقال گردانامبرده لا ولد بود و نزد
 هجوم سجویال پسر کلان نرمل راؤ در فرزندی رام راؤ مقرر کرده مسلط گرداند هجوم سجویال
 قریب چهل سال با نظام تعلقات پرداخت در عهد هجوم سجویال تعلقه گردان شد و خان گرفت
 بعد انتقال هجوم سجویال رام سجویال پسر کلان مسلط شد رام سجویال قریب دوازده سال
 مسلط ماند نامبرده پسر داشت یک صبیبه وقت انتقال گزافخت صبیبه مذکور را از پسر اسو
 و س شادی مقرر نموده بکار پردازان وصیت کرد که قائم مقام سازند چنانچه تا حال ستیارام
 که قریب دوازده سال شده بر کار کدوال مامور است تفصیل گدھی گدھی کدوال
 مفصل گدھی کدوال گدھی پوری گدھی در در گدھی راجولی گدھی نظام کدھی جمعیت
 یکبار و یا نقد نفر دهم میباشد بمحمد آن پانصد و شش صد س بیاده نقدی باقی بیاد
 که زمین در تنخواه نهجا گیر است وقت کار حاضر میباشد حاصل تعلقه چهار لک روپیہ از سرکار
 یک لک و سی تیرار روپیہ سرکار سالیانه میدهند تفصیل سرحدات گدوال و طرف اول متصل
 سیوار الپور و کرون طرف دوم ملحق به سیوار راچور طرف سوم انیطرف دریائے
 کشنا ملحق به پرگنه امر چنته طرف چهارم انیطرف دریائے کشنا ملحق به سمت
 سکور کیفیت انصاف گدوال با سم گمار ریڈی دختر بود و از بداریڈی شادی نموده
 داد چنانچه از شکم گمار ریڈی یک فرزند تولد شده نام او سونما نهاده وقت انتقال بجا خود
 قائم مقام نموده زوجہ سونما هم لا ولد بود و زوجہ دس دس نرمل راؤ را در فرزندان گرفته
 بجای سونما جانشین ساختند بعد از نرمل راؤ سوم سجویال تولد شده وقت انتقال
 نرمل سوم سجویال قائم مقام شد از سوم سجویال رام سجویال جانشین شده نامبرده لا ولد
 بود وقت انتقال سونما برادر زاده خود را بمطاب هجوم سجویال از سرکار غفر کتاب سر فرزند
 کتایند ستیارام نامی بکار تو شکی بر رام سجویال مامور بود و از نامبرده قرابت قریب

داشت فتور نموده پنج اسم کارپردازان را از جان گشته و جمعیت های تعلقه را با خود متفق نموده
 قائم مقام شد سابق محفل طهر پور بود در نیو لا چنگاک روپیه نذرانه داده از خطاب ستیا بام
 سجویال و سنده گانغانی سرفرازی یافت از گدوال سالیانه بر او نپشت پردهان در زمان
 باضی پیشتر از سی سال قریب بخت هزار روپیه میر رسید کیفیت اشوارا و پالونچیه و پالو بزرگان
 اسوارا را اهتمام چند موضع که برای مصارف دیوهره به در اچل که از وقت عمل راجه های
 نمود معین بود متعلق اشوارا که صاحب قسنت پیدا شد مواضع اطراف در قبضه خود آورده
 و بنگهداشت جمعیت کرده گدھی پالونچیه تیار کرد در وقت عالمگیر بادشاه
 از حسن خدمت خود اسناد جاگیر و منصب و خطاب را بعلی حاصل کرد از آنوقت جانشین پالونچیه و بعد
 بنام اشوارا و ملقب میشود چونکه پالونچیه بعد اچل کو بهستان را مقروض مقرر کرده چند سال
 حید آباد را مال گزاری نمیکردند آخر کار رکن الدوله مدارالامام خضران ماب عاجز شده
 پالونچیه و غیره در جا نداد سپاه فاضل بیگ خان ملقب و از جان گذار میا پالونچیه را سب کرد
 و مال و متاع از طلا و سیم تا بنجدیکه در خانه راجه اشوارا و هادن و دست کلان کربنابر
 صاف کردن برج بکارتی آید از نقره و طلا داشت و خزانه غیر جمع کرده بود بدست
 ظفر الدوله آمد و برادر خود اشوارا و زنده دستگیر شد و به حید آباد فرستاد و از دبان
 توپ پرانیده شد بعد راجه اشوارا و در مالگنداری ظفر الدوله رجوع شد و همیشه غیر حاضر
 ماند در وقت میر عالم مغفور که اشوارا و بود اولاد نداشت بنا بر آن و نیک نام خسرو پوره خود را
 بفزند ی خود جاداده که با متعلق قائم مقام خود ساخت اکیا نامی که بر تو شک خانه اشش
 نامور بود فرصت یافته خود قابض گردید و مبتنی اشوارا و سابق فراری شده در خانه پلچهارا و
 و غیره زمینداران پوشیده شد مسطرالمصاحب نامبرده را از اینجا آورده با عانت
 صاحب زمینش بهادر در ماهه از سر کار غلیبه پانصد روپیه مقرر گنا سینه تا عرصه
 سه سال نامبرده در بلده ماند درین عرصه اکیا اشوارا و و دیوت حیات سپرد مگر زکمه
 و غیره و احقان در پالونچیه ماند خسرو پوره اشوارا و سابق که از خراج یافته در بلده بدر ماهه
 پانصد روپیه قیام داشت قریب یک لک روپیه از و نیک گشتا و زمیندار یکینی قرض

گرفته و نذرانه داده بعلما و پانچوا سو رسد و در انجا رفته با وصف تعیناتی جمیعت سرکار و
نگهداشت خود در انجا داخل نیافت راجه چند وعلل بهادر رائف صاحب دانیایا بر امانت
و نکت رام اشوارا و خسرو پوره اشوارا و متوفی در ۱۳۳۲ هجری قمری فرستاد و در پانچویز
هند و بست شد راجه صاحب بصلح رائف صاحب مسطور در پانچویز و غیره تعلقات بند و بست
خود کرده گرفتند و نکت رام اشوارا و حال در پانچویز به جمیعت قلیل سکونت دار و چیزیست
در راجه می یابد و بابت قرض نذرانه و نکت کشن را و مستغاثی است -

زمیندار ویا پور مقلعه برار از وقت عالمگیر بادشاه سرفراز حالا مقلعه اش در جاگیر
عبداللہ صاحب پسر میر الملک بهادر بهاصل یک روپیہ مقرر است - راجه رام چند
ولد راجه چند رسین متوفی عمده منصبدار بادشاهی که بهجاگیر پنجاه یک روپیہ و جمیعت دوازده
نیر سوار سرفراز بود مغفرت مآب چند رسین را برادر میخوانند حالا از اولادش کسی نماند
راجه رام چند در ۱۳۳۲ هجری در سفر کمره به تجویر رکن الدوله قید شده در قلعہ گوکنڈ
فوت شد مقلعون ارکان این بود که در هم کرناٹک راجه مسطور با صاحبان کپینی موافقت پخت
کرد و شجون طلبیده بود میر نظام علیخان بهادر توچانه و اسباب گزاشته در آن هم جان
بسلامت برده به حسیہ آباد رسیدند - آجہ او راجه من موہن را و بنگلیہ سنتاجی پانڈر به
جاگیر وارتعلقہ کھی مقلعه صوبہ محمد آباد بیدر - سبجان را و که جاگیر وارتعلقہ دیپا پور منصبدار
بادشاهی بودند در وقت میر نظام علیخان بهادر جاگیر ات قدم ضبط شده بهتدر
معاش اولاد آنها پرورش می یابند - انار ریڈی زمیندار با اشوارا برادر سدا سیدی
زمیندار سربج متوفی مقلعه ار میدک از جمال خان لوبانی معضدی کرده خارج از مقلعه
گردید قدرت معاش دارد - راجه و نکت زرائن ریڈی که زمیندار مقلعه راجکنڈه و بهوگیر
بود - راجه رایناس پسر نامبرده قریب چهار یک روپیہ رارتعلقہ مذکور تمہد کرده است
راجہ علی ریڈی زمیندار مقلعه گرٹکال تمہد مقلعه مذکور سه یک چند هزار
روپیہ کرده است راجه و نکت را و مبتنی بلجھائی زمیندار فی مقلعه لوکاپلی بیسلی
یک روپیہ اجاره دارد - راجه رام کشن ریڈی زمیندار مقلعه شکور تمہد یک یک

شصت هزار روپیه دارد - کورتا را و جلالت را و زمینداران ایگندل سابق پنج کله روپیه
 داشتند همه جلالت را و رجوع و گوناوارا و چندی معندی داشت در سالگرمی که گوناوارا و
 معرفت را کف صاحب رجوع نند لیکن تعلقه اش سپهر را جیسر را و دیپا ندیه مانگند و در اول
 بطور تحقیق داری کردند - کیفیت نظامت یلچو از ابتدا ۱۱۸۴ فصلی محمد اسمعیل خان مرحوم
 بر نیابت صوبه مذکور بودند بعد مرحوم مذکور بر بان الدوله در ۱۱۸۵ فصلی مامور شدند و
 محمد صلابت خان بهادر در ۱۱۹۴ فصلی و بعد از آن نظام نواز جنگ در ۱۱۹۹ فصلی محمد
 خان در ۱۲۰۱ فصلی و بعد از آن گنگا رام تران در ۱۲۰۱ فصلی بعد از آن بهیت رام متونی در ۱۲۰۲
 شد و از ۱۲۰۳ فصلی بر اجه گو بند بخش بهادر نیابت صوبه مذکور شد چنانچه شخصی نظر
 راجه نرما ۱۳۳۲ کلف در اینجا مامور بود - کیفیت منصبداران و آسانی جاگیر داران نقدی تعین
 پته آنها - کیفیت منصب خواجه اسد الله خان بهادر پسر خواجه هدایت الله خان مرحوم که چند
 قلعہ داری کلرگه نموده بودند این خواجه عبدالرحمن خان بهادر لشکر جنگ اعتقاد لدو پیش
 از چهل و پنج سال از حضرت مغفرت مآب بهمه منصب سرفراز سید نور الحسن خان ولد میر
 سعادت علی خان بهادر سید یار جنگ ابن میر بابا متینی جبارت الدوله پیش از چهل سال
 بمنصب سرفراز راجه اشوارا و زمیندار پالو پنجه منصب از حضو عالمگیر بادشاه داشت
 و در بطریق پیشکش داخل میکرد و راجه و نکث تران ریڈی زمیندار جوگیر زمینداری خطاب
 از سرکار آصفیاه میداشت سکندر قلینان خان زاد سرکار داروغه تمام خدمتگاران خاداران
 جویش که قریب یکصد پنجاه جشی اند و جویشان مذکور متعین ایگندل اند و سوا
 آن در نگه داشت حال یکصد بارگیر از حضو عنایت شده حکیم بنده علیخان با ننده هند
 از سفارش جعفر یار جنگ بحضو بر نور ملازم اند در نیو لایکصد بارگیر در نگه داشت ۱۲۳۰
 عنایت فرموده اند شاکر بیگ و واحد بیگ هم غیره زاده اسد نواز جنگ و جعفر یار جنگ
 از حضو بر نور بدار و علی کتا بخانه سرفراز اند وزیر علی از پنجاه نفر هر کاره بر است اخبار
 امرایان و منصبداران و مقصدیان اهل دربار مامور است و در روز شب اخبار دربار
 راجه چند و صل بهادر و تمام بلده در حضو میگزارند و سابق از طرف سکندر یار جنگ در

هر کار با نامور بود در نیولا از نگه داشت ۱۲۳۱ سپهری یکصد بار غایت نشد بود و بتایخ سکا
 محرم ۱۲۳۸ هجری چونکه وزیر علی مهدوی بود و محمد روشن برادرش بمقتد مهدویان از دست
 نیاز بها در خان کشته شد عبدالبی خان جمعدار تمامی خدمتگاران داروغه عمارت حصار بود
 محمد حسین را موافقت گنجانه از وقت مرشد زادگی بند گاناهی حال نامور است کریم بیگ خان از سلخ خانه
 و داروغگی خدمتگاران سرفراز عطا بیگ خان از امور آیدار خانه سرکار عالی اعتبار تمام
 دارد و بهادر علیخان داروغه عمارت از وقت مرشد زادگی حاضر میباشند قاسم بیگ خان
 شهریار جنگ از داروغگی قلیخانه داریکصد بار گیر سرفراز میر عبدالمهدی خان داروغه باو چنان
 سید جعفر حسین خان فرزندش امورات سرکار سرانجام مید بد سید نفرت خان داروغه
 هر کار با حاکم جنگ همیشه زاده میر موسی خان مرحوم قوت جنگ پسر احمد میر خان مرحوم
 همیشه زاده احسن الدوله قلندر خان مرحوم مخاطب به قطب الدوله حیدر ولد معین الدوله
 حیدر جنگ مرحوم محمد لودی خان پسر محمد لودی خان علامل خان پسر شیخ حضرت ثابت
 خان ولد بهادر علی خان نبیره نضر الدوله جدا افتاد الملک میر ضیاء الدین کیتقار جنگ غیش
 رفعت الملک بهادر مرحوم نصیب یار جنگ پسر نضر الدوله سمیت جنگ ولد خواجه عبد الرشید
 خان مرحوم ابن عیوض مرحوم سلطان فادر خان مخاطب به قاهر جنگ وای خراسان نبیره سید
 داود منتظم الدوله اقربائے غلام سید خان مرحوم نامور جنگ برادر رب تی فخر الامراء بهادر
 سرفراز الدوله بهادر ولد محمد حیات خان مرحوم همیشه زاده ابوالفتح خان مرحوم ملک بنه جنگ
 اقربائے غلام سید خان مرحوم سمیت یار جنگ نبیره معتمد الملک سمیت یار خان مرحوم
 امام الملک برادر رب تی ابوالفتح خان مرحوم نبی خمس الامراء مرحوم بنده علی خان پسر
 اعظم الملک مرحوم راجه بالکنده مقصدی میر ابوالقاسم خان مرحوم منو جنگ پسر احسن الدوله
 راجه اندر را و سینا بی مقصدی راجه راجعند بهادر الدوله شجاع الملک سمیت و دوم و سمیر
 ۱۲۵۰ انتقال نمود سید عبد الرحیم پسر سید نجیب الله خان سنور و سیل سنگه پسر راجه
 جوده سنگه قند بار و الفتع علیخان پسر موسوی خان منشی منفرت آب امرت را و
 چهره پسر بلونت را و پختریف جایگه دار قدیم بچهل داس لدر تاب دنت نبیره

بشمل نند بهادر المہام غفر اناب کہ مد جنگ را کس چون کشته شد راجہ جلد پورا و پسر
 کیان را و افرامے دولت را و نند بہیہ میر حید خان پسر خراب جنگ اقر با رفت الملک بہا
 رضا علیخان بہادر برادر زادہ انجم الملک بہادر در رقیق جنگ آدر وہ غلام سید خان
 مرحوم راجہ ماننگہ را و صاحبہ جاگیر دارنہ قدیم برار ا بنا پور والہ رکھیت را و پسر او و پسر
 برادر زادہ کیشوہ او وکیل سہو سلہ محمد عا جم خان جاگیر دار قدیم برار علی اکبر خا طب صغریا جنگ
 بہادر پسر مقام جنگ موم کہ در کشتن حید جنگ شریک بود امیر الدین علی خان برادر
 اصغر علیخان عبدال مصطفی جاگیر دار قدیم و کھن میر محمد صالح خان نصیرہ اعتصام الملک
 قشور جنگ از مرایان عہد غفر اناب میر عبدالقادر خان با خندہ جتہ بنیاد از قربان
 عبدالحی خان صمصام الملک در وقت صلابت جنگ مرحوم از خطاب سرفراز شدہ
 بود مرد قابل و دیرینہ ولیاقت و سنجیدہ گی دارندہ والد فرخ علیخان منظم الدولہ معروف
 محمد صاحب و نواب بیگم اہلیہ غلام سید خان مرحوم ہر دو قربت برادری میداشتند
 چنانچہ احوال در کیفیت غلام سید خان مرحوم در صدر رگزشت الحال در سرکار مقررات
 میرانی بخش خان مرتضی یا جنگ اول بزمہ بارگی پی پیش رہا شیوریدی نوکر شدہ
 بعد از ان با چند سوار اعتبار پیدا کرد و قیتکہ سدا شیوریدی امیر شد فوج متفرق گردید
 میر مسطور مع سواران بہ پونہ رفتہ در سرکار غلام سید خان مرحوم نوکر شد بہر سیدن
 خان مرحوم بہ حضور نامبرہ بہ خطاب و منصب و جاگیر امتیاز یافت الحال در مملکت
 راجہ گوہند بخش بہادر بہر کردگی جمعیت سواران بودہ در متابعت صاحبان انگریز
 بہادر حاضر است نثار جنگ پسر کلان مقبول علیخان مرحوم کہ در وقت غفران اناب
 غرض بیگی داشت میر ضیاء الدین کیقباد جنگ خویش زور آور جنگ مرحوم
 پدر رفت الملک بہادر در بلدہ بہ حوالی بہادر مفر سکونت دارند میر فجا عت
 خان مخاطب بہ منو جنگ چیزے قربت از حضور دارند مرحوم مسطور حشر پورہ
 ضیاء الملک بہادر غرض بیگی و جدیہ محلی بیگم دختر غفران اناب ہمتا ز الیہ منسوب
 و مرحوم مسطور سہ برادر یک بہادر علیخان و دو بیگی یکہ تاز جنگ بہادر قلعدا بیدر

سوی منو جنگ مسطور خلف یک تاز جنگ مرحوم حسینی میان عرض بیگی میر عالم مغفور
 خطاب حسین یا در جنگ دارد و با جعفر یار جنگ قرابت و سبب قرض خوانان افغان
 رویش شده در نواح قلعه بر نیل بود حالا بسفارش جعفر یار جنگ باز به حید آباد رسیده
 مخفی سکونت دارد و غلام حسین خان والد فخر الامرا بهادر مرحوم هر دو یک مادری بودند
 از غلام حسین خان غلام امام خان اعتراف جنگ امام الملك تولد شدند سپس الامرا
 در فرزندی خود گرفتند میر عبد الله خان بهادر نصیب یار جنگ منصبدار قدیم و فرزند
 مظفر الدوله و برادر افتخار الملك بهادر بخشی بادشاهی اند مظفر الدوله عموی افتخار الملك
 بودند فیما بین حیات الله خان و سپس الامرا مرحوم قرابت برادریت و از حیات الله
 خان سر فرزند الدوله تولد شدند و از سر فرزند الدوله سه فرزند و سه فرزند دیگر از حرم
 خواهر میان و جوجو میان غلام حسین خان بهادر بهادر الدوله در سر کار بابت جنگ مرحوم
 ملانم بودند در حضور هند گانهای معرفت محمد امین خان عرب ملازم نمودند از جاگیرات
 در اولاد یک دختر دارند که از عابد یار جنگ شادی شده است بهر الدوله اقربان
 غلام سید خان مرحوم در وقت دیوانی از خطاب و جاگیرات سر فرزند شده اند باشند و همچنین
 دو فرزند بهر الدوله حاضر اند نامور جنگ فرزند میر سادات داماد کلان خان الحمال
 اولاد و غیره هیچ نیست شادی نامور جنگ از بسیار بیگم صبیبه کانی بیگم فیده بود میرضا
 علی خان برادر زاده نجم الملك بهادر فرزند علا و الدوله مرحوم اند سه فرزند ایشان
 حاضر میرضا علی خان در آذرنگ آباد اند کیفیت جاگیر داران تقدیم عبدالعظیم
 پسر میر جنگ اقربان حضور از جاگیر سر فرزند دولت خان در عهد
 سطو جاہ از جاگیر سر فرزند شد بمثل محمد خان خدمت گار ار سطو جاہ بهادر
 در مدار الهائی مقرر از جاگیر سر فرزند شد بقول محمد خان در محل صلابت جنگ
 مرحوم وار و عه باور چنان بود اولادش از سر رشته قدیم جاگیر منخورند نظر بهادر
 فرزند خان جهان خان وار و عه فرانش خانه حضور پر نور از جاگیر سر فرزند است
 محمد علی خان فرزند مسعود خان فغانه زاد حضور از جاگیر سر فرزند است پسر و ملا در جنگ بهادر

از جاگیر سرفراز است محمد عظمت خان اقربائے لودی ہی خان در عمل لدوله از جاگیر سرفراز
 گردید نظام منو خان دکھی از قدیم جاگیر دار است محب الله خان و غیره فرزند فیض الله
 خان خانه زاد حصو مبارک النساء خانم داشت معالی میان فرزند ارسلو جواد مرحوم از جاگیر
 سرفراز است نامدار خان پسر سرت خان اقربائے لودی ہی خان از جاگیر سرفراز
 ست محمد صوفی مرزا خان برادر زاده دواماد نوازش علی خان که همراه مبارز خان مد
 بودند - مستی خان - مستی خان همیدار پیشه از عمل رکن الدوله از جاگیر مفتاح حاصل
 کرده عبدالحسین و منو خان دکھی جاگیر دار قدیم میر مظفر علی خان پسر کمال الدین
 حسین خان برادر صدر نواز جنگ از جاگیر سرفراز - حاجه عبد الله خان و غیره پسر
 خواجه حکم باقر خان از جاگیر سرفراز - شیخ منو خان و غیره فرزندان دے منو خان
 دکھی جاگیر دار قدیم شیخ نعمت الله خان برادر زاده فتح مست خان مرحوم قلعدار قلعه گوگند
 رومی خان در عمل تبا لت جنگ مرحوم از جاگیر سرفراز شده بعد انتقال اوستان
 فرزندانش به خطاب و جاگیر سرفراز گردیدند اوشان انتقال کردند عنسلام عباس
 خان فرزند به جاگیر سرفراز حاضر است مرزا سعادت علی استر بائے سلار جنگ
 مرحوم نام والدش شیر بیگ خان مرحوم بشیر کت ظفر یار بیگ خان غنوارش جاگیر
 میخورند حرات جنگ ماموی رفعت الملک میر کلان میر حیدر خان پسر اوشان به خطاب
 مذکور و جاگیر سرفراز است اسد الله و غیره پسران النور جنگ مرحوم ولد مختار جنگ
 مرحوم داروغه باور بیچانه حصو به جاگیر ذات پدری سرفراز اند غلام بی خان از قدیم
 جاگیر میخورند محمد فایق خان و غیره فرزندان آصف نواز خان مرحوم اقربائے شهبانو
 خان و قادر نواز خان استر بائے عزت یار خان حکیم فرزندان سید حسن خان
 جاگیر دار قدیم اند و موضع کیسراور جاگیر مقرر است صادق علیخان حکیم
 برادر حکیم محمد خان از دو خانه حصو از قدیم معمور داؤد خان پسر حاجی خان سابق
 همیدار بودند و تنخواه خود در سرکار نذرانہ داده جاگیر گرفتند بعد انتقال
 حاجی خان بنام داؤد خان جاگیر از سرکار بحال شد فقیر الله بیگ خان و غیره

پسران فتح‌الدین خان و غیره از قدیم به جاگیر سرفراز اند جعفر علی خان پسر غیاث
 الدوله کو قوال بلده اقربائے میر ابوالقاسم از باعث قرابت میر صاحب
 از چند دیهات بمنوان تهتد سرفراز جاگیر قدیم میدارند میر کاظم علیخان اقربائے
 بخشی الملک از جاگیر سرفراز مراد یاب خان فرزند لشکر جنگ بهادر از قلعه‌داری
 قلعه رام‌گیر سرفراز اند فضل علی خان پسر مختار جنگ جاگیر دار قدیم از داروغگی
 باندان حضور علاقه شمس‌الامراء بهادر سرفراز اند مظفر علی خان برادر امیر الدوله
 خانسانان حضور پر نور از جاگیر سرفراز اند ولی چند جنس پوره راجه چند و عمل بهادر
 و رینولا از جاگیر سرفراز شده میر غلام حنیخان از دختر شمشیر جنگ شادوی خند بود از
 جاگیر سرفراز میر واحد علی یا در الدوله از جاگیر سرفراز شده علی منصور خان
 پسر مقرب خان و کهنی جاگیر دار قدیم مرزا مهدیخان برادر جاگیر یار جنگ پسر
 سزدار الملک بهادر شهنشاده بیگم دختر بهادر مرحوم است از جاگیر سرفراز و شادوی بیگم
 مسطور از فرزند اشرف الدوله شده است محمد منصور خان از قدیم ده صد سوار
 نقدی ملازم بودند و قتیکه غلام سید خان مرحوم در پونه رفتند همراه بودند بعد معاود
 پونه مرحوم مسطور عوض نگه داشت سواران و جاگیر ذات قلعه سرفراز گنایند چند
 علی پسر محمد رضا خان اقربائے غنی یار خان از جاگیر سرفراز و از شمشیر علی خان فرزند
 نصیب یار خان و قدار الدوله از در ماهه سرفراز اند صاحب ابلیس سزدار الملک
 بهادر و سزدار خان برادر زاده سزدار الملک بهادر از جاگیر سرفراز شاد
 مرشد قلینان قلعه اریادگیر بنیره شهر یار جنگ مرحوم منصبدار بادشاهی غلام حسن
 خان جاگیر دار قدیم علاءول خان بهادر و محمدار پیشه در عمل اسطو جاها از جاگیر سرفراز
 بوده اند بهادر مذکور انتقال کردند محمد ابراهیم خان فرزند او نشان حاضر اند میر
 نعمان خان جاگیر دار قدیم بهادر مذکور انتقال کردند میر اسد الله خان فرزند او نشان
 حاضر قرابت از ضیاء الملک و رفعت الملک میدارند محمد اعظم خان و عظیم الدین
 خان فرزندان اسمعیل یار جنگ منشی از جاگیر سرفراز - میر کرم علی

پسر حاکم جنگ اقبائے میر موسی خان رکن الدوله مرحوم از جاگیر سرفراز انداز عرصه چند روز
 منصوب الدوله جاگیر اینها بر بردستی در قفنه خود آورده میخورند حیات علیخان پسر نرسیده
 ترین از سرفراز بیگ منکوه از بطوجاه مرحوم قربت میدارند بسبب قربت از جاگیر سرفراز
 رضا بیگ خان فرزند بهادر بیگ جاگیر از قدیم به انتقال کامل علیخان از خاسمانی بلو
 و دار و علی غارت هم سرفراز به نقان یا رخان دار و غده به کاره حضور بر روز بودند فلان مذکور
 انتقال کرد نقان دار و غیره متعلقان از جاگیر سرفراز اسعد علیخان ولد شیر علیخان اقبائے
 بے نظیر جنگ از قدیم جاگیر دار اند محمد شجاعت الله خان بنیره محمد طاهر خان از جاگیر سرفراز
 رسم علی خان پسر نظیر علی خان برادر سلطان علی خان مرحوم که سابق دار و غده فرشتخان حضور
 بود احوال اولادشان از جاگیر سرفراز میر عبدالحی خان و غیره فرزندان محمد علی خان مرحوم
 مخاطب بهمن جنگ برادر قوام الدوله اقبائے مصمصام الملک مرحوم از جاگیر سرفراز
 میر دوست علی خان پسر شخی الملک از جاگیر سرفراز ولایت علیخان اقبائے بنظر جنگ
 از جاگیر سرفراز میر مفران خان برادر یک تاز جنگ اقبائے ضیاء الملک بهادر از جاگیر
 سرفراز - سید حنیف درویش از جاگیر سرفراز میر اسد علیخان و بهادر علی خان اقبائے
 سزاوار الملک از قدیم جاگیر میدارند میر حسام الدین پسر عباد الله خان ساکن ناندیر
 رفیق شمس الامراء مرحوم از جاگیر سرفراز محمد حیات الله پسر حبیب الله خان در زفاقت
 شمس الامراء جاگیر میدارند ظهیر الدین خان پسر خواجه دایم خان علاقه گرد دولتخانه حضور
 جاگیر دار قدیم میر بهایت علی و میر فدای علی اقبائے جهانگیر یار جنگ از جاگیر سرفراز
 صل پسر بیرل کبیشتر یعنی شاعر بندی از جاگیر سرفراز میرادی اقبائے سزاوار الملک
 بهادر جاگیر دار قدیم - قادی بیگ المیه نجف علیخان مرحوم از جاگیر شوهر خود سرفراز بنیان
 اعلام میر حسام الدین علی و غیره پسران صفدر علی خان اقبائے جهانگیر یار جنگ
 بهادر از جاگیر سرفراز شاه امیر الله فرزند رضا صاحب پیرزاده از جاگیر سرفراز -
 نجیب النساء بیگ المیه سلیمان علی از جاگیر شوهر خود سرفراز محمد احسن الله خان اقبائے
 سزاوار الملک از جاگیر سرفراز میر اولاد علی خان جمعیت طالب خان اقبائے

صمصام الملک بہادر مرحوم از جاگیر سرفراز خواجہ محمد جاگیر دار قدیم از ارث والد خود جاگیر
 سرفراز - عبد الرحیم اقربائے محمد عظیم خان مرحوم از جاگیر سرفراز غلام سجاد پیرزادہ جاگیر
 بنوان انعام از سرکار مقرر - حبیب اللہ خان در عمل غنم الامراء از جاگیر سرفراز شدہ
 خواجہ محمد خان پسر خواجہ ابوالبرکات خان جاگیر دار قدیم سید عبد الرحیم پسر سید نجف خان
 جاگیر دار قدیم در برابر اقربائے افسر الدولہ بہادر راجہ جی لعل برادر راجہ ہنومل متونی
 مخاطب بہ راجہ اندروت کہ سابق در رفاقت غلام سید خان مرحوم تحصیل داری تعلقات
 اجرا بود راجہ روشن رائے گماشتہ متونی بود بیاس راجہ اندروت متونی راجہ جی لعل مسلہ
 دار و میر سرفراز علی وغیرہ فرزندان سکن الدولہ جاگیر دار صوبہ اورنگ آباد در
 عمل راجہ چند و مسل بہادر سرفراز شدہ میر عالم علیخان وغیرہ در برابر جاگیر دار قدیم راجہ
 بالکنند مقصدی خانگی میر ابوالقاسم خان مرحوم - الحال پیشکار خانشامانی میر الملک بہادر
 آدم متدین بالجہ کہ در فرد جاگیرات بجایگاہات ہفت ہزار و نہصد و نود و پوہ سرفراز تحصیل
 تعلقہ گدوال و شوراپور و امور رائے بالجند برادرزادہ راجہ بالکنند علیحدہ است ہمین
 دو اسم رائے بالجند مشہر - فضل بن نجم در تفصیل تعلقہ جات -

تعلقہ پٹن چر و سپر دھن علیخان بہادر پسر
 طالب الدولہ مرحوم -

تعلقہ ناندیر پسر کرار نواز خان بہادر
 تعلقہ ویگلور و ساربار پسر گوری شنکر
 اقربائے راجہ پنڈو پرشاد
 تعلقہ توپران پسر دنانگ چندر
 تعلقہ بیگل پسر میر موسی خان پسر
 اشرف الدولہ مرحوم -

تعلقہ نزل پسر دراجہ بھو چرل -
 تعلقہ اندرو بوڈن پسر دکرار نواز خان
 تعلقہ بالنواڑہ پسر دسرن دھرا و اقربائے
 راجہ رکھو تم را و متونی
 تعلقہ میدک پسر دمرار را و

- تعلقہ بیدر سپرد خلیل اللہ خان - تعلقہ دہنا سہری سپرد خان محمد چوہدر علاقہ -
 مردہ طاہر ملخان -
 تعلقہ کوہیر سپرد مہین محل وابستہ راجہ جھوپا پٹنا - تعلقہ چھوٹی سپرد راجہ سکھو راؤ -
 تعلقہ ایکنندل وغیرہ محلات علاقہ کونا راؤ - تعلقہ ورنگل سپرد غلام محمد خان وابستہ -
 زمیندار سپرد راجہ میر راؤ دیپ پانڈیہ مانا - محمد عدر دوس خان بہادر عرب تعلقہ پاکٹور
 کند وروالہ بطور تحصیل داری -
 تعلقہ کاکرنی عرف گرٹھکال سپرد راجہ - تعلقہ امرچیتہ سپرد راجہ بالچند برادر راجہ
 بالچند لد موپور -
 تعلقہ اٹکو سپرد زمینداران تعلقہ مسطور - تعلقہ کمار پٹی سپرد احمد یار خان سپرد محلوٹنگ
 تعلقہ اونچہ سپرد رائے بالچند - تعلقہ سکور وٹنگور سپرد سوامی رام کشن راؤ
 تعلقہ ٹنگنڈہ و دیور کندہ سپرد حیدر خان - زمیندار تعلقہ مسطور -
 علاقہ منصور خان مرحوم - تعلقہ نرائن پور سپرد راجہ نیپال پٹنایک رائے و متوفی
 تعلقہ کیم مٹھ سپرد نادر خان بہادر دلاور خان - تعلقہ راجپور سپرد محمد عدر دوس خان بہادر عرب
 عرض بیگی سرکار راجہ ہاراج چند محل بہادر -
 تعلقہ کجول سپرد راجہ او مار پٹی تحصیلدار - تعلقہ دھوار ورنلہ رکڑ گرا نوار خان
 بنام راجہ رگناتھ داس چودھری جیسی حضور -
 تعلقہ مکڑی سپرد کرار نواز خان - تعلقہ دھوار ورنلہ رکڑ گرا نوار خان
 تعلقہ باغیت بلدہ فرخندہ بنیاد حیدر آباد -
 مع باغات اندرون قلعہ محمد نگر سپرد -
 رائے امرت رائے -
 تعلقہ ٹیکمال سپرد اسماعیل خان بخشی رسالدار - پرگنہ بیلوا جوکل سپرد راجہ مادھو راؤ
 جوانان باد علاقہ غیر الملک بہادر - قزاقی راجہ رکھوتم راؤ متوفی
 تعلقہ کوٹیکنڈہ وغیرہ محلات سپرد نڈان پٹنا خان مرحوم - تعلقہ کلیاک وندی کندہ سپرد سید غوث خان

حالا بعد انتقال مرحوم مسطور بنام مرزا - پسر بهرام الدوله مرحوم -

امان الله خان فرزند نیاز بهادر خان که

در حیات خود طفلک گدام مغل را در فرزند بی -

گرفته پرورشش کرده بدستور بحال -

تعلقه نسبت دپیتر و غیره محالات به دراست - تعلقه مدبول پسر و راجه جگت سنگه سمدی

چو ششم محل برادر راجه بیرجانبان - راجه چند و محل بهادر

تعلقه لاولر سرادپون پسر و میر عاشق حسین - صوبه نجفته بنیاد و برادر راجه گو بند بخش بهادر

تعلقه اران در صوبیات مذکور از طرف

راج صاحب مذکور تعلق دارد -

کیفیت جائیلات در تنخواه جمعیت از صوبه فرخنده بنیاد و نجفته بنیاد و صوبه بیجاپور -

لوحه

المالوسه

۱۳

از صوبه فرخنده بنیاد حیدرآباد -

ص

ص

از برگنه نارائن کنده و غیره علاقه پایگاه خاص فیض الملک بهادر

در تعلقه شمس الامراء بهادر

سارم

محمد منصور خان بهادر برگنه ساتوبی

راکدام سنگه از برگنه حویلی کولاس

لوحه

داد در جنگ از برگنه قندار حال بنام اشرف جنگ

لوحه

کنور لمبن سنگه

عم

محمد خان لوبانی پرگنہ کولاس -

محمد علیخان لوبانی از پرگنہ کولاس -

لما ع

لما ع

اشرف جنگ از پرگنہ کوبن

شاه یار الملک بہادر از پرگنہ ٹانڈ و رچتیا پور

اعصام

اعصام

میر دلاور پسر سلطان میان از پرگنہ کندل

راجہ امانت دت بہادر از پرگنہ حویلی کولاس

تاسے

تاسے

ناگر کرنول پرگنہ اونچہ و چنڑہ در تنخواہ جمعیت نوزالامرا

سے نک

از صوبہ محمد آباد سیدر -

لوع

لوع

پرگنہ ٹیلور و غیرہ جاگیر خاص -

رئیس الملک سیلخان خان بہادر از پرگنہ اندوہ

لوع

لوع

اکبر جاہ بہادر از پرگنہ دھانورد مد کھڑ و غیرہ -

جہاندار جاہ بہادر لوبارہ و غیرہ معالہ پرگنہ

از سرکار ایضاً لگان

لوع

لوع

شہباز الملک بہادر از پرگنہ چنگوہ و غیرہ -

سید دلاور علیخان بہادر از پرگنہ حویلی فیروزنگر

لوع

لوع

نورالملک بهادر از پرگنه امر خفته و مقتول و غیره - راجه امانت دنت از پرگنه کودنچی سرکار میر مظفر جنگ

سرمایه

نگان
سرمایه

کھانده را و پلیم از پرگنه کوٹ سرکار نانڈیر - اشرف جنگ بهادر از پرگنه مدکل سرکار ایضا

سرمایه

سرمایه

حافظ یار جنگ بهادر از پرگنه کودکر سرکار ایضا

محمد سجان خان بهادر چٹکوٹ و غیره سرکار نانڈیر

سرمایه

نگان
سرمایه

راجه امجد بهادر از پرگنه تم سرکار نانڈیر

کونست راجه بیگل از پرگنه کوه گانون سرکار نانڈیر

سرمایه

سرمایه

در جاگیر لایکاه قلعه شمس الامراء بهادر از پرگنه
بهاکلی و من آباد و غیره -

سرمایه

سرمایه

از صوبه جنته بنیا داوڑنگ آباد

ریس الملک سلیمان جاه بهادر از پرگنه

سرمایه

غازی الملک بهادر از پرگنه عیلمی و حاروط

سرمایه

سکنه رالدوله بهادر از پرگنه مومندی سرکار مد آباد - رفیق یادو جنگ از پرگنه سرسپاور سرکار ایضا

سرمایه

سرمایه

در نیلاد سنگه جنگ

میرالمی بخش خان بهادر از سرکار دولت آباد راجه راؤرنجها بهادر از پرگنه برنٹا

لنگان
لالو عیسو
۱۵۱

لالو عیسو
۱۵۱

محمد عظیم خان بهادر از پرگنه بند روپ کار موپو : نازا این راؤ بسونت راؤ از پرگنه کا پٹی سر برنٹا

لالو عیسو
۱۵۱

لالو عیسو
۱۵۱

راجہ جنارون راؤ از سرکار دھار و در پرگنه جهانگیر یار جنگ بهادر پسر نروار الملک بهادر روپ پند و چنگای دهری - سر خنجنه از پروناپور سرکار دھار -

میرالمی بخش
۱۵۱

میرالمی بخش
۱۵۱

سبحان راؤ نقبه ربهاپور سرکار دھار و راجه جگدیو راؤ پسر گکیان راؤ

لالو عیسو
۱۵۱

لالو عیسو
۱۵۱

محمد سبحان خان بهادر سوار پرگنه لوپور سرکار جانه محمد عظیم خان از پرگنه کا پٹی سرکار برنٹا در سرکار احمد نگر -

لنگان

لالو عیسو
۱۵۱

لالو عیسو
۱۵۱

راجہ امانت و ننت بهادر از سرکار دولت مدار داور علیخان از سرکار دولت آباد -

لالو عیسو
۱۵۱

لالو عیسو
۱۵۱

رفت الملک بهادر از پرگنه سینو ده سرکار ایضا

لالو عیسو
۱۵۱

وز صوبه داران الطغری بجای پور

ملک
ملک
ملک

پر گنه الیو در جائیر شبباز الدوله بهادر

را بچور و غیره مرشد زاده

ملک

کوپل و بهادر بنده در جمعیت سعد الله خان پور

ملک

جہاندار جاہ بہادر -

ملک
ملک
ملک

پر گنه الیو و کوچی

ملک
ملک
ملک

در کیفیت قلعجات علاقه ریاست آصفیہ

قلعه کوکندہ سپہر در حکیم خان قلعہ دار - قلعه او دیگر سپہر و جائیر یار جنگ

حصار بیرون کہ واقع است در آن مشیتا و چهار برج ہر برج کلان دو ضرب و سہ ضرب

برج کوچک یک ضرب و نیز مشیت در واہ منصوب مشرق روی فتح در واہ و مسوتی در واہ

شمال رویہ جمال الدین در واہ و بنجاری در واہ غرب رویہ پٹن چرو در واہ و کمی در واہ

جنوب رویہ بدویل در واہ و بمبئی در واہ و بمبئی در واہ و سد و دو در واہ

کمی مشرق رویہ دو بمبئی شمال رویہ جانب در گاہ حسین شاہ ولی بر آید و رفت کشادہ

بیرون حصار یک خندق اندرون قلعه خندق دیگر نیست و سمت تالاب مغفرت تاب سو

فصیل قدم فصیل دیگر مع برج کلان تیار کنایہ اند کہ بسبب کسل کہ رو بروی فصیل قدیم

تباحث معلوم میشد و در میان فصیل قدیم و جدید باغ نیز تیار ساخته اند و بالا حصار گشت و نگاہ

بدست آورد و ضرب بر پنج کلان و بر پنج خرد و کی ضرب مغفرت مآب یک فقیل و دیگر بفاصله تیراب
تیر بر بهائی بر دوج متصل باغ مذکور بر لب خندق تیار کرده اند و عقب بالا حصان نیز یک فقیل دیگر
بفاصله دو تیر مآب تیر بر لب خندق تیار گشته اند و سوائے خندق معمولی خندق دیگر را گوشه
پنج سنگ نمندی تا در وازه بدو واقع است -

قلعه بلیگر سپرد قلندر حسین خان سپهر برهان الدین - قلعه بلیگر سپرد میر اسمعیل سپهر شیدالدوله بهادر
قلندر خان که از قدیم الایام بموجب اسناد - منشی حضور پر نور
بادشاهی سرفرازند -

سماعه

عصاره

قلعه پر بند اسپر وحید الدوله بهادر اعظم - قلعه دولت آباد سپهر در شیدالدوله بهادر منشی

منشی حضور

منشی

قلعه دهار و سپهر دکرانوار خان عرف دوله خان - قلعه تزل سپهر و راجه بھوچر مل

منشی

منشی

قلعه بهاتره سپهر ابراهیم علیخان سپهر اعظم الملک - قلعه دیور گنده سپهر و سپهر کلان بهادر الدوله مرحوم

منشی مرحوم

منشی

قلعه ارام گیر سپهر و حسام الملک بهادر - قلعه ایکنندل سپهر و بر دست خان بهادر سپهر

خان جهان خان مرحوم داروغه فراسیچان - قلعه قرخنگر سپهر و علاء الدین راجه بالا پرود

فرزند راجه چند و وصل بهادر - قلعه قلعہ گندمه سپهر و دمت یار جنگ -

قلعه سال باری سپهر میر الف خان غیر اعظم الملک - قلعه یادگیر عرف الگیر سپهر و مرشد علیخان ولد

مرحوم سپهر دلاور علیخان مرحوم - رستم علیخان مرشد علیخان بهشتی زاده -
شهباز الملک بهادر و غیره شهر یار جنگ اند - قلعه گلستان سپهر حسن علیخان بهادر و طلب الدوله

قلعه درنگل سپهر و عباس یار جنگ قلعه مذکور

در میدان و فیصل و بن سنگین از کار چونه
 مستحکم یکن ویرانی بر وجه اتم و خندق از قدیم
 عمیق بود و بعضی جا پر گردیده و بعضی جا عمیق
 و فیصل مرمت طلب و از ضرب که بر بروج
 تعبیه کرده اند ناکاره و تحتها شکسته افتاد و اند
 و برای خرج احتیاج دو موضع چهار هزار
 روپیة وصول خام مقرر است بافضل پنجاه
 جوان قلعه دار برای احتیاط میدارد -

قلعه کولاس سپردکنورین سنگه پسر راجه پند
 قلعه کنگری سپرد حسام الملک بهادر -

قلعه بهم سپرد ضرام الدوله بن نظیر جنگ بهادر
 قلعه قندار سپرد گلاب سنگه پسر راجه
 به سنگه متونی -

قلعه پانگل سپرد نظیر بهادر خان پسر خانبه
 مرحوم فاروقه فرشته خا نه حضور -

قلعه بیدر سپرد فیصل شاه خان بهادر

قلعه راجه سپرد عدروس خان بهادر
 قلعه کلیانی سپرد ایتیار الدوله بهادر پسر راجه
 قلعه ایچیو بطور گدای شش سرج و دو
 دروازه یک شکسته و دویمی رت دیوار
 و بروج از گل و حشت کار چونه و سنگ بگل
 نیست و دیوارها جایجا شکسته و خندق هم
 و قلعه را به پچور در قلعه کور میماند بافضل

قلعه کول بهادر بنده سپرد عدروس خان بهادر
 قلعه کنگری سپرد محمد صاحب پسر سلطان مین
 قلعه ملکده و کویلیکده بنا بر کفایت سه بندی
 تقوینش عالمان قلعه در موقوف و عالمان
 در میان قلعه سکونت دارند -

سپرد صلابت خان یک کروڑ

عبد
 پیر

فصل مقرر در شرع جایز داران دات و جمعیت
 یک کروڑ یک

نواب نیر الملک بہادر۔ نگان

شمس الامراء بہادر۔

عصاف

صہارن پور

رات لگان

دات

جمہوریت

جمیعت

فوات مکان

یو امانو

ملفوظات مولانا

عالم

لوعلى
سماوعلى

سیف جنگ عن ذات

ایمن الملک بہادر۔ لگان

رمضان المبارک

۱۰

ذات

جمعیت لگان

مختار الامم ابداد عن ذات لگان

والا جاء مرعوم عن ذات

عمر

مولانا

راجہ شیام راج پیرسادر

راجندر عن ذات

موسمیک لکچر

رسول کا مہر

ذات

جمعیت

عبد کمال

بسم الله الرحمن الرحيم

راجہ راؤ رجفہ

حامی الملک جہادور - لگان

للمرسل
موصي

دو مک
ط

21

معمت

ذات

جمعیت

وَصَلَّى

۱۱

روایات صحیح

عالمی

بهرام الملک بهادر

لؤلؤ لؤلؤ

افتخار الملک بهادر عن ذات

امال لؤلؤ

ذات
جمعیت
لؤلؤ
لؤلؤ
رشد الدوله عن ذات -

سما و ع

رفت الملک بهادر

لؤلؤ

ذات
جمعیت
لؤلؤ
لؤلؤ

سکنه الدوله بهادر
لؤلؤ

افسر الدوله بهادر
لؤلؤ

ذات
جمعیت
لؤلؤ
لؤلؤ

ذات
جمعیت
لؤلؤ
لؤلؤ

محمد صلابت خان بهادر

لؤلؤ

فتح جنگ خان بهادر عن ذات

ع

ذات
جمعیت
لؤلؤ
لؤلؤ

غلام حسین خان غیرہ پسران فتح جنگ خان بہادر محمد سبحان خان بہادر

محمد
ذات
جمعیت
راہ
راہ

نیاض علیخان بہادر پسر سبحان خان بہادر عن ذات - شہام راو - عن ذات

محمد علی

محمد خالق خان غیرہ پسران آصف نواز خان موم عن ذات - راجہ روپ سن پسر بہار ل متوفی عن ذات

محمد
محمد ابراہیم خان عن ذات

امیر الدولہ بہادر موم پسران عن ذات

اسد علی خان پسر شیر علیخان

خواجہ امیر الدین خان وغیرہ پسران قلندر خان موم

اسد اللہ وغیرہ پسران انور جنگ

میر اسد اللہ خان وغیرہ پسران میر نمان خان موم

صبا والدولہ بہادر

عظیم الدین خان وغیرہ پسران سید فیصل یار جنگ موم

امام الدین خان پسر اکبر یار جنگ

اکبر یار جنگ بہادر وغیرہ عن ذات

راجہ پتی مل -

بہر الدولہ بہادر -

صادق علی خان -

راکے

راکے چا تر مل

راکے

میر خلیل اللہ خان

راکے

نیر داور علی پسر سلطان میان -

راکے

ذات

راکے

رضا بیگ خان

راکے

داؤد خان پسر حاج خان موم -

راکے

محمد سمیع

راکے

راکے ستیل داس

راکے

سید نفرت -

راکے

محمد شجاعت اللہ خان -

راکے

میر ضیاء الدین خان بہادر کیتباد جنگ

راکے

محمد حفیظ الدین خان

راکے

حید علی پسر رضا خان

راکے

دولت خان

راکے

راکے دیگ راکے

راکے

رحمان نواز خان وغیرہ پسران خان بابر

راکے

فتح اللہ وغیرہ پسران فخر اللہ بیگ

راکے

سیدی اسد اللہ خان رعہ جنگ

راکے

راکے کھیم کرن

راکے

محمد شرف الدین خان -

راکے

رستم علی پسر نظر علی خان -

راکے

خواجہ عبد القادر خان وغیرہ کیم باقر خان

راکے

راکے

خواجہ ظہیر الدین خان بہادر

الہامیہ

نواز شمس علی خان

للمع

عبدالعزیز خان پسر بہت جنگ

صہبانیہ

منصور الدولہ بہادر -

عکاسیہ

سید عبداللہ خان پسر سلطان نواز خان موم

سہبانیہ

علی احمد خان غزو پسران غالب الدولہ

لعمہ ہادیہ

محمی الدولہ عزت یار خان بہادر

صہبانیہ

علی بیگ وغیرہ

صہبانیہ

۱۶

میر عبدالرحیم خان -

سہبانیہ

مستقیم الدولہ بہادر

صہبانیہ

میر غلام نبی خان

للمع

جعفر علی خان بہادر

صہبانیہ

عبدالرحیم خان پسر جیون خان موم

مقہبانیہ

غلام عباس خان پسر روشن خان

للمع ہادیہ

میر عبدالحی خان وغیرہ پسران محمد علی خان موم

صہبانیہ

راجمست یار خان بہادر

صہبانیہ

ذات

جمعیت

صہبانیہ

جلال الدولہ بہادر

صہبانیہ

اخراجات درگاہ کوه شریف

صہبانیہ

۱۳

سل محمد خان

صہبانیہ

لطیف الدولہ بہادر

صہبانیہ

۱۴

میر کاظم علی خان

للمع

راجہ خوشحال چند وغیرہ

صہ لکھنؤ

محمد لودھی خان بہادر

لکھنؤ

ذات

عہد

بقول محمد خان

صہ لکھنؤ

نظم الدولہ بہادر

سم

میر دوست علی

ایٹا پسر فکٹ زائن راؤ

سم لکھنؤ

میر مظفر علی خان پسر کمال الدین حنیف خان

للمع

میر موسیٰ خان

سم لکھنؤ

ولایت علی خان

للمع

اعظام الملک بہادر وغیرہ

مراد یاب خان

للمع

راجہ گویند بخش بہادر

صہ لکھنؤ

فضل علی خان بہادر

لکھنؤ

یکہ تار جنگ

الکھنؤ

حکیم صالحی خان

صہ لکھنؤ

شیخ نعمت اللہ

صہ لکھنؤ

محمد میر سیر نامور جنگ

صہ لکھنؤ

سر فرزاد الدولہ

سم

نظر بہادر

سم لکھنؤ

ملک ہمزہ جنگ

نظام منو خان

الکھنؤ

محمد صوفی مرزا خان

میرزا علی

نادر الدوله بهادر

علی محمد

سین خان

سید محمد

عبدالحسین منور خان

علی محمد

روپ سنگھ

نسیب

راجہ پریشان

نور علی

میر معز الله خان

احمد

حسن علی بیگ پسر نادر علی خان

اسرار

در محلات

علی محمد

انور کتاب ساز

الہ اللہ

امت اسلام بیگم

الہ اللہ

پسران داس متوفی

محمد

یعقوب خان

علی محمد

محمد حمید خان پسر مت یار جنگ

علی محمد

ضیاء الملک بہادر

محمد محمد

بالکشن

علی محمد

مظفر علی خان

محمد محمد

علامہ سجاد

محمد علی

دوبلہ چند

محمد محمد

سیدی محمد وغیرہ پسران سیدی متعل خان

الہ اللہ

جہت اخراج در گاہ حضرت امام موسیٰ قاسم سرکار

الہ اللہ

اللہ بخش

محمد محمد

اعظم انسانم

محمد محمد

فیض بی بی عوف اوون خانم

محمد محمد

راست فتح شکره و غیره پسران راجه سنگه

الما لوی

پرسوتم داس ولد کنهیا داس

الما لوی

راجہ نانک سنجش

سماعی

حبیب المنا بیکم

سماعی

رائے خوب چند

سماعی

شعلتان میر موسی خان

سماعی

رائے انور رائے

سماعی

راجہ از مرد تراش

مالی

شاه محی الدین و غیره

لما عی

شیو داس سوم ماتی

سماعی

سید شاه کلیم اللہ و غیره

سماعی

سماعی

راجہ بالا پرشاد - بالکن نپدت -

الما لوی

پرم شاستری - منل گائین

الما لوی

سید محمد باقر الحینی

سماعی

جہت اخراجات درگاہ شاہ حسین برہنہ

سماعی

اخراجات درگاہ سید حاجی ستار

الما لوی

راجہ دیب چند

سماعی

رگمنا تہ بھٹ پسر نیک کش

الصافی

رام شاستری -

مالی

راجہ رگمنا تہ داس چو دہری -

سماعی

رائے اجاگر چند و غیره

سماعی

سوم پانی

سماعی

مالی

فرخ محرم در امام باره	ستیا رام زنار دار
سرخ کاه	سما
سرخ سنگ	علام حسینی درویش
الکاه	الکاه
صالح بی بی و غیره	فرزندان رضا صاحب
کاه	صما
اخراجات عاشور خانه بادشاهی	صبح النساء بیگم
سما	باد
قرآن علی خان پسر طالب الله	قاسم علی
سما	صما
بهیج منی و غیره مصو	لنگم بهت و غیره
الکاه	الکاه
مبارک النساء خانم	معلقان عبد الاسحاق
کاه	الکاه
بیر امن	نامت منبر پسر کاک و کلت راک
سما	الکاه
نجیب النساء بیگم	احمد علیخان بهادر
سما	سما
بال حسد	قمر النساء بیگم
محمد کاه	صما
شرف النساء بیگم	شخصه بر شاد پسر ارجه شیو پر شاد
عطا و عطا	سما
سید خفیظ - الکاه	خبرن بی بی - سما

امام الملك بهادر -

مولانا

میر اسد علی خان و بہادر علی خان

الکافی

محمد حسن احمد -

الکافی

راکے بلونت راؤ متنی بہادر سنگم

مولانا

راجہ بال چند -

سید

خواجہ محمد منیر

مولانا

نثار ہدی خان -

محمد

محمد حیات اللہ وغیرہ

الکافی

محمد جلال علی خان بہادر

سید

محمد حسین علی

مولانا

اما بانی زوجہ محبت رام

لما

محمد عبد اللہ خان

فرزا اسد علی واقع نگار کلیانی

الکافی

فرزا اسد علی ہمشیرہ زادہ سردار الملک

مولانا

بلونت راؤ ہسر زراؤں راؤ

مولانا

بندہ علی خان بہادر وغیرہ

مولانا

بھگونت راؤ

الکافی

میر حسام الدین وغیرہ

مولانا

جہانگیر یار جنگ وغیرہ

مولانا

دیب چند

سید

میر خیر اللہ خان وغیرہ

سید

حسب اللہ خان وغیرہ

لما

راجہ سہارام وغیرہ

الکافی

غلام محی الدین -

میر ظہور اللہ خان -

اعلیٰ علیہ السلام

عبدالرحیم -

اعلیٰ علیہ السلام

محمد عظیم اللہ خان بہادر

لعل علیہ السلام

دیس جند

اعلیٰ علیہ السلام

گو بند راؤ وٹھل -

سام علیہ السلام

گنیت راؤ پسر لہا راؤ -

الہ علیہ السلام

مدن سن و غیرہ -

سم علیہ السلام

میر ہادی -

اعلیٰ علیہ السلام

رائے نیل کٹ راؤ -

اعلیٰ علیہ السلام

منور جنگ -

اعلیٰ علیہ السلام

میر غلام حسین

میر علی علیہ السلام

شیخ غلام محی الدین

ظہیر الدین خان

الہ علیہ السلام

غلام ضامن و غیرہ

الہ علیہ السلام

میر سہایت علی میرزا علی

الہ علیہ السلام

محمد قاسم

صہ علیہ السلام

نجیب اللہ خان و غیرہ پسران فیض اللہ خان

لعل علیہ السلام

کتور موتی سنگہ -

الہ علیہ السلام

میر فیض اللہ خان و غیرہ پسران فتح الدولہ

اعلیٰ علیہ السلام

رائے نرائن راؤ

سم علیہ السلام

مرشد قلی خان

صہ علیہ السلام

سردار خان -

الہ علیہ السلام

گنونت رائے

صہ علیہ السلام

واحد علیہ السلام

علی منور خان پسر مقرب خان

سید علی

میر حسام الدین علی و غیره پسران صفی علی خان

سید علی

شیخ بهاء الدین وزیر العابدین

صفا علی

نجد بابا ولد شاه علی

اسماعیل

کسان را و بهت بر حمان

اصطفا

بهو جیو بی بی

سید

روشن خان بافر زندان

کاظم

اخراجات بیگم صاحبہ خانم جی منوره

صمد علی

سید محمد درویش

سید علی

ذوالفضل قاضی -

مار علی

راما نگشتین

سعدا خان رحمان یار فخر موم - اسماعیل

صاحب شزاده بیگم

اسماعیل

بدو یگر جی

سید علی

برو بگرم و جمعیت زنار دار

الاعلی

شاه بندگی

مار علی

ترک بحث

لکرم

برهان الله شاه

مال علی

روح الله سجاده نشین

مار علی

اخراجات درگاه لکرم راجه شتر سوار

صفا علی

رام را و پسر کتیت را و بنکلیه

اسماعیل

اسد الدین قاضی -

اسماعیل

سعدا خان سید محمد درویش

سید علی

رام چندرنا ستری رام علی

اخراجات درگاه قبول الله و محمد حسینی قدس سره

بنام شاه روح حینی
شیارام الشیون

لحم الله علیه

سید معین الدین عرف سید حسین

لحم الله علیه

شرف الدین

امامیه

عبد الواحد ولد عبد القادر

لحم الله علیه

عاقبت محمود درویش

صالحه

کامیسر بجاقی شکر و نازی

مولیه

پسران محمد اس گشاین

لحم الله علیه

مدارشاه درویش

مالیه

گنگا دیچیت

لحم الله علیه

شیخ محمد قاضی

لحم الله علیه

سید معین الدین - امامیه

سید امین الدین و غیره

صالحه

متعلقان میر حسن الدین علی

لحم الله علیه

اخراجات عوس سرور عالم صلعم

صالحه

اخراجات درگاه شاه خداوند جشتی

الاسامیه

عبد الواحد

صالحه

قادره بک

المناعه

زوج گویال راو متوفی مانسته راجه جیونت

اعنه

اخراجات درگاه سید محمد بنده نوار کپور

صالحه

اخراجات بقبره میر کلان خان مرحوم

صالحه

عبد الله پسر شاه قادری

مالیه

سید محمد

صالحه

اخراجات بقبره متوفی مرحوم - صالحه

بطول النساء بیگم

ماء ع

امیر الدین علیخان برادر اصغر علیخان

ع

خج مقبره حضرت بنده نواز قدس ستره

مالو ع

رائے جے کش داس

ع

بھیم سین پسر اولیٰ نواس

سامو ع

میر خلیل اللہ خان پسران سعید الدولہ

ع

زبردست خان پسر خاجمان خان بہادر

ع

سید عبد الحمید خان وغیرہ پسران بادی الدولہ

ع

ایمن خان پسر صادق علیخان

ع

امرت راؤ وغیرہ

ع

حنیف الدین خان

ع

میر حنیف خان وغیرہ پسر اکبر علیخان

ع

ابراہیم بیگ وغیرہ

ع

محمد امیر اللہ خان پسر فتح اللہ بیگ

ع

افراجات و غنہ حضرت النساء

ع

ایرہا حاکم

ع

بدر الدولہ بہادر

ع

مقلان دیا رام

ع

نثار علی بیگ وغیرہ پسران احسن علی

ع

راجہ دیا بہادر عرف کیول رام

ع

سید احمد علیخان پسر سید مغر الدین خان

ع

اشوٹ رام ورام چند وکیل

ع

خواجہ حسن خان بہادر

ع

خواجہ غلام حسین خان

ع

رکعت راؤ پسر راؤ ورام چندر

ملک علی

خواجہ محمد سعید وغیرہ پسر محمد طاهر علیخان

ملک علی

میر سرفراز علی

ملک علی

شہاب الدین خان

ملک علی

عبدالرحیم خان

ملک علی

میر علی وغیرہ پسران علی اکبر

ملک علی

میر عبد الغفران خان وغیرہ

ملک علی

سید عادل

ملک علی

علاؤ الدین محمد

ملک علی

خواجہ عبدالرحمن

ملک علی

خواجہ شمس الدین خان وغیرہ

ملک علی

سید فتح ملک علی

غلام رسول وغیرہ

ملک علی

مرکز رنگ راؤ

ملک علی

میر غایت علی

ملک علی

خواجہ سراج الدین منو خان وغیرہ

ملک علی

خواجہ شمس الدین وغیرہ

ملک علی

خواجہ طہو الدین خان

ملک علی

خواجہ عبدالرحمن خان

ملک علی

نعمت عالم خان

ملک علی

عارف بیگ

ملک علی

میر علی اکبر وغیرہ

ملک علی

میر عالم علیخان وغیرہ

ملک علی

راجہ گویندرائن

سید عبدالرحیم پیرنجیب خان

لکھنؤ

خواجہ کمال الدین خان و غیرہ

اصلی و عصبہ

خواجہ کرم علی پیر خواجہ عبدالستار خان

سم

میر منظر علی خان

معم

میر بہتور علی بغیرہ مقام جنگ

لکھنؤ

نرائن سنگھ پیر کنور سنگھ

الکھنؤ

سید ثار علی پیر مصفا علی

لکھنؤ

ولکٹ راؤ پیر نائن راؤ

الکھنؤ

ابنہ راؤ پیر جھانی پٹت

لکھنؤ

اندراؤ کیشو

الکھنؤ

پریمپت سنگر

سم

میر خان و غیرہ

لکھنؤ

محمد قادر الدین منور و غیرہ

الکھنؤ

گویند راؤ پیر راجہ ہنونت

صم

محکم جنگ

عصبہ

خواجہ محمدی خان

معم

نامدار خان و غیرہ پیران مرست خان

لکھنؤ

سید نصیر الدین خان

اصلی و عصبہ

خواجہ نصر اللہ خان پیر خواجہ طاہر خان

لکھنؤ

سید ولایت علی

لکھنؤ

میر امام الدین پیر غلام محی الدین

لکھنؤ

احسن اللہ خان برادر منصور الدولہ مرحوم

سم

رائے بشنیر داس پیر مجموع لرج پٹت

لکھنؤ

کنور دین سنگھ پیر راجہ جودہ سنگھ

لکھنؤ

سکھارام پٹت پسران سیدری پٹت

سدا شیو نائک پسر نیکو نائک

المکافیه

مذا سعادت علی

المکافیه

سید عبداللہ خان

المکافیه

کھنڈی راو پسرانند راو

المکافیه

سید منور سید بہادر

المکافیه

مادہو راو وغیرہ پسران سنتاجی راو

المکافیه

ابلیہ وصبیہ اختصاص خان

المکافیه

مقلان راجی بہو سنگھ

المکافیه

شاسراج الدین صاحب

المکافیه

محمد شیراز

المکافیه

مقلان عبداللہ

میر محمد صالح خان

المکافیه

میر شمس الدین

المکافیه

ظفر یار بیگ پسر شہر یار بیگ

المکافیه

فتح علیخان

المکافیه

ظہور الدین خان

المکافیه

سید مخدوم

المکافیه

کرن سنگھ پسر زہر سنگھ

المکافیه

ہری ہراو پسر راجہ ہری ناتھ

المکافیه

انترق انسا ربکم

المکافیه

محمد جگو پسر محمد اور

المکافیه

شنگر ناتھ

المکافیه

شاہ فی اللہ قادری

المکافیه

درگاه حضرت شاه عبدالرحمن

سید ابوالحسن

متعلقان و صبیبه های عوفی خان مرحوم

لعمریه

گویند بجهت و سببیت

اسما لعلیه

گویند مصر

انامه

قامت راء و غیره برادران دولت را

مار لعلیه

پسران حاجی یوسف صاحب

ابوالحسن

ادوارم زمیندار

صمد

مرد و پندت ولد سری دهر پندت

اسما لعلیه

فرزندان و غیره شائور

اعلی

عبد الواحد پسر سید ابراهیم

مار لعلیه

قاضی امر کلید

مار لعلیه

پسر حبیب و غیره قوالان

سید

شاه عبدالرحیم

الهادی

متعلقان سید محمد الدین و غیره

ابوالحسن

محرران قانون کو صوبه برار

الصلوات

متعلقان محمد غوث پسر صاحب

اعلی

شاه مصوم صاحب درویش

لعمریه

مماة حاجی صاحب

صاحب

ابن داد اس مصر

اسما و عصم

شاه عبداللہ قادری

مار لعلیه

متعلقان سید شاه عالم درویش

ابوالحسن

سری کانتہ و غیره

اسما لعلیه

تعبیت راو پسر جواہری سنگه

اعلی

گر راو و لکاجی

اسما لعلیه

سید حمید الدوله ولد سید عطاء اللہ

السلامیہ

گویند جعظ بخوی

السلامیہ

شیام راؤ بشوناہتہ

السلامیہ

محمد عباس درویش

السلامیہ

مستقلان سید محبوب عالم

السلامیہ

شاہ حسین عرف نور اللہ درویش

السلامیہ

خیر النساء بیگم صبیہ درگاہ قلی خان

السلامیہ

امرت راؤ چھرت وغیرہ

السلامیہ

ماناجی راؤ پسران و صوفیہ و ناگ

السلامیہ

بھمل داس پسر کتاب دنت

السلامیہ

میر حیدر خان پسر حرات جنگ مرحوم

السلامیہ

حسین علی خان

السلامیہ

مستقلان محمد رحیم وغیرہ

السلامیہ

سماء زینت بی بی وغیرہ مستقلان داود خان

السلامیہ

مستقلان وغیرہ مولوی عتیق اللہ خان

السلامیہ

بہشتی خان ولد مستی خان مرحوم

السلامیہ

شاہ محمد ولد میان جان مرحوم

محمد سلطان خان

السلامیہ

دالہ دختر وغیرہ داؤد علی خان

السلامیہ

شیخ الاسلام قاضی نجمتہ تیماد

السلامیہ

ایساجی راؤ

السلامیہ

بسم راؤ وغیرہ پسران کش راؤ دیواجی جبار لیس

شکر پتہ بردھا - السلامیہ

راجہ جگدیر راؤ پسر راجہ کلیان راؤ

السلامیہ

جنارون و شالین وغیرہ شالہ - السلامیہ

السلامیہ

جنارون راؤ وغیرہ

المالک

رضاعلی خان بہادر وغیرہ

معالیہ

رفیق جنگ

علی

نندراس پسرانیکاتہ رائے

المالک

شیام راؤ پسر گوندراؤ بھگونت

المالک

راجمان سنگھ راؤ حال - میرنعم پسر محمد اعظم

لعمالیہ

ماردہرے

لعمالیہ

میر اکبر علی وغیرہ

المالک

سید ابراہیم وغیرہ

مالک

خرچ عس وغیرہ بابا مسافر وغیرہ

لعمالیہ

شیخ بابن پسر حسن محمد

المالک

نرکھ راؤ ولد بھگونت راؤ

المالک

شکر راؤ

المالک

رستم علی خان

لعمالیہ

رضاعلی خان وغیرہ پسران مغز خان

علی

شیام راؤ وغیرہ

المالک

خواجہ محمد صدیق خان گیش راؤ پسر شیو راؤ

سید

سہاراؤ بنیرہ برنگہ راؤ

لعمالیہ

شیخ آمان

لعمالیہ

آنا بھٹ بھونی

سید مالک

بہیت النساء بیگم

صاعنا

بھیم راؤ وغیرہ بافرندان

المالک

سید محسن احمد بگٹی

مالک

نہ قحی قاضی پرگنہ محی تاروف پور

المالک

میر محمد حسین و غیره پسران اشرف خان مرحوم
که در عصر

چشمه من گوشائین

الکامله

وارثان و فرزندان ملان حسینی

اسما

چشمه من و محبت

الکامله

فقیران سید محمد درویش

ص

سید علی درویش

سما

دولتین بیگم الهیه مهت جنگ مرحوم

الکامله

رگنه تته گوشائین بافرزندان

الکامله

ترکبه محبت ولد دھوئند و محبت

الکامله

سری نواس گوشائین

سما

فرزندان سوراچی اودھوت

صما

شکر مرشد مرید سحان جی راو ناکر که

حبیب الله
سم

سید جمال الله خان و غیره

الکامله

سید غلام حسین

الکامله

غلام قطب احمد

نما

در دانه بیگم

صما

دیال آجاری بافرزندان

نما

متعلقان دیوار و متوفی سید راجه راو رنبا

الکامله

مسماة رحمان

ما

رگنه تته و راجه رام پسر شکر گیر

ما

شکر راو منکل مورت

ما

سید النسا بیگم و غیره متعلقان سید حسن

الکامله

متعلقان شاه و ابرخان مرحوم

سید عبدالحی ولد محمد باقر درویش

ماله

صلاح آثار حافظ عبد الشکور

ماله

متعلقان سید عبد الرحیم

ماله

شاه قطب الدین احمد برادر مرمت آب نهر

ماله

کریم النساء بیگم -

صا

گویند را او مسکلیه

صا

کشن را و دیو اجی

ماله

سید محی الدین ولد نور محمد خطیب

ماله

متعلقان ملا محمد درویش

ماله

سید نورالحی و غیره پسران مولوی قمر الدین

ماله

بابا جمعت ولد سجوانی بخت ناک بافرزندان

ماله

درویشان و ارباب خان مرحوم -

متعلقان میر عبد القادر خان

ماله

درویشان شاه علی درویش بخت مرمت آب نهر

ماله

سید ابوبکر ولد سید عدر دوس

ماله

کاغذ سازان

ماله

میر جمال الدین بافرزندان

ماله

چری کنو کشن راجه پسر بهیم راج متوفی

صم

متعلقان محب الله خان مرحوم

ماله

معصوم شاه درویش

ماله

جهت را و شل همراهی راجه را و بنها بهادر

ماله

سید نور محمد -

ماله

میر واسع خان و غیره

ماله

طبل جمعت را و همراهی راجه را و بنها بهادر

ماله

روضة شاه برهان الدین صاحب و غیره

ع ع ع

سجاده نشین روضه منوره شاه پور

س م م م

آراجات روضه حضرت مغفرت مکان

ع ع ع

آراجات روضه ظہیر الدولہ

ص م م

خادمان روضه خواجہ حسن ولد شیخ الاسلام

س م م م

تعمیر مقبرہ درگاہ قلیخان مرحوم

ع ع ع

عس و غیرہ روضہ قاضی قاسم

س م م م

آراجات مسجد غلام حسین

ک م م م

آراجات مقبرہ و غیرہ شاہ تاج الدین

س م م م

مطہر علی و غیرہ

ک م م م

خادمان حضرت شهید الشہداء

ک م م م

بذریعہ صاحب پیرزادہ

ع ع ع

ہری ہرگوشتین

ال ع ع

روضہ مقدسہ قدوۃ العارفین مغفرت جلال الدین

ص م م

آراجات روضہ خلد مکان

ع ع ع

آراجات روضہ نواب شہید

ع ع ع

آراجات مغفرت نزلت

ال ع ع

خرج روشنائی مشغل حضرت خلد مکان

ل م م م

آراجات خانقاہ سید غلام حسین

ل م م م

روشنائی و غیرہ درگاہ شاہ پور

س م م م

آراجات مقبرہ و غیرہ شاہ تاج الدین

ال ع ع

سید نظام الدین حسینی

ل م م م

اتہارام بھٹ

س م م م

احمد صاحب پیرزادہ

ع ع ع

پدرن ناته جوگی -

اما ^ع _{۱۳}

حامد پیر صاحب

صالح ^ع _{۱۳}

سید حسین قادری بنابر احوالات دوازدهم

حضرت بنی مسلم ^ع _{۱۳}

گویند کنش

سید ^ع _{۱۳}

رام دیکت ولد دیو و دیکت

ک ^ع _{۱۳}

سید جلال الدین

ال ^ع _{۱۳}

ست دهرم سوای

ع ^ع _{۱۳}

شاه محمد پسر شمس الدین مرحوم

س ^ع _{۱۳}

سید عبداللہ و غیره

ال ^ع _{۱۳}

سید گیسو دراز صاحب

ص ^ع _{۱۳}

کشتا چاری

س ^ع _{۱۳}

معروف صاحب پیرزاده

ص ^ع _{۱۳}

پسر سخوی

ال ^ع _{۱۳}

بهورا نند سوای

م ^ع _{۱۳}

مردب بود دعا

ما ^ع _{۱۳}

سید حسین صاحب پیرزاده

س ^ع _{۱۳}

رام زائن گشائین

ما ^ع _{۱۳}

کیشور بهما چاری

ال ^ع _{۱۳}

سید محمد ولد بجاپوری

س ^ع _{۱۳}

عبد الرزاق و غیره

ما ^ع _{۱۳}

احراجات دوازدهم خاتم البنی نعلام علی

س ^ع _{۱۳}

قاضی کریم الدین

ال ^ع _{۱۳}

محمی الدین صاحب پیرزاده

س ^ع _{۱۳}

سید نظام الدین فرزند شاه علی

ال ^ع _{۱۳}

سید نصیر الدین خلف سید قطب الدین

علیه السلام

سید ولی الله

علیه السلام

میر حسین خوش مقام جنگ

علیه السلام

عبد المحمود خان و غیره پسران عبد المصطفی خان

علیه السلام

اشرف الدوله بهادر مع متعلقان

علیه السلام

راجہ رام پرثاد خلف راجہ گو بند بخش بهادر

علیه السلام

راجہ لچمن راو

علیه السلام

فرزند ان عبد الوالی درویش

علیه السلام

شیخ طیب و غیره

علیه السلام

فصل ہشتم - در نقاب و خطاب مسلمین و یہود کہ در عہد غفران تاب و بندگان عالی

لمعتب و مخاطب شدہ اند این است

حضرت بندگانی حال منتہی ہزارتی ذات

موع - دو اسپ و سہ اسپہ علم و تقارہ

ناصر الدولہ میر فرخندہ علیخان بہادر

ناصر جنگ و غیرہ مرشد زادہ -

سید ندیم الدین و غیره

علیه السلام

عود گل آثار شریف

علیه السلام

سید عبدالحی پسر منو جنگ

علیه السلام

حمود علیخان پسر اعظام الملک بہادر

علیه السلام

اخراجات در گاہ حضرت بندہ نوا گیسو دراز

سراج الدین صاحب قدس سرکہ

علیه السلام

میر غلام شاہ مع متعلقان و غیره

علیه السلام

فرزند سید عبد القادر خان

علیه السلام

فوجدار خان بہادر

علیه السلام

ماهی مراتب پالکی جھالردار

بہادر موصوف

ہفت ہزاری ذات سم علم و نقارہ ماہی مراتب

پالکی جھالردار

صمصام الدولہ میر بشیر الدین علیخان بہادر

صمصام جنگ - ہفت ہزاری ذات

سم علم و نقارہ ماہی مراتب جھالردار

میر اکرام علیخان بہادر شجاع جنگ

چار ہزاری

سم علم و نقارہ

میر نصرت علیخان بہادر طہیر جنگ و غیرہ سرائے

جمشید جاہ مرحوم -

سم علم و نقارہ درجہ

مشار الیہ پنجہزاری ذات - میر داکم علیخان بہادر

صمصام دوا سپہ علم و نقارہ دارا جنگ چار ہزاری

پالکی جھالردار - ذات سم علم و نقارہ

ابراہیم جاہ عمدہ الملک اتھاو الدولہ میسر

تیمور علیخان بہادر خواہ جنگ دوازده ہزاری

ذات - عمدہ دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب

پالکی جھالردار -

کیوانجاہ سلطان الملک اقبال الدولہ

میر چاند علیخان بہادر -

سماوت منہ طابع باند دوازده ہزاری ذات

عمدہ دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب پالکی

جھالردار

مبارز الدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری

ذات - سم علم و نقارہ و ماہی مراتب

پالکی جھالردار -

فریدون جاہ انتظام الملک انتظام الدولہ

میر سبحان علیخان بہادر منظر جنگ چار ہزاری

ذات سم علم و نقارہ

میر رشید الدین خان بہادر منصور جنگ

چار ہزاری ذات

سم علم و نقارہ

محمد بدیع الدینخان بہادر سپہ دار جنگ چار ہزاری

ذات - سم علم و نقارہ

چاندرا جاہ ذوالفقار علیخان بہادر ذوالفقار الملک

نصیر الدولہ بہر جنگ دوازده ہزاری ذات

عمدہ دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب

پالکی جھالردار -

سلیمانجاہ رئیس الملک سلطان الدولہ

جہانگیر علیخان بہادر -

منظر جنگ فیروز مند دوازده ہزاری ذات

عمدہ دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب پالکی

جھالردار

قطب الملک نصیرالدوله غازالدین خان بهادر
فیروز جنگ پسران نواب صلابت جنگ

میر عظیم الدین خان بهادر و ستم جنگ و غیره
پسران بسالت جنگ

مرحوم و مغفور - دو اسم

بهادر مغفور بنراری ذات برهان الملک سراج الدوله
نعمه علم و نقاره ماهی مراتب حسین خان در شهاب جنگ

چهار بنراری ذات جمیعہ اللہ خان بهادر - رستم یا جنگ
سمه علم و نقاره چار بنراری ذات سمه علم و نقاره

چهار بنراری ذات سمه علم و نقاره
میر قدرت اللہ خان بهادر عزت جنگ - میر فتح اللہ خان

چهار بنراری ذات سمه علم و نقاره
پسران جنگ یا جنگ

ذات سمه علم و نقاره

میر شهاب الدین خان بهادر ستم جنگ - میر شمس الدین خان بهادر جنگ

چهار بنراری ذات سمه علم و نقاره - چار بنراری ذات سمه علم و نقاره

میر فتح اللہ خان بهادر ستم جنگ - میر لطیف اللہ خان بهادر جنگ

سمه علم و نقاره چار بنراری ذات سمه علم و نقاره

تمتاز الامر قیام الملک قیام الدوله میر کلان خان

بهادر محبت بنراری ذات قلع جنگ و غیره پسران

محمم علم و نقاره ماهی مراتب پالکی جھار دار

غضفر الدوله میر نظام الدین حسین خان بهادر قیام جنگ

چهار بنراری ذات اعظم علم و نقاره

اعتبار الدوله حسین الدین خان بهادر

غضفر جنگ ستم بنراری ذات اعظم علم و نقاره

میر محمود خان بهادر فیروز یا جنگ چهار بنراری ذات

تیمور یا والد الدوله میر علی حسین خان بهادر

میر احسن الدین خان بهادر نام آور جنگ و غیره

پسران بمایون جاہ ناصر الملک مرحوم -

مشارک الیہ - میر قمر الدین خان بهادر فخر یا جنگ

چار بنراری ذات للمم علم و نقاره

میر حامد خان بهادر نصرت جنگ چهار بنراری ذات

للمم علم و نقاره

حسین یا والد الدوله میر مزاح حسین خان بهادر

حسین یار جنگ سه هزاری ذات -

تیمور جنگ سه هزاری ذات -

اع - علم و نقاره

اع - علم و نقاره

میر حسن علیخان بهادر فیضی جنگ میر محمد الدینخان بهادر

میر نورالدین حسینخان بهادر میر بهادر حسین خان در

چهار هزاری ذات للممت علم و نقاره نثر الملک -

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات

چهار هزاری ذات للممت

علم و نقاره - اع - علم و نقاره

علم و نقاره -

میر فضل الدین حسین بهادر میر منصور حسینخان بهادر

میر نجم الدین حسینخان بهادر - میر جمال الدین حسینخان بهادر

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات -

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات اع -

علم و نقاره - اع - علم و نقاره

علم و نقاره - علم و نقاره

سید یعقوب محمد خان ولد نور جنگ خواجه محمد سعید خان

سید نورالدین خان بهادر و غیره پانصدی ذات

اسم همیشه زاده - دو اسم -

اسم همیشه زاده - دو اسم -

مشار الیه ولد شیراز جنگ مرحوم - محمد اسد خان

یک هزاری ذات - بهادر خواجه هدایت خان

خان بهادر یک هزاری ذات

محترم الملک نورالدوله قدرت الله خان بهادر

ذو الفقار جنگ - ولد خواجه قلینخان مرحوم

اع - علم و نقاره

سید جلال الدینخان بهادر نظامت جنگ خوش

قطب الامر منصور جنگ مرحوم اع - علم و نقاره

اعزازالدوله خواجه باقی خان بهادر بر جنگ

همسک ناصر الملک مرحوم شش هزاری ذات

للممت علم و نقاره پانکی جھالردار

رفع الملک رفیع الدوله میر تاج الدین خان بهادر

شجاعت جنگ و غیره -

مشار الیه قطب الدوله میر نصیر الدینخان

پنجاه هزاری ذات نصیر جنگ سورت والد

سم - علم چهار هزاری ذات اع -

علم و نقاره -

سورت والد

شمس الامراشمس الملک شمس الدوله

میر غلام محی الدین خان بهادر میر حمید الدین خان بهادر
 میر جنگ سه نزاری ذات صفه جنگ لد صفه الملک
 علم و نقاره اع - دو نزاری ذات
 حسب الحکم در ۲۲۳ مشار ایله اع - علم و نقاره

به جهاندار جاه بهادر عنایت شد

الحمد الملک الحمد الدوله محمد احمد خان بهادر

میر بلند جنگ و غیره - دو اسم

مشار ایله فتح امین الدین خان بهادر

هفت نزاری ذات پسردو نزاری ذات پاکلی

صم - علم و نقاره - چهار دار اع - علم و نقاره

امام الملک اع الدوله غلام امام خان بهادر

اعتصام جنگ هفت نزاری ذات

للم - علم و نقاره و پاکلی چهار دار -

شمس لدین علی خان بهادر و فار جنگ و غیره

متنبهات میر صالح الدین خان مرحوم - دو اسم

مشار ایله عزیز الدین خان بهادر دل جنگ

دو نزاری ذات دو نزاری ذات

اع - علم و نقاره اع - علم و نقاره

سردار الدوله سعید الدین خان بهادر سعید یار جنگ

و غیره پسران شیخ حسام الدین خان مرحوم -

مشار ایله نظام الدین خان بهادر عازم جنگ

پنج نزاری ذات چهار نزاری ذات

اع - علم و نقاره اع - علم و نقاره

محمد قطب الدین خان بهادر کامیاب جنگ

سه نزاری ذات اع - علم و نقاره -

فضل الدین خان بهادر سردار جنگ ولد ذوالفقار خان

مرحوم همرا - دو نزاری ذات

محمد حیات الله خان بهادر دلاور دل جنگ

متنی امام جنگ مرحوم سه نزاری ذات

اع - علم و نقاره

افسر الدوله غلام غوث خان بهادر افسر جنگ ولد

ناصر علی مرحوم - سه نزاری ذات اع - علم و نقاره سه نزاری ذات اع - علم و نقاره

شمس الدین علیخان بهادر عظیم یار جنگ ولد
عظیم الدین محمد خان مرحوم مبرای دو هزاری ذات
سید اولاد علیخان بهادر اوز جنگ دو هزاری -
اعلم علم و نقاره

میر عالم بهادر عرف ابوالقاسم و غیره پنج هزاری
ذات - اعلم علم و نقاره و پاکلی چهار دار

حسام الملک نظام یار الدوله میر عباس علیخان بهادر
نظام یار جنگ و غیره اقربان دواسم
مشارک الیه خان زاده مستقیم الدوله و عبد الفتی خان
چهار هزاری ذات مستقیم جنگ ولد محمد بران خان
اعلم علم و نقاره بهادر چهار هزاری ذات
اعلم علم و نقاره

میر حمید علیخان بهادر حمید روز جنگ و غیره
پسران قاسم علیخان مرحوم -
حسین علی بیگ خان بهادر حسین یار جنگ ولد
حسینی بیگ خان مرحوم دو هزاری ذات
اعلم علم و نقاره

مشارک الیه
سه هزاری ذات
اعلم علم و نقاره
میکمال الدین حسینیان بهادر
کامیاب جنگ دو هزاری ذات
اعلم علم و نقاره

میر الملک میر الدوله حیدر خان بهادر غیور جنگ غیره
دواسم
سعد الدوله محمد سعید خان بهادر سعید جنگ غیره
باستقواب در ارجاه

مشارک الیه ولد صفدر خان مرحوم - امین الملک امین الدوله
رضایار خان بهادر

پنج هزاری ذات حسام جنگ برادر چهار هزاری ذات
میر عابد خان مرحوم
مشارک الیه ولد محمد سعید خان مرحوم لادی الدوله
اقربان میر عالم مغفور چهار هزاری ذات
ذات - اعلم علم و نقاره سه هزاری ذات اعلم علم و نقاره
سم علم و نقاره و پاکلی
چهار دار -

سید عبد الله خان بهادر حسن یارالدوله علی حنیفان در
 خواجه رحمت الله خان بهادر خواجه حمید خان بهادر
 ولد سمنزاری ذات مرحوم حسن یار جنگ پسران
 خدا یار جنگ ولد خواجه رسول یار جنگ ولد
 اعلم علم و تقاره امین الملک سمنزاری ذات
 فتوح خان مرحوم بدستور جمال خان مرحوم بدستور
 اعلم علم و تقاره

میر مصطفی خان بهادر عزت یار جنگ

سمنزاری ذات اعلم علم و تقاره

افتخار الملک دلیرالدوله سید دلاور خان بهادر نورالامر نور الملک دلاورالدوله محمد نور خان بهادر
 افتخار جنگ و غیره - سلیمان یار جنگ اعلم اسم

مشار الیه ولد سید مبارز خان افتخارالدوله ولید مشار الیه هفت سمنزاری ذات علی یاورالدوله علی احمد خان
 شش سمنزاری ذات ندیم الله خان بهادر صمد علم و تقاره علی یار جنگ سمنزاری
 سمن علم و تقاره پانکی جمال دلاور نصرت یار جنگ چهار سمنزاری

سمن علم و تقاره ذات اعلم علم و تقاره کامیاب الدوله و بی محمد خان نادر الدوله

میر عبد الله خان بهادر نصیر جنگ سید قول محمد خان بهادر بهادر قادر جنگ پسر نوالله دلی علی خان بهادر
 ولد سید دلاور خان مرحوم فتح یار جنگ ولد چهار سمنزاری ذات یار جنگ بدستور
 سمنزاری ذات میر عبد الله خان قبول محمد خان مرحوم سمن علم و تقاره
 اعلم علم و تقاره بدستور آصف یارالدوله فتح محمد خان بهادر باقر علی خان بهادر

آصف یار جنگ سمنزاری بخاور جنگ ولد ذات اعلم علم و تقاره فتح علی خان مرحوم بدستور
 ذات اعلم علم و تقاره

شیخ ویند ارخان بهادر سلطان جنگ بدستور امام بخش خان بهادر امام نواز جنگ ولد محمد خان مرحوم

شاه بان الملک یارالدوله مصطفی علی خان بهادر شاه نواز غلام سرور خان بهادر سرور نواز جنگ
 و غیره اقربا سمنزاری غلام سید خان مرحوم بدستور

موی لید خویش و لفظ المکرم بهر الدوله مرشد نواز خان غلام علیخان و آصف نواز جنگ نواز الدوله علیخان
 پنجزاری ذات - جانفشان جنگ چهار نهاری ولد محمد خان موم علی نواز جنگ غیره
 اسم علم و نقاره ذات اسم علم و نقاره بدستور - مشاوری بهر نواز محمد صفدر خان

ذات اسم بهادر نهاری
 علم و نقاره بدستور

سکند الدوله سکند نواز خان بهادر نظم الدوله محمد فرخ علیخان محمد چاند بهادر محمد اسمعیل خان بهادر در
 قذ جنگ - انظام جنگ لدر فرخ من رفیق جنگ اسمعیل یار جنگ دونیاری
 اسم علم و نقاره چهار نهاری ذات بدستور ذات اسم علم و نقاره
 اسم علم و نقاره

فیاض علیخان بهادر سکند جنگ محمد حفیظ الدین خان بهادر حسینی بیگمان بهادر
 سه نهاری ذات - حافظ یار جنگ ولد اکرم رحمن نواز جنگ
 اسم علم و نقاره بدستور بدستور
 میراکی بخش خان بهادر مرتضی یار جنگ
 بدستور

ضیاء الملک ثناب الدوله میر عطا علیخان بهادر - اعتصام الملک اعتصام الدوله میر حید خان
 سردار جنگ و غیره میر اسم بهادر ضیاء الملک - اسم
 مشاوری ولد عبدالرحمان خان موم ضیاء الدوله ابو الفخر خان مشاوری پنجزاری ذات رشید الدوله ولد سید
 پنجزاری ذات - بهادر تشره جنگ باکی جلالدار - محمد علیخان بهادر حیدر جنگ
 اسم علم و نقاره چهار نهاری ذات اسم علم و نقاره چهار نهاری ذات
 اسم علم و نقاره اسم علم و نقاره

میر اسم علیخان بهادر کیاز جنگ میر کشجاعت علیخان بهادر وحید الدوله زین الدین خان بهادر
 ولد مومض الله خان موم دونیاری متوج جنگ ولد اعتصام الله خان عابد یار جنگ لدر علیخان موم
 ذات - اسم علم و نقاره مومض الله خان موم بدستور صفدر یار جنگ میر بدستور دونیاری ذات اسم علم و نقاره

میر آحن خان بهادر قوت جنگ

ولد احمد میر خان مرحوم بدستور -

بهرام الدوله بهرام الملک سیدین امانیخان بهادر - رفت الملک مجاهد الدوله مظفر علیخان بهادر
سلطوت جنگ و غیره - ترکناز جنگ و غیره

مشارک الیه پنجراری ذات بهرام جنگ سید علام حنیخان
سم علم و نقاره بهادر پسر سه هزاری ذات مشارک الیه ولد سید میرک میر ضیاء الدین خان
اع علم و نقاره زور آور جنگ مرحوم - محمد قباد جنگ ولد

چهار هزاری ذات استحاق خان مرحوم سه هزاری
مم علم و نقاره اع علم و نقاره

سید حسن علیخان بهادر میر حمید خان بهادر
اعتقاد جنگ نواب زاده جرات جنگ ولد

سه هزاری ذات میر اولیا خان مرحوم سه هزاری
مم علم و نقاره ذات اع علم و نقاره

غظیم الملک غظیم الدوله میر حمله خان بهادر نصیر جنگ غیره -
سم سه هزاری ذات ولد شجاعت خان بهادر سرور جنگ

مشارک الیه ولد سید نکر خان مرحوم میر جمال الدین خان بهادر
پنجراری ذات پالکی حمالردار استقامت جنگ پسر

سم علم و نقاره سه هزاری ذات
اع علم و نقاره

سید لشکر خان بهادر غظیم جنگ پسر
سه هزاری ذات اع علم و نقاره

بدر الدوله سید بدر الدین خان بهادر دیل جنگ
پنجراری ذات سم علم و نقاره

حمید الدوله خواجه فیروز الدین خان بهادر منور جنگ
پنجراری ذات للمم علم و نقاره و پالکی حمالردار

غالب الدوله علی محمد خان بہادر صف شکن جنگ غیرہ امیر الدولہ اسد محمد خان بہادر شہامت جنگ غیرہ

دوا اسم
مشاور الیہ چار نہاری ذات۔ غالب الدولہ محمد تقی خان بہادر مشاور الیہ عرف محمد اسد خان محمد جمال الدین خان بہادر
اع۔ علم و نقارہ فیضیاب جنگ نہاری ذات چار نہاری ذات محمد یار جنگ پیر علی خان
اع۔ علم و نقارہ اع۔ علم و نقارہ مرحوم اع۔ علم و نقارہ

محمد افضل خان بہادر امیر جنگ

سہ نہاری ذات اع۔ علم و نقارہ

مومن الدولہ امام علی خان بہادر سالار جنگ اقربا یاورد الدولہ میر تقی خان بہادر یاورد جنگ ولد

درگاہ قلی خان مرحوم۔ سہ اسم شرف الدولہ بہادر مرحوم۔ چار نہاری ذات

مشاور الیہ چار نہاری ذات شہسوار الدولہ رکا علی خان بہادر

پاکلی جہاں دار سہ۔ علم و نقارہ جلادت جنگ نہاری ذات

رستم زمان خان بہادر کرم جنگ بنیرہ

اع۔ علم و نقارہ

لطیف الدولہ غالب بیگ خان بہادر معظم جنگ

ولد لطیف بیگ خان مرحوم چار نہاری ذات

اع۔ علم و نقارہ

مختار الدولہ یعقوب مرزا خان بہادر مختار جنگ غیرہ

اقربا خاص بیگ خان مرحوم

مشاور الیہ پسر ابو تراب مرزا خان بہادر مختار جنگ

چار نہاری ذات سہ نہاری ذات

اع۔ علم و نقارہ اع۔ علم و نقارہ

سختاورد الدولہ میر سختاور علی خان بہادر

سہ نہاری ذات طالع یار جنگ خویش

اع۔ علم و نقارہ

داورد الدولہ رحمان یار خان بہادر رحمان یار جنگ مبارک الدولہ حسن علی خان بہادر مبارک جنگ غیرہ

ولد رحمان یار خان مرحوم چهار نهاری ذات
اعـ علم و نقاره

پسران حسن علیخان مرحوم

دو اسم
مشار الیه در محلی بنند کاکم علیخان بهادر دندار

چهار نهاری ذات
دو نهاری ذات

اعـ علم و نقاره
اعـ علم و نقاره

ضرغام الدوله ابوالحسن خان بهادر بن نظر جنگ غره
اقربا جعفر علیخان مرحوم - ص اسم

سیف الدوله غلام نبی خان بهادر صهارم جنگ
اقربا نجیب الدوله سیف جنگ مرحوم -

مشار الیه چهار نهاری ذات
محمد غوث خان بهادر دل
پاکلی و جمالدار - دلاور جنگ ولد سیف الدوله

مشار الیه محمد معین الدین خان بهادر
سه نهاری ذات شوکت جنگ پسر نهاری ذات

اعـ علم و نقاره
اعـ علم و نقاره

معتمد الدوله تراب علیخان بهادر

شهاب جنگ پسر معین الدین خان مرحوم

برادر چهار نهاری ذات

اعـ علم و نقاره

معین الدین خان مرحوم برادر دو نهاری ذات

چهار نهاری ذات
اعـ علم و نقاره

اعـ علم و نقاره

اسد علیخان بهادر معتمد رحیم جنگ ولد شیر علیخان مرحوم

برادر زاده سه نهاری ذات

اعـ علم و نقاره

سرفرازدوله محمد حیات خان بهادر شکر جنگ غره

دو اسم

مفر الدوله خواجه عبدالصمد خان بهادر صحت جنگ

ولد خواجه عبدالرشید خان مرحوم سه نهاری ذات

مشارک الیه سه نهاری ذات محمد فیض الله خان بود
اع به علم و تقاره اعتماد جنگ و شمشیر

روشن خاتمه و مسیری

ذات اع به علم و تقاره

اشرف الدوله میر حسن علیخان بیاد و شمشیر جنگ

و غیره اقربا میر غلام حسین خاتمه و

قوام الدوله میر عبد العزیز خان بهادر سمیت جنگ و غیره

پسران عبدالسلام خان مرحوم برادر زاده

صمصام الملک محم - دو اسم

مشارک الیه چهار نهاری جلال الدوله میر کمال الدین

ذات - اع به علم و تقاره خان بهادر مجاهد جنگ

اع به علم و تقاره

میر حمید خان بهادر تهر جنگ

پسر دو نهاری ذات

اع به علم و تقاره

بهادر الدوله ولد خواجه بهادر خان بهادر جنگ

ولد خواجه یوسف خاتمه و سه نهاری ذات

اع به علم و تقاره

اع به علم و تقاره

مشارک الیه سه نهاری ذات

اع به علم و تقاره

میر حمید خان بهادر تهر جنگ پسر

دو نهاری ذات اع به علم و تقاره

تهر الدوله سیدی عبداللہ خان بهادر و جنگ

پسران سیدی عبداللہ خان مرحوم - دو اسم

مشارک الیه سه نهاری ذات پسر میر علی حسن خان

اع به علم و تقاره

اع به علم و تقاره

میر حمید خان بهادر تهر جنگ پسر

دو نهاری ذات اع به علم و تقاره

تهر الدوله سیدی عبداللہ خان بهادر و جنگ

پسران سیدی عبداللہ خان مرحوم - دو اسم

اع به علم و تقاره

مشار الیه سہ ہزاری ذات سید علی سہ لکھ خاں بہادر
اعہ علم و تقارہ - رعد جنگ سہ ہزاری ذات

الہ علم و تقارہ

نبدہ علیخان بہادر علی یار جنگ و غیرہ پسران
نجد اعظم خان مرحوم - سے اسم
مشار الیہ سہ ہزاری ذات لطف علیخان بہادر
اعہ علم و تقارہ - فتح یار جنگ سہ ہزاری ذات

قربان علیخان بہادر - اعہ علم و تقارہ
ظفر یار جنگ سہ ہزاری ذات
اعہ علم و تقارہ -

محمد حمید خان بہادر ہمت یار جنگ و غیرہ اقرباء
ہمت خان مرحوم - دو اسم

مشار الیہ سہ ہزاری ذات میر سہ لکھ خاں بہادر
اعہ علم و تقارہ - اسد یار جنگ سہ ہزاری ذات

اعہ علم و تقارہ

عقیدت خان بہا عقیدت جنگ لکھ خاں
سہ ہزاری ذات - اعہ علم و تقارہ

مشار الیہ سہ ہزاری ذات ذوالقعد خان بہادر
اعہ علم و تقارہ - شہر یار جنگ سہ ہزاری ذات

الہ علم و تقارہ

محبوب علیخان بہادر شارجک و غیرہ اقرباء
مقبول الدولہ اعتماد جنگ - سے اسم
مشار الیہ - علی معصوم خان بہادر
اعہ علم و تقارہ - بختیار جنگ پسر

اعہ علم و تقارہ

سید مکرم علیخان بہادر
نیقرخ جنگ ولد مکرم علیخان خویش
اعہ علم و تقارہ -

سید محمد دل خان بهادر اتمیار جنگ ولد
 سید صلاه الدین خان مرحوم سه هزاری ذات
 اعلم و نقاره
 میر علی اکبر خان بهادر اصغر یار جنگ ولد
 سید علی اصغر خان مقام جنگ مرحوم
 سه هزاری ذات اعلم و نقاره
 شاه بیگ خان بهادر محمد یار جنگ
 سه هزاری اعلم و نقاره
 میر جعفر علی خان بهادر جعفر یار جنگ و غیره کوه
 دو اسم
 شاهر الیه دو هزاری ذات میر حسین علیخان بهادر
 اعلم و نقاره اسد نواز جنگ دو هزاری
 اعلم و نقاره
 برهان الدین قلندر بیگ خان بهادر پلنگ جنگ
 ولد قاضی علیخان مرحوم دو هزاری ذات
 اعلم و نقاره
 افور الدین علی خان بهادر انقیاد جنگ و غیره
 اقربا و فادار خان مرحوم سه اسم
 شاهر الیه دو هزاری ذات غلام محمد الدین خان اعتقاد جنگ
 اعلم و نقاره دو هزاری ذات
 غلام حسین خان بهادر فادار جنگ اعلم و نقاره
 ولد محمد عظیم اقربا دو هزاری ذات اعلم و نقاره

سید نور الدین خان بهادر ولد سید دین الدین خان مرحوم
 مغرور جنگ سه هزاری ذات
 اعلم و نقاره
 خواجہ عنایت الله خان بهادر عباس یار جنگ
 ولد مختار خان سه هزاری ذات
 اعلم و نقاره
 محمد انور الله خان بهادر انور جنگ ولد
 مرزا علیخان مرحوم دو هزاری ذات
 اعلم و نقاره
 محمد میر الدین خان بهادر سکنه یار جنگ
 ولد یحیی الاسام خان مرحوم
 اعلم و نقاره
 میر نعمت الله خان بهادر خدا یار جنگ و هزار
 ذات اعلم و نقاره
 شیخ فخر الله خان بهادر جرات یار جنگ ولد
 شیخ نعمت الله دو هزاری ذات اعلم و نقاره

محمد قمر الدین خان بہادر اکبر یار جنگ ولد
محمد امام الدین دو ہزاری ذات -
ال - علم و تقارہ
سید دلاور علیخان بہادر سبقت جنگ ولد
واقف علیخان مرحوم ال - علم و تقارہ

محمد اقامیم -

مرشد زادہ ہائے بلند اقبال -
ناصر الدولہ میر احمد علیخان ناصر جنگ ہفت ہزار
سم - علم و تقارہ ماہی مراتب پاکلی
جمہار دار -

۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ شہ عالم
۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب مرالدولہ
۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب میر
۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب
پنچہ ہزاری ذات
دو ہزاری ذات
بشیر الدین علیخان بہادر
خطاب -
علم و تقارہ پاکلی
سم - ماہی مراتب
صمصام جنگ علم و تقارہ
سم - علم و تقارہ
دوا سپہ یک اسپہ
دوا سپہ یک اسپہ
دوا سپہ یک اسپہ
دوا سپہ یک اسپہ

مبارز الدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری

۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب میر گوہر علیخان بہادر
۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب مبارز الدولہ

مبارز جنگ پنچہ ہزاری ذات
دو ہزاری ذات

سم -
سم - ماہی مراتب

دوا سپہ یک اسپہ
دوا سپہ یک اسپہ

اوریان میر سبحان علیخان مرحوم
۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ شہ عالم

سم - اسم

میر وقار علیخان بهادر جهاندار جنگ چهار نهاری ذات
 میر اکرام علی خان بهادر
 شجاع جنگ
 سمه علم و نقاره
 چهار نهاری ذات
 میر رشید الدین علی خان بهادر مخصوص جنگ
 چهار نهاری ذات
 سمه علم و نقاره

منصبداران
 سید عبداللہ خان بہادر اتر بار میر الملک
 در گاہ قلینخان بہادر ولد امین الملک بہادر
 سمہ علم و نقارہ
 ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۸۰
 مبارز دل خان وغیرہ اتر بارے افتخار الملک
 سید قبول محمد خان بہادر فتح یاور جنگ دیچہ
 مشار الیہ ولد افتخار الدولہ برادر زادہ یکہ زاری ذات
 دو نہاری ذات اعظم علم و نقارہ
 اصل عبد غفر نائب خطاب بہادر اضافہ یکہ زاری پانصد
 اصل یکہ زاری پانصدی ذات افتخار یکہ زاری پانصد
 پانصدی ذات و خطاب خانی ذات الصلاہ و خطاب بہادر خانی الصلاہ ذات فتح یاور جنگ
 علم نقارہ ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۸۰ علم و نقارہ - ۲۰ ذی الحجہ الصلاہ
 یار علیخان بہادر ولد فتح یاور جنگ یکہ زاری ذات
 اصل پانصدی ذات و خطاب خانی اضافہ پانصدی ذات
 و خطاب بہادر ۲۰ ذی الحجہ

محمد فرید الدین خان بہادر وغیرہ اتر بار و ہمراہی شمس الامرا بہادر
 مشار الیہ پسر نہاری ذات و خطاب ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۸۰
 محمد امام الدین خان بہادر دل جنگ و نہاری ذات
 و خطاب -
 اصل یکہ زاری ذات و خطاب خانی بہادر اضافہ
 اصل یکہ زاری پانصدی ذات و خطاب خانی و بہادر اضافہ
 یکہ زاری ذات و قار جنگ یکہ زاری علم و نقارہ
 یکہ زاری و خطاب دل جنگ العلم و نقارہ

فصل علیخان بهادر سرفراز جنگ و هنراری ذات
و خطاب - اصل یکمزاری ذات و خطاب خانی
اضافه یکمزاری ذات و خطاب سرفراز جنگ
و سید لکجه ۴۴ علم و تقاره
شیخ بدرالدین خان بهادر یکمزاری ذات و خطاب
اصل پانصدی ذات و خطاب خانی - اضافه
پانصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۴
رحیم علیخان بهادر یکمزاری ذات و خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۴
میر نورالدین علیخان بهادر یکمزاری ذات و
خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۴
شیخ ضیاءالدینخان بهادر یکمزاری ذات و خطاب
اصل چهارصدی ذات اضافه ششصدی ذات
و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذیلچ ۴۴
محمد علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذیلچ ۴۴
شیخ نظام الدین خان چهارصدی ذات و
خطاب خانی ۲۰ ذیلچ ۴۴
شیخ محمد احسان خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی ۲۰ ذیلچ ۴۴
شیخ سلامت الله خان چهارصدی و خطاب خانی
۲۰ ذیلچ ۴۴
سید عزیز الدین خان چهارصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۴
سید اولاد علیخان بهادر نورجنگ و هنراری ذات
و خطاب - اصل یکمزاری ذات و خطاب خانی
اضافه یکمزاری ذات و خطاب نورجنگ ۲۰ ذیلچ ۴۴
ال - علم و تقاره
شیخ نصیرالدین خان بهادر یکمزاری ذات و خطاب
اصل پانصدی ذات خطاب خانی - اضافه
پانصدی ذات و خطاب بهادر ۲۰ ذیلچ ۴۴
محمد نظام الدینخان بهادر یکمزاری ذات و
خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۴
محمد حقیق الدین خان بهادر یکمزاری ذات و خطاب
۲۰ ذیلچ ۴۴
بهادرالدین خان بهادر یکمزاری ذات و خطاب
اصل چهارصدی ذات اضافه ششصدی ذات
و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذیلچ ۴۴
واعده علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذیلچ ۴۴
شیخ زین الدین خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی - ۲۰ ذیلچ ۴۴
شیخ غلام جیلانی خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی ۲۰ ذیلچ ۴۴
شیخ قمر الدین خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی - ۲۰ ذیلچ ۴۴
سید محمد خان چهارصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۴

دور علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی	محمد رفیع الدینخان چهار صدی و خطاب خانی
۲۰ دلچسپ سده الیه	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد نور احمد خان چهار صدی ذات و خطاب خانی	خواجہ عبد الکریم خان چهار صدی ذات و خطاب خانی
۲۰ دلچسپ سده الیه	۲۰ دلچسپ سده الیه
شیخ حمید الدینخان چهار صدی ذات و خطاب خانی	محمد سیام خان چهار صدی ذات و خطاب خانی
۲۰ دلچسپ سده الیه	۲۰ دلچسپ سده الیه
محمد شرف الدینخان چهار صدی ذات و خطاب خانی	حمید الاسلام خان بہادر چهار صدی ذات و خطاب خانی
۲۰ دلچسپ سده الیه	۲۰ دلچسپ سده الیه

حسام الملک نظام یاورالدولہ میر عباس علیخان بہادر نظام یار جنگ وغیرہ اقربائے ہر امیری و القاسم مرحوم
 مشارک الیہ چار ہزاری ذات و خطاب
 حسن علی بیگ خان حسن یار جنگ ذات مرحوم
 خطاب ۲۰ دلچسپ سده الیه اعلم و تقارہ
 سب سے علم و تقارہ
 اصل سے ہزاری ذات و خطاب اضافہ کبیری ذات
 سب سے علم و تقارہ
 خطاب حسام الملک دلچسپ سده الیه
 السب سے علم و تقارہ

میر حسن خان بہادر کبیری ذات و خطاب خانی
 میر مظفر علیخان ولد کامکار جنگ بہادر پانصدی
 بہادر ۲۰ دلچسپ سده الیه
 ذات و خطاب خانی - ۲۰ دلچسپ سده الیه

میر صفدر علی خان بہادر وغیرہ پسران میر علیخان
 عبد اللہ خان وغیرہ اقربائے سلطان نواز خان مرحوم
 مرحوم ۲۰ دلچسپ سده الیه
 دوا سب سے علم و تقارہ

مشارک الیہ کبیری ذات
 میر بہر علیخان بہادر
 خطاب اصل چار صدی کبیری ذات و خطاب
 اصل پانصدی ذات و خطاب خانی ولد عبد اللہ خان
 ذات و خطاب خانی - اصل پانصدی ذات
 اضافہ پانصدی ذات و
 خانی و خطاب ۲۰ دلچسپ سده الیه

خطاب اضافہ شش صدی ذات
 دخطا خانی اضافہ پانصدی
 خطاب بہادر - خطاب ۲۰ دلچسپ سده الیه

سلطان علی خان ولد عبداللہ خان
پانصدی ذات و خطاب خانی
حسین نواز خان پانصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذیحجہ ۱۰۰۰ الیہ
ارادت خان بہادر کپڑی و خطاب
اصل پانصدی ذات و اضافہ پانصدی ذات
خطاب خانی - و خطاب خان بہادر
ہمدی یاور خان پانصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیحجہ ۱۰۰۰ الیہ

محمد مظفر خان بہادر و غیرہ ہر اہلیان سلیمان جاہ بہادر
۱ ذیحجہ ۱۰۰۰ الیہ
مشار الیہ کپڑی ذات و خطاب خانی و بہادر
محمد نامدار خان چہار صدی ذات و خطاب خانی
محمد داؤد خان چہار صدی و خطاب خانی
تہدی نواز خان عرف میر صوفی چہار صدی ذات و خطاب خانی
میر سعادت علی خان بہادر و اقربا رضیاء الملک بہادر

مشار الیہ تیرہ کپڑی و پانصدی ذات و خطاب
اصل کپڑی ذات اضافہ پانصدی ذات
و خطاب خانی و بہادر ۹ ذیحجہ ۱۰۰۰ الیہ
میر عبداللہ خان و غیرہ تیرہ و میر نعمان خان بہادر
۲۰ ذیحجہ ۱۰۰۰ الیہ
مشار الیہ پانصدی ذات میر عنایت حسین
و خطاب خانی - ذات و خطاب خانی
میر عنایت حسین خان چہار صدی ذات و خطاب خانی

محمد بدر الدین خان و غیرہ اقربا بدر الدولہ
مشار الیہ کپڑی ذات و خطاب -
دواسم
محمد مظفر علی خان بہادر و اقربا کپڑی منصب خطاب

اصل چهارصدی ذات اضافه نشی صدی ذات و اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات
و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰ و خطاب خانی و خطاب بهادی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰
شهباز الدوله درگاه قلیخان بهادر جلالت جنگ بهنراری ذات و خطاب دو بهادر اس علم و تقاریر
اصل سه بهنراری ذات و خطاب - اضافه کیزاری ذات و خطاب اعتبار الدوله

ضریغام الدوله ابوالحسن خان بهادر بے نظیر جنگ له اسم
مشارا الیه سه بهنراری ذات و خطاب ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰ عسکر علی خان شهباز جنگ بهنراری ذات و خطاب
اصل سه بهنراری ذات اضافه خطاب میر عالم الدوله اصل پانصدی ذات اضافه کیزاری و پانصدی
و خطاب - و خطاب خانی - و خطاب شهباز جنگ ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰

جمال علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰ سرور علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰
نصا علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰ دلیر علی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰

میر ابراهیم علیخان چهارصدی ذات و خطاب ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰ تراب علی خان چهارصدی ذات و خطاب ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰
خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰ خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰
ذاکر علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰
جمال الدوله میر جمال علی خان بهادر بجای جنگ و عینره -

مشارا الیه سه بهنراری ذات و خطاب - میر عبدالحی خان ولد بهمن جنگ پانصدی ذات
خطاب خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰

اصل سه بهنراری ذات اضافه خطاب جمال الدوله
و خطاب - ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰

میر عبد السلام خان ولد بهمن جنگ پانصدی ذات
و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجۃ ۱۰۰۰

باقری علی خان بهادر و غیره اقر با طالب الدوله

مشارء الیه و غیره پسران - دو اسم
 مشارء الیه یکیزی ذات جمال علیخان بهادر یکیزی مشارء الیه یکیزی ذات محمد علیخان بهادر یکیزی

و خطاب - ذات و خطاب - خطاب - ذات و خطاب

اصل پانصدی و خطاب - اضافہ پانصدی منصب اصل پانصدی منصب اضافہ پانصدی منصب

خانی - خطاب بہادر - خطاب بہادر - خطاب بہادر

اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی منصب اصل چار صدی ذات اضافہ ذات و خطاب

و خطاب خانی - خطاب بہادر ۲۰ دیچہ و خطاب خانی - بہادر ۲۰ دیچہ سید الیہ

حسن علی خان بہادر ولد بہادر مسطور یکیزی ذات و خطاب -

اصل پانصدی ذات و خطاب خانی - اضافہ پانصدی ذات و خطاب بہادر

۲۰ مزدیچہ سید الیہ

حکیم الحکما محی الدولہ عزت یار خان سہ ہزاری ذات و خطاب

الہ علم و نقارہ

اصل دو ہزار ذات و خطاب بہادر اضافہ یکیزی ذات و خطاب حکیم الحکما

الہ علم محی الدولہ الہ علم و نقارہ

حسن مرزا خان بہادر ولد سلطان مرزا خان مرحوم یکیزی ذات و خطاب -

اصل چار صدی ذات و خطاب خانی - اضافہ شش صدی ذات و خطاب بہادر -

میر بادلی خان بہادر و غیرہ اقربائے ہمراہی جہاگیر یار جنگ بہادر -

مشارء الیہ یکیزی ذات و خطاب - محمد تقی خان بہادر یکیزی ذات و خطاب

اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات

و خطاب خانی - خطاب بہادر ۲۰ دیچہ سید الیہ و خطاب بہادر ۲۰ دیچہ سید الیہ

محمد احسن اللہ خان بہادر یکیزی ذات و خطاب خانی

بہادر ۲۰ مزدیچہ سید الیہ

ذوالفقار خان بہادر شہر یار جنگ و غیرہ - دو اسم

مشاره الیه و نهاری ذات و خطاب - قایم بیک خان یکیزی ذات و خطاب
 اصل پانصدی ذات اضافه یکیزی ذات و خطاب اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات
 و خطاب خانی - شهریار جنگ جهادی اثنی عشر و خطاب خانی - و خطاب بهادر جهادی
 میر جعفر علی خان بهادر جعفر یار جنگ
 مشاره الیه و نهاری ذات و خطاب
 الس - علم و تقاره ۲۰ ذیحجه ۸۰۰

میر حسن علی خان بهادر اسد نواز جنگ نهاری
 و خطاب -
 اصل پانصدی ذات خطاب خانی اضافه یکیزی
 ذات و خطاب جنگ
 الس - علم و تقاره ۲۰ ذیحجه ۸۰۰

محمد میرالدین خان بهادر سکندر یار جنگ و نهاری ذات و خطاب
 اصل چهارصدی ذات و خطاب خانی اضافه یکیزی اوشنص ذات
 و خطاب سکندر یار جنگ
 الس - علم و تقاره
 محمد قمرالدین خان بهادر اکبر یار جنگ و غیره -
 مشاره الیه و نهاری ذات

نظام الدین علیخان ولد اکبر یار جنگ بهادر پانصدی
 ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیحجه ۸۰۰

اصل یکیزی ذات و خطاب
 خانی و بهادر
 اضافه یکیزی ذات
 و خطاب اکبر یار جنگ
 الس - علم و تقاره

مقام الدین علی خان ولد اکبر یار جنگ بهادر
 پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیحجه الیه
 میر میرالدین خان پانصدی ذات و خطاب خانی
 ۲۰ ذیحجه الیه
 غلام نقشبندی خان پانصدی ذات و خطاب خانی
 ۲۰ ذیحجه ۸۰۰
 اکبر نواز خن بهادر یکیزی ذات و خطاب
 ۲۰ ذیحجه الیه

اصل پانصدی ذات
اضافه د پانصدی ذات
و خطاب خلنی
و خطاب بکبر نواز جنگ بهادر

برق انداز خان پانصدی ذات و خطاب

خانی ۹ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ
فضل علی بیگ خان ولد ناد علی بیگ خان
پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ
غلام علی بیگ خان پانصدی ذات و خطاب
خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ

نولاد علی خان پانصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ

محمد وزیر الدین خان پانصدی ذات و خطاب
خانی ۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ

محب علی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ

کریم بیگ خان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ

محمد حاجی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۳ رذی الحجه ۱۱۰۰ هـ

اعتماد نواز خان چهارصدی ذات و خطاب
خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ

محمد خان احمد خان داروغه طولی چهارصدی
ذات و خطاب خانی - ۳۰ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ

محمد برهان خان داروغه طولی چهارصدی

ترادول خان پانصدی ذات و خطاب خانی
۲۰ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ

میر غلام مصطفی خان بهادر گیر ذات و
خطاب خانی -

صادق علی بیگ یکنزاری ذات و خطاب
خانی ۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ

علی یار خان پانصدی ذات و خطاب خانی
۲۶ هـ

هدایت الله بیگ خان پانصدی ذات و خطاب
خانی ۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ -

محمد میر خان پانصدی ذات و خطاب خانی

علی محمد خان چهارصدی منصب خطاب خانی
۲۰ ذی الحجه ۱۱۰۰ هـ

عبد الغنی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی
۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ

اعجاز رتم خان پانصدی ذات و خطاب خانی
۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ

اعتماد نواز خان عرف ابو محمد خان چهارصدی
ذات و خطاب خانی ۲ جمادی الثانی ۱۱۰۰ هـ

نصرتیاب خان دل جمال یاب خان چهارصدی ذات

و خطاب خلئی ۲۰ ذیلچہ الیہ	ذات و خطاات خانی ۲۰ ذیلچہ الیہ
محمد داؤد خان پانصدی ذات و خطاب	
خانی، جمادی الثانی ۱۲۶۶ھ	
میر عطا حسین خان بہادر وغیرہ اقربا و ہمراہی منشی عزیز اللہ -	سے راسم
مشار الیہ سہ ہزاری ذات و خطاب خلئی و بہادر	میرا برہیم علیخان بہادر و دوہزاری ذات
۲۰ ذیلچہ ۱۲۶۶ھ	و خطاب خانی و بہادر ۲۰ ذیلچہ ۱۲۶۶ھ
اعلم و تقارہ	الہ علم و تقارہ
عبدالمکیم خان بہادر کینہاری ذات و خطاب -	
خلئی و بہادر ۹ ذیلچہ ۱۲۶۶ھ -	
فتح اللہ بیگ خان وغیرہ سپہ سالار فقیر اللہ بیگ خان بہادر	
مشار الیہ پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیلچہ ۱۲۶۶ھ	محمد فضائل بیگ خان پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیلچہ ۱۲۶۶ھ
علامہ مرتضیٰ خان بہادر کینہاری ذات و خطاب	۲۰ ذیلچہ ۱۲۶۶ھ
اصل چہار صدی ذات و خطاب خانی	اضافہ شش صدی ذات و خطاب بہادر
محمد فاضل بیگ خان بہادر	سے راسم
مشار الیہ کینہاری ذات و خطاب	محمد جمال بیگ خان بہادر کینہاری ذات و خطاب
اصل پانصدی ذات	اضافہ پانصدی ذات
اصل چہار صدی ذات	اضافہ شش صدی ذات
و خطاب خانی	و خطاب بہادر ۹ ذیلچہ الیہ
و خطاب خانی	و خطاب خانی
محمد صدیق بیگ خان بہادر کینہاری ذات و خطاب بہادر	
اصل چہار صدی ذات	اضافہ سہ صدی ذات و
و خطاب خانی -	خطاب بہادر ۹ ذیلچہ الیہ
محمد محبوب خان وغیرہ اقربا و ہمراہی لودی خان بہادر -	

مشارک الیه پسر پانصدی ذات و خطاب خانی
 محمد سبجان خان بهادر ولد هدایت الله خان
 مرحوم برادرزاده پانصدی ذات و خطاب
 خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۵
 محمد منصو خان بهرامی پانصدی ذات و خطاب
 خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۵

محمد قطب علی خان اقربا بهرامی محمد سبجان خان بهادر
 ۶ شعبان ۱۲۴۵
 مشارک الیه یک هزاری ذات و خطاب خانی
 محمد امین عرف محمد امین لال یک هزاری ذات
 و خطاب ۶ شعبان ۱۲۴۵

فوتی

رفع الملک رفیع الدوله میر تاج الدین خان بهادر
 شجاعت جنگ یک هزاری ذات و خطاب
 ۱۲۴۵ علم و تقاره
 اصل چهار هزاری ذات اصنافه یک هزاری منصب
 و خطاب ۱۲۴۵ علم و تقاره و خطاب رفیع الملک
 ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۵
 رفیع الدوله میر محمد علی خان بهادر و شجاعت جنگ
 ۱۲۴۵ علم و تقاره
 اصل پانصدی ذات اصنافه یک هزار و پانصدی
 و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۵
 سید محی الدین حسین خان بهادر عظمت جنگ
 ۱۲۴۵ علم و تقاره
 میر نعمت الله خان بهادر خدا یا و جهنگ
 ۱۲۴۵ علم و تقاره

اصل کیناری ذات اضافه کیناری ذات و خطا. اصل چهارصدی ذات اضافه کینار سبت صد
و خطاب بهادر عظمت جنگ و خطاب خلئی. ذات و خطاب

ال به علم و تقاره
میر لطف علیخان بهادر ولد افتخار الملک بهادر جمال الدین خان برادر اکبر لار جنگ کیناری
دو هزاری ذات. ال به علم و تقاره ذات.

اصل پانصدی ذات اضافه کیناری پانصدی اصل پانصدی ذات اضافه پانصد ذات
و خطاب خلئی ذات و خطاب بهادر و خطاب خلئی و خطاب بهادر

۲۰ دلچ ال به علم و تقاره جمادی الثانی سیه
خان زاد خان چهارصدی ذات و خطا شجاعت بیگ خان ولد حسینی بیگ خانم روم
جمادی الثانی سیه میر ای میر عالم مغفور ۲۰ دلچ سیه

محمد جمیل خان پانصدی ذات و خطاب تهنیت نواز خان عرف محمد رحیم چهارصدی
جمادی الثانی سیه ذات و خطاب ۲۰ دلچ سیه

سیه محمد خان بهادر کیناری ذات و خطا اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات
و خطاب خلئی و خطاب بهادر جمادی الثانی سیه

مراتب متصداران پادشاهی

حی القاسم مله راسم فونی دواسم
افتخار الملک بشیر الدوله سید دلاور خان بهادر راجه رام سجویال متوفی زمیندار گدوال

افتخار جنگ نجم الملک کنشش هزاری ذات پنجهزاری
سم به علم و تقاره و پاکلی جهارلدار بر الملک شهنشوار الدوله راجه انکیا ناک بلونت

راجه راو رنهها بهادر بلونت هفت هزاری بحری بهادر رعب جنگ متوفی زمیندار شورپور
ذات معمم به علم و تقاره و پاکلی جهارلدار کنشش هزاری ذات سم به علم و تقاره پاکلی خضار

بیرالملک شهسوارالدوله راجه مدناگ بلونت
 بحری رعب جنگ زمیندارشوراپور پنجراری
 ذات سمسم علم و نقاره -
 راجه دنگٹ زسوهاشواراوسوانی بہادر
 زمیندارپالونچہ سہ ہزاری ذات
 اعسم علم و نقاره

کیفیت منصبہ اران ذیل -

محمد صلوات خان بہادر	محمد سبحان خان بہادر	محمد نودہی خان بہادر	محمد جمال خان بہادر
ہفت ہزاری ذات	سہ ہزاری ذات	چہار ہزاری ذات	لوہانی دو ہزاری
اعسم علم و نقاره ماہی	اعسم علم و نقاره	اعسم علم و نقاره	ذات اسم علم و نقاره
مراتب پالکی جھالردار			
محمد عروس خان بہادر	فوجدارخان بہادر	شرعیات امید خان	کرار نواز خان
عزت سہ ہزاری ذات	سہ ہزاری ذات	یکہزاری ذات	ہفت صدی ذات
اعسم علم و نقاره	اعسم علم و نقاره		
ملک ہنرہ علیخان پانصدی	علی بیگ خان پانصدی	نادر علی بیگ	خان چہار صدی ذات
ذات	ذات		

ہنرست منصبہ اران ہنود -

راجہ چند لعل بہادر پنجراری	راجہ گوبند بخش بہادر	راجہ سیام راج بہادر دیادنت	راجہ بابو راؤ
ذات سمسم علم و نقاره	سہ ہزاری ذات	پنجراری ذات سمسم	نرائن چہار صدی
اعسم		علم و نقاره و پالکی جھالردار	ذات
رائے لچمن داس چہار صدی	راجہ بلونت راجہ	راجہ رپورام چہار صدی	راجہ بابو راؤ
ذات -	چہار صدی ذات -	ذات -	چہار صدی ذات
راجہ کندراؤ چہار صدی ذات -	راجہ لچمن ہری چہار صدی -	راجہ لچمن کاتب	راجہ بابو راؤ چہار صدی

ہما را جہ راج را جہند راجہ رکھتم راجہ بہار
 ہفت ہزاری ذات للہم - علم و افتاء و ہدای کی جہاد دار
 رائے سری پت راؤ سہ ہزاری راجہ کشن راؤ بہار
 رائے امود راؤ بہار راجہ راماکانت راؤ
 دو ہزاری الہ - دو ہزاری ذات الہ
 راجہ سری و مہراؤ بہار راجہ مادہ راؤ
 دو ہزاری ذات - یکہزاری ذات
 راجہ زامن راؤ پانصدی رائے گنیت راؤ
 ذات پانصدی ذات
 رائے بونٹ چہار صدی - راجہ اندراؤ یکہزاری - راجہ بونٹ راؤ یکہزاری - راجہ سری پٹت یکہزاری
 راجہ تحصیل پٹت یکہزاری - راجہ گنگا رام یکہزاری - راجہ بھیم راؤ پانصدی ذات - راجہ سکھا رام
 یکہزاری ذات - راجہ جیوا جی پٹت پانصدی - رائے رام چند راؤ پانصدی
 رائے دامن راؤ پانصدی ذات - رائے وکٹ راؤ پانصدی - راجہ بھگوانٹ راؤ پانصدی
 رائے اندراؤ پانصدی - رائے سکھا رام پانصدی - رائے مادہ راؤ پانصدی - رائے
 سونہت راؤ پانصدی - رائے کیشو راؤ پانصدی ذات - رائے سری پت راؤ پانصدی
 رائے رکھت راؤ پانصدی - رائے مت راؤ پانصدی - رائے رنگ راؤ پانصدی
 رائے امر راؤ پانصدی - رائے لچھن راؤ پانصدی - رائے کیشو راؤ پانصدی
 رائے بالا راؤ پانصدی - رائے زہر راؤ پانصدی - رائے نہیت راؤ پانصدی
 رائے سواس راؤ پانصدی - رائے رنوراؤ پانصدی - رائے اندہ راؤ پانصدی
 رائے منت راؤ پانصدی - رائے رنگ راؤ پانصدی - رائے ستیا رام پٹت چہار صدی
 رائے سکھا رام چہار صدی - رائے نرسنگہ راؤ چہار صدی - رائے نرسن راؤ چہار صدی
 رائے سری لوامس پٹت چہار صدی - رائے جھوانی پٹت چہار صدی - رائے خوشال چندہ دو ہزاری
 الہ

رائے دیگ رائے کینزری ذات - رائے چاتر لعل چارصدی - رائے طوطا رام چارصدی ذات
 رائے خوب چند چارصدی - رائے اُجاگر چند چارصدی - رائے منو لعل چارصدی
 رائے نانک چند چارصدی - رائے لچھی نرائن چارصدی - رائے سہوگ چند چارصدی
 رائے اسوای پرشاد - رائے بنی چند چارصدی - رائے بھوپال رائے چارصدی
 رائے مو چند کینزراوپا لفسد - رائے بالا پرشاد کینزری ذات - رائے یکرن کینزری ذات
 رائے اندر لعل چارصدی ذات - رائے موہن لعل چارصدی - رائے گوب چند چارصدی
 رائے مل جی چارصدی - رائے بش سنگھ چارصدی - رائے کیول رام دیا بہادر
 رائے پورن چند چارصدی ذات - رائے مراد داس چارصدی - رائے جنت چار نزاری
 دیا لفسد ذات - رائے تارا چند چارصدی - رائے ہمال چند چارصدی اے
 رائے ستیل داس چارصدی - رائے منو لعل چارصدی - رائے حکومت رائے چار
 رائے اُجاگر لعل چارصدی - رائے چنی لعل چارصدی - رائے کال چند چارصدی
 رائے منو لعل چارصدی - رائے چنی لعل چارصدی - رائے چھا کر داس چارصدی
 رائے سند لعل چارصدی - رائے موتی لعل چارصدی - رائے لچھن سنگھ دو نزاری ذات

اعمال

ہمراہیان شمس الامرا بہادر -

راجہ منو لعل دو نزاری ذات - راجہ رین چند کینزری ذات - رائے چنی رام کینزری ذات
 رائے جیون رام چارصدی - رائے چو لعل چارصدی ذات - رائے گردھاری لعل چارصدی
 رائے گوری پرشاد چارصدی - رائے دیال چند چارصدی - رائے کیشو راو بہادر کینزری ذات
 رائے ہر رائے بہادر کینزری ذات - رائے جیون راو چارصدی - رائے ٹارا راو چارصدی ذات
 رائے کلان چند چارصدی - رائے ناتھو رام چارصدی - رائے دہیان چند چارصدی
 رائے راجا رام چارصدی - رائے جواہر لعل چارصدی - رائے درگا پرشاد چارصدی
 رائے صاحب رام چارصدی - رائے لچھن پرشاد چارصدی - رائے خوشحال راو کینزری ذات
 رائے بالا پرشاد پالفسد ذات - رائے منا لعل چارصدی ذات - رائے روشن چند چارصدی ذات

راکے اوتھ پرشاد چار صدی ذات - راکے مراد داس چار صدی ذات - راکے جادو رام چار صدی ذات
 راکے کندن راو چار صدی ذات - راکے اندراو چار صدی ذات - راکے موہن دت چار صدی ذات
 راکے نیولاس راکے چار صدی - راکے لچمن داس چار صدی ذات - راکے گلاب راکے چار صدی ذات
 ہمارا بیان غلام سید فاضل مخدوم -

راکے منوئل مشرف دیوڑھی سر فرزا بیگم چار صدی ذات - راکے ہزاری صل ولد -
 منوئل ہفت صدی ذات - راکے امر سنگھ چار صدی ذات - راکے گردھاری صل
 چار صدی ذات - راکے سہوا جی داس چار صدی ذات - راکے راجا رام چار صدی ذات
 راکے نامیا ہندت چار صدی - راکے نگہراج چار صدی ذات - راکے پورن پرشاد
 چار صدی ذات - راکے سبکراج چار صدی ذات - راکے نوند راکے چار صدی
 راکے اندر من چار صدی ذات - راکے فقیر چند چار صدی ذات - راکے جیوان ام
 چار صدی ذات - راکے دیارام چار صدی ذات - راکے گوہند رام چار صدی ذات
 راکے دوبارام چار صدی ذات - راکے دوبارام چار صدی ذات - راکے
 رانول چار صدی ذات - راکے لیان چند چار صدی ذات - راکے بھمراج چار صدی
 راکے بہارامل چار صدی ذات - راکے کشن صل چار صدی ذات - راکے بانگش
 چار صدی ذات - راکے راجا رام وغیرہ - راکے پورن چند چار صدی ذات
 سے اسم رام شام داس ذات - راکے کشن راو ذات

مٹاوالیہ چار صدی - راکے مہیت راکے مہ صدی ۳ صدی ۴ صدی
 راکے راجندر - مہ صدی

راکے مادھوراو وعینہ - دو اسم راکے کشن راو وغیرہ راکے گھنٹے راو ذات
 راکے ہزارا بن بہادر بنمت دیو مٹاوالیہ مہ صدی ذات مٹاوالیہ ہفت ذات - ۴ صدی
 سے اسم راجہ گوہند نرائن راکے جوگراج راو

مٹاوالیہ سہ ہزاری ذات ۴ صدی ذات ۴ صدی ذات
 راکے رانا راو مہ صدی

دفعہ

راجہ نزل راؤ بہادر - راجہ رام راؤ بہادر - رائے ڈنگاچلم پانصدی ذات
سہ ہزاری ذات - دو ہزاری ذات

الف

اع

رائے نزل راؤ چار صدی ذات - رائے سوہیارام چار صدی ذات - رائے نرائن راؤ
چار صدی ذات - رائے پاپیا پنڈت ۳ صدی ذات - رائے شیش راؤ چار صدی ذات
رائے دنکٹ راؤ چار صدی ذات - رائے دیواگیر چار صدی ذات - رائے نیلٹ کٹا راؤ
چار صدی - رائے رنگم پنڈت چار صدی ذات - رائے دنکٹ جیت رائے ہزاری ذات
رائے کوبی راؤ کینزاری ذات - راجہ کور راؤ کینزاری ذات - رائے گوپال راؤ پانصدی ذات
رائے لمہار راؤ چار صدی ذات - رائے سنگر راؤ چار صدی ذات - رائے
بہلا در او بدستور - رائے سیلور او بدستور - رائے کاشی راؤ بدستور - رائے شیش راؤ
بدستور - رائے ہمت رام بدستور - رائے اندرام بدستور - رائے دیوارام بدستور
رائے جیونت راؤ بدستور - رائے سیوارام بدستور - رائے انبارام بدستور -
رائے راگھورام چار صدی ذات - رائے جگدیش رام بدستور - راجہ شیو پرتاد
یکہزاری ذات - راجہ پیر بھان یکہزاری ذات - رائے جھوٹم لعل چار صدی ذات
راجہ بالکنند یکہزاری ذات - رائے بالچند چار صدی ذات - رائے انبارام بدستور
رائے انجیا لعل چار صدی ذات - رائے ٹھنڈے راؤ بدستور - رائے جیونت راؤ بدستور
رائے بانڈورنگ راؤ بدستور - رائے جانی رام چار صدی ذات - رائے سمر نواس راؤ
بدستور ذات - رائے رگھوناتھ رام بدستور - رائے جھیکن راؤ بدستور - رائے
انباداس چار صدی ذات - راجہ میا رام یکہزاری ذات - رائے جتن لعل ہزاری ذات
رائے جین رائے چار صدی ذات - راجہ روپ لعل یکہزاری ذات - رائے کھنرج
چار صدی ذات - رائے کیسر چند چار صدی ذات - رائے نوٹنت رام بدستور -
رائے بہار لعل چار صدی ذات - رائے راجسروادو بدستور - رائے تیل من بدستور

راٹے درگاہ داس بدستور - راٹے لچھمن پرشاد چارصدی ذات - راٹا راجا رام بدستور
 راٹے دولت رام بدستور - راٹے بھوگ چند بدستور - راٹے دیوارام چارصدی ذات
 راٹے ہوماں چند بدستور - راٹے بلونت راؤ یکھزاری - راٹے نرسنگہ راؤ -

پالضدی ذات

راٹے بھوانی داس - راٹے ہول رام - راجہ سدائیتورائے - راٹے دیانامتھ - راٹے درگاہ پرشاد
 چارصدی ذات بدستور یکھزاری چارصدی - یکھزاری ذات
 راٹے موہن لعل - راجہ رگھناتھ داس جی دھری جینی راٹے درگاہ پرشاد - راٹے بھمبر سنگہ
 چارصدی ذات - یکھزاری پالضدی ذات چارصدی
 راٹے پورن چند ذات راٹے حکم چند راٹے شام راؤ
 یکھزاری ذات پالضدی بدستور پالضدی ذات
 راٹے بھگونت راؤ - راٹے راجا رام - راٹے کیشو رائے - راٹے سیام راؤ
 چارصدی ذات پالضدی ذات چارصدی ذات
 راٹے گلاب رائے - راٹے بالکند - راٹے انند راؤ مدلس - راٹے جی داس

چارصدی

راٹے کبیدی راؤ - راٹے راس پنڈت - راٹے آنا پنڈت - راٹے سیوک رام
 بدستور بدستور بدستور چارصدی
 راٹے لعل چند - راٹے کلیان راؤ - راٹے رتن چند - راٹے روشن رام
 بدستور بدستور چارصدی ذات
 راٹے روشن چند - راٹے انند راؤ - راٹے نرسنگہ راؤ - راٹے مادھو داس
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 راٹے منگبہ رام - راٹے اجی رام - راٹے انبا رام - راجہ بھوانی پرشاد یکھزار
 بدستور بدستور بدستور پالضدی ذات
 راٹے اندر پرشاد پالضدی ذات - راٹے نول سنگہ چارصدی ذات -

رائے دیال سنگھ - رائے جیون رام - رائے سردار مل کپڑاری - رائے بال چند
 بدستور بدستور ہفتصدی ذات دپانصدی ذات ہفتصدی ذات
 رائے مل چند - رائے موکرم کپڑاری - رائے ترکم راؤ - رائے نرائن رام
 چارصدی ذات دپانصدی ذات یکپڑاری دپانصدی ذات یکپڑاری پانصدی
 ایشنگا داس - برنس رام - ونکٹ رام - کتن راؤ - راجی بالاجی سنہاری ذات
 دوصدی ذات یکصدی ذات یکصدی ذات الہ
 رائے گوپال داس - رائے ہمال سنگھ - رائے بالے رام - رائے من مل
 نش صدی ذات ہفتصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات
 رائے خوب چند - رائے درگا پرشاد - گمانی مل دوصدی - راجہ شید راؤ
 چارصدی ذات چارصدی ذات ذات دونہاری ذات
 رائے راجا رام - راجہ رام چند راؤ رائے گوپال راؤ - راجہ رگھوناتھ راؤ دونہاری
 دونہاری ذات یکپڑاری ذات چارصدی ذات ذات الہ
 رائے شنگر راؤ رائے پتل راؤ رائے ہنونت راؤ - رائے سیوارام داس
 چارصدی ذات یکپڑاری ذات پانصدی ذات چارصدی ذات
 رائے نرمل راؤ رائے سیوارام پنڈت رائے ونکٹ راؤ رائے سوانی شنگر
 پانصدی ذات پانصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات
 رائے ناگواراؤ چارصدی - رائے پرس رام - رائے راجا رام پنڈت چارصدی
 ذات چارصدی ذات ذات
 رائے بابو راؤ - رائے بالاجی پنڈت - رائے ہوجنگ راؤ - رائے ونکاجی پنڈت
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 رائے نرمل راؤ - ہنونت راؤ دوصدی - سری نواس راؤ - راجہ ایشاز سنگھ
 بدستور ذات دوصدی ذات یکپڑاری پانصدی
 رائے فتح سنگھ چارصدی - رائے سنگھ چارصدی - سرفراز سنگھ پانصدی ذات

راجہ لچھی رام کپزاری - راجہ نرائن سنگھ - راجہ روپ نعل کپزاری - راجہ ابرنعل چارصدی
بدستور بدستور بدستور ذات ذات ذات

رائے لوک چند - رائے دادہوراے - رائے موتی نعل - رائے نعل چند

چارصدی چارصدی ذات - چارصدی ذات - بدستور
رائے ٹینگٹ پرشاد - راجہ جے کشن داس - رائے بہار نعل - رائے ونکٹ راؤ -

بدستور بدستور ذات - چارصدی نہ صدی ذات

رائے برج نعل - رائے سنگو جی - رائے اندر راؤ - رائے جاگنی رام

سہ صدی ذات سہ صدی سہ صدی ذات بدستور

رائے بیس رام - رائے ہونت راؤ - رائے نرسنگھ راؤ - رائے کاسنجہ

بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات

رائے گوگل چند - رائے لہار راؤ - رائے ٹھاگر داس - روشن چند ساہو

بدستور بدستور ذات - ہفتصدی ذات - ہفتصدی ذات - چارصدی ذات

رائے تلہارام - رائے تلسی رام - رائے اودھی کرن - رائے جمن نعل چارصدے

ہفتصدی ذات ہفتصدی ذات ہفتصدی ذات ذات

وائے منو نعل - رائے دولچند - رائے دینی داس - رائے درگاہ داس

چارصدی ذات ششصدی ذات - پانصدی ذات - چارصدی ذات

رائے سندرداس - رائے جیل رام - رائے متھل داس - رائے دیارام

چارصدی ذات پانصدی پانصدی بدستور

رائے رگھناتھ چارصدی - رائے دولت رام - رائے ہیر نعل - رائے شتابام

ذات پانصدی ذات چارصدی ذات پانصدی ذات

رائے دیپ چند - رائے نعل چند - رائے بختیار چند - رائے کونل رائے - رائے نرجن نعل

چارصدی ذات - چارصدی ذات پانصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات

رائے کیشو نعل بدستور - رائے جی نعل کپزاری ذات - رائے روشن چند چارصدی ذات

رائے تلجا پر نشاد - رائے موتی محل - رائے نرسنگھ رائے - رائے درگاداس
 بدستور بدستور پانصدی ذات چارصدی
 رائے بنی دھرم - رائے رام داس - رائے رگھوناتھ رام - رائے رام پرشاد
 بدستور بدستور چارصدی ذات بدستور
 رائے جیپت رام - رائے رام داس - رائے ٹیکا رام - رائے گیان رام
 بدستور بدستور بدستور چارصدی
 رائے گو بند رام - رائے لچھمن رام - رائے لچھمن پرشاد - رائے منو محل
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رائے طوطا رام - رائے گھاسی رام - رائے دیپ چند - رائے رگھوناتھ پنڈت
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رام چندر پنڈت - رام مخندر پنڈت - رائے لچھمن پنڈت - رائے راماجی پنڈت
 چارصدی ذات بدستور بدستور بدستور
 رائے گنیش پنڈت - رائے جگناتھ پنڈت - رائے لکھ پنڈت - رائے سدرج
 چارصدی ذات بدستور بدستور بدستور
 رائے برماجی پنڈت - رائے جیونٹ راؤ - رائے بچ محل - رائے منہ محل
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رائے بش چندر - رائے بالاجی پنڈت - رائے بالوجی پنڈت - رائے گلاب رائے
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات
 رائے دلا رام - رائے انکٹ راؤ - رائے راجا رام - رائے مادھو رام
 بدستور پانصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات
 رائے ہر پرشاد - رائے بالا پرشاد - رائے سدیشو پنڈت - رائے بھیم سین
 بدستور پانصدی ذات چارصدی ذات بدستور
 رائے تواری محل بدستور - رائے ہنٹ رائے بدستور - رائے کواری محل بدستور

راے لوک ناہتہ - راے سنوائی پرشار - راے سمیت راے - راے گلاب راے

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے بلاقید اس - راے جیت راے - راے برامون داس

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے شبنورام - راے زائن داس - راے پوتیمبر راے - راے مدن سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے زائن سنگھ - راے ہرج سنگھ - راے ذمایت سنگھ - راے چند داس

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے ہیرا لعل - راے پتیمبر داس - راے فتح چند - راے بلونت راے

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے کنونت راے - راے سمیت راے - راے دھن راج - راے ونا سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے یکم کرن - راے سوبہ رام - راے گردہاری لعل - راے بالا رام -

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے الیرداس - راے درگاداس - راے چھٹو لعل - راے جکمون -

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے سانول داس - راے جہا ل - راے الیرداس - راے راجیسر داؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے جھل راؤ - راے سوبہ رام - راے نگھتا تھ رام - راے تلوک چند

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے حمدانی لعل - راے نوذراؤ - راے نند لعل - راے انند رام - راے جہلی رام

بدستور بدستور بدستور بدستور
راے ترک رام بدستور - راے ناہتہ بدستور - راے اموسی رام - بدستور

راے مکھو مل بدستور - راے اندراؤ - راے رگورام - منوئی مل - راے سوہارام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ملت رام - راے منو مل - راے ٹھاکور داس - راے کشن راؤ - راے ونگٹ راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ہر دی رام - راے بابورائے نشی - راے راماجی بھٹ - راے رنگ راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے جوڑا سنگھ - راے گوری پرشاد - راے بدہ سنگھ - راے مگرو ب راے

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ہمت سنگھ - راے تمبر داس - راے ہرجیون داس - راے بو جڑ مل

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے خوشحال چند - راے بنی چند - راے تمبر داس - راے پرشاد دی مل

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بلاسی راے - راے لچند - راے ونگٹ راؤ - راے سنسکری راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بہت راؤ - راے کشن راؤ - راے گوبند رام - راے ونگٹ رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے سانبا بھٹ - راے واسد پو راؤ - راے ناگواراؤ - راے امرت رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے کنڈ ونگٹ - راے بھو جراج - راے اودے چند - راے لچھن پرشاد

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بنی سنگھ - راے اسانند - راے نوبت رام - راے امرت رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بالچند بدستور - راے پرتاب رام بدستور - راے کیول کشن بدستور - راے کوہی نام

راتے گوبند رام - راتے ترل راؤ - راتے راجا رام - راتے رگھناتھ داس
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے رام چند - راتے بہکیم - راتے حکم چند - راتے راوی - راتے گوبند راؤ -
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے ڈو نگرمل بدستور - راتے ناگورام - راتے ستیادام - راتے ٹیکا رام
 بدستور بدستور بدستور
 راتے رنجپوٹ رام - راتے باقی رام - راتے معراج - راتے نیت راؤ - راتے چکر
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے تھام راؤ ساجی - راتے رام کنن - راتے روپ رام - راتے پورن چند
 بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے مادھو راؤ - راتے ترل راؤ - راتے کیشو راؤ - راتے کندن راؤ - راتے گودند راؤ
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے راجا رام - راتے منوعل - راتے ڈنکٹ راتے - راتے آپا رام - راتے ہاکمل
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے دھرم راؤ - راتے مانا راؤ - راتے رتن مل - راتے اند راؤ - راتے سرپا پٹ
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے نہال چند پٹ - راتے ہراجی پٹ - راتے گوبند رام - راتے ہیرا مل
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے انوپ راتے - راتے گنڈل راؤ مصر - راتے سوبا راؤ - راتے لچمن چند
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے انگو پٹ - راتے بالکن پٹ - راتے سرنی نواس راؤ - راتے بلونت راؤ
 بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور
 راتے ٹھاکر داس سنو - راتے گلکاب راتے - راتے ہستور - راتے سرپ سنگھ رام بدستور

راستے ہمت سنگھ بدستور - راستے سیورام - راستے اندراؤ - راستے اندرام - راؤ گنپت سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راستے جڑا من - راستے سری رنگ راؤ - راجہ راؤ دہنہا بہادر جیونت ہفت ہزاری ذات

بدستور بدستور مہم - علم فقارہ و پاکلی جھالدار

راجہ ارمن بہادر سہ ہزاری - راجہ اندراؤ بہادر دو ہزاری ذات - راجہ جادو بی ہجری ذات

اعلم علم فقارہ اعلم علم فقارہ اعلم علم فقارہ

جگپت راؤ پنچہزاری ذات - سموت راؤ کیزاری - بھگونت رام - بھعل راؤ

اعلم علم وفاقہ ذات بانصدی ذات ہنقصدی ذات

شیو راؤ بانصدی - راستے تھل راؤ - بابھی راؤ بانصدی - سکھارام تشصدی

ذات چارصدی ذات ذات ذات

بھل رام دو صدی - راجہ روپ سنگھ بہادر سہ ہزاری - کنور لھن سنگھ بہادر دو ہزاری ذات

ذات اعلم علم وفاقہ اعلم علم وفاقہ

زنجیت سنگھ دو ہزاری ذات - صورت سنگھ - راستے کمر کو پندت چار صدی لائے امرت

اعلم علم وفاقہ چارصدی ذات ذات

راجہ جی سنگھ بہادر کیزاری ذات - موٹی سنگھ کیزاری - رام راؤ سنگھ کیزاری ذات

اعلم علم وفاقہ ذات ذات

راجہ مان سنگھ راؤ کاکہ سہ ہزاری ذات - راجہ بھل داس - راجہ بلونت راؤ تش صدی

اعلم علم وفاقہ پکیزاری ذات ذات

زمینداران منصبدار -

سری پدم ناتھ داس ونچے پال جکل سنگھ - راستے کیشور راؤ وکیل - راکھت رام

درجہ کرت منی منہ سلطان مہاراج راجہ - راجہ رام بھوپال زمیندار

رام راج بہادر جنگ زمیندار سیلوار - پنچہزاری ذات

پنچہزاری ذات - اعلم علم وفاقہ - فوت شد

راجہ کاوہراج بہادر پنجہزاری ذات - راجہ کسلی پور ملہ - راجہ کھلیج ناگ بہادر زمیندار
 زمیندار سری رنگ پٹن کپہزاری پکھزار و بانفہ دیورک پنجہزاری ذات
 دیانفہری ذات - ذات اع - علم
 راجہ جگنی راج بہادر پنجہزاری - راجہ کیشوراج بہادر - راجہ آپاراؤ بہادر - راجہ ہرچند رسہزاری
 ذات سم - علم و نقارہ پاکلی سہ ہزاری ذات سہ ہزاری ذات ذات
 مہاردار - اع - علم و نقارہ اع - علم و نقارہ اع - علم و نقارہ
 راجہ راکھوراج کپہزاری - راجہ ہرچنی راج کپہزاری - راجہ وکلی راج کپہزاری - راجہ راجندر راج
 ذات ذات ذات
 راجہ آپاراؤ کپہزاری - راجہ رام تلک کپہزاری ذات - اناسوامی کپہزاری ذات - بسواش راؤ کپہزاری
 ذات ہار ہار ہار
 بہر الملک شہسوار الدولہ راجہ بدنانک بونت بھرنی ہار - راجہ رام تلک کپہزاری گویال راؤ بہادر - راجہ
 رعب جنگ پنجہزاری ذات زمیندار منوہار پور ذات پکھزاری ذات راجہ شیر زن
 اع - علم و نقارہ
 راجہ اکیلا ندنگ بہادر دو ہزاری ذات - راجہ سو بھاراؤ چہار صدی - راجہ سری نواس
 اع - علم و نقارہ ذات چہار صدی ذات
 راجہ کیو راؤ - راجہ بھیم راؤ - راجہ وکٹ راؤ - راجہ داس ٹی وکٹیا و
 چہار صدی ذات چہار صدی ذات - چہار صدی ذات - ہری ناہر بہادر منہ سلطان
 مرتضیٰ گروالہ چہار صدی ذات
 اع - علم و نقارہ
 گویتہ راؤ زمیندار اکھلوہ - راجہ وکٹ نرسواراؤ سو اسمے بہادر - راجہ اکیلا ناگ کیکل
 سہ ہزاری ذات - مانچہ والا سہ ہزاری ذات - چہار صدی ذات
 اع - علم و نقارہ فوت شد
 راجہ کھنٹہ راؤ بہادر سہ ہزاری ذات اع - علم و نقارہ - وکالت رام بانفہری ذات

راستے کلیا پانصدی - راجہ سنگار پٹی دونهاری ذات - راجہ اونات راوسہ ہزاری ذات
ذات - علم و نقارہ

راجہ آنار پٹی دونهاری - راجہ ونگل ویدی دیمکھہ پرگنہ کلاپور - راجہ گمراؤ بہاؤ زمیندار
ال - علم و نقارہ دونهاری ذات ال - علم و نقارہ - یلگندل دونهاری ذات
نرمل زمیندار کلو دونهاری ذات یلگنار علم و نقارہ - ال - علم و نقارہ

راجہ سوامی رام کشا راؤ زمیندار - راجہ سن گرجا بہادر سر سلطان - راجہ جگیت راؤ بہادر زمیندار
وتیری ال - علم و نقارہ - زمیندار سینکا کول دونهاری ذات - یلگندل - یلگناری ذات
ال - علم و نقارہ

راستے ویرانہ راؤ - راجہ راجیس راؤ بہادر سر دیپاڈیہ - گوئید راؤ - ونگٹ راؤ زمیندار
چار صدی ذات - یلگندل - یلگناری ذات - پانصدی - یلگناری ذات
راستے بابو راؤ - راجہ راجیس راؤ بہادر - راستے کمالگیر راؤ - راجہ شکر راؤ بہادر زمیندار

چار صدی ذات - سر دیپاڈیہ - چار صدی - منی کو دیگل یلگناری ذات
راستے بیتا رام دیپاڈیہ پرگنہ اور - راستے کوٹ رام دیپاڈیہ پرگنہ ارکنڈہ - راستے رام کشن
پانصدی - پانصدی - چار صدی

راستے نرمل راؤ - راستے ونگٹ رام - راستے نرائن راؤ - راستے مہت پنڈت پرگنہ
چار صدی - چار صدی - چار صدی - اور والہ چار صدی ذات
راستے ہنر پنڈت - راستے بننت راے دیمکھہ پرگنہ ملکونہ - راؤ پدرا پٹی زمیندار

چار صدی - چار صدی ذات - پرگنہ ساتوبی چار صدی
راستے پانڈ ورننگ دیپاڈیہ نقارہ گکھرگہ - راستے کشن راؤ
چار صدی ذات - چار صدی ذات

دفعہ از منہود -
راجہ جگد یو پسر راجہ کلیان راؤ چار صدی ذات - راستے نیکنٹہ راؤ - راستے سمرا سچ سر سچو راج
ال - علم و نقارہ بالکی جہاالدار - شش صدی ذات - چار صدی

کنوز دلیل سنگہ سپرودھ سنگہ
بخطاب و منصب تہ فرازند

نتیجہ حاجی راوندھیہ بمخطاب و منصب نشندہ سواران راجہ مسطور متعینہ از نواز خان بہادر لاند
و مشار الیہ بذات خود در جاگیر بزرگان سندھیہ مذکور راز و قتیگہ مغفرت تاب در دکن آہن
ہمراہ بودند در جلد و سیکوہ متی جاگیر یافتند -

حضرت مولوی محمد نضر علی زنجیر قتل الصلحہ بزرگاد
مولیٰ اسماعیل علی سر علی رتہ بہل سے شتر قچی بان

مولیٰ علی علی پانکی و میانہ علی ضرب توپ ہٹو مولیٰ علی ہمار شتر نقارہ
مالہ رٹپارہ نگران شتر سوار

منصب داران وغیرہ -

مولیٰ علی علی نضر علی
مولیٰ علی علی سر
مولیٰ علی پانکی
مولیٰ علی زنجیر قتل
مولیٰ علی شتر قچی بان
مولیٰ علی شتر نقارہ
نگران شتر سوار

شاہ یار الملک بہادر - رفعت الملک بہادر

صما علی
صما علی
صما علی

دور زنجیر قتل
سے شتر قچی بان

نور الامر بہادر - فیض الدولہ - راجہ راؤ رنبہا بہادر - حسام الملک بہادر

لما عیسیٰ - ص - سما عیسیٰ - مالم -
لما عیسیٰ - ص - سما عیسیٰ - مالم -

زنجیر فیل

سکندر الدولہ بہادر - حسن یاوردولہ بہادر سپہن - محمد صلابت خان بہادر - اشرف الدولہ بہادر

ما عیسیٰ - امین الملک بہادر موفقی - الکامیہ - لہ عیسیٰ -
ما عیسیٰ - سما عیسیٰ - الکامیہ - لہ عیسیٰ -
سما عیسیٰ -

بہرام الملک بہادر - افسر الدولہ بہادر - محمد سبحان بہادر - محمد عدر دس خان بہادر

ما عیسیٰ - ص - نقر - الما -
ما عیسیٰ - ص - الما - مالم سر دہ پاکی

محمد ودی خان بہادر - کنور چمن سنگھ بہادر پیر راجہ - محمد رحمت خان - آوردہ مرقی یا جگت

ما عیسیٰ - پدم سنگھ متونی - سما عیسیٰ - صما عیسیٰ -
مالم - نقر شتر قارہ - ما عیسیٰ - صما عیسیٰ -

زنجیر فیل - ما عیسیٰ - دوزنجیر فیل دو منزل پاکی - یک زنجیر فیل منزل پاکی

سوامان آوردہ غلام حسین کہوکر - محمد یعقوب خان - آوردہ لطف علیخان - محمد صاحب سلطان پانچم

ص - ص - ما عیسیٰ - سواران جالیر - صما عیسیٰ -
ص - ص - ما عیسیٰ - صما عیسیٰ -

زنجیر فیل منزل پاکی - دوزنجیر فیل دو منزل پاکی

بہارنی نیاز بہادر خان مولہ عبدالدولہ - شیخ محمد اکبر وغیرہ - راتے چھوٹم مس وغیرہ اگر آرد خان بہادر

لہ نقر - سما عیسیٰ - مالم -
لما عیسیٰ - سما عیسیٰ - منزل پاکی - مالم -

لہ زنجیر فیل - منزل پاکی - زنجیر فیل منزل پاکی - منزل پاکی

سید اعظم خان بهادر - داتم خان و قاسم خان - سواران حسین یار جنگ - حافظ یار جنگ بهادر

لو - لو - لو - لو -
لو - لو - لو - لو -
تجور جنگ بهادر - محمد شاکر خان و دانی - راجه سیام راج - سیتا رام بهوپال

من - صا - صا - صا -
من - صا - صا - صا -
کشتابی راو - منصور خان - نیرموسی خان - سید منور - سید خدوم

ص - ع - ع - ع -
ص - ع - ع - ع -
ابراک جنگ بهادر - جعفر یار جنگ بهادر - سید نواز جنگ - سکنه یار جنگ بهادر

ص - ل - ل - ل -
ص - ل - ل - ل -
نورالدین خان و جعفر خان - محمد زبردست خان بهادر - نواز خان ناغ و غیره - غلام قادر و کونجی

لا - لا - لا - لا -
لا - لا - لا - لا -
محمد نواز خان و غیره - علی بیگ خان و غیره - شاه عالم خان و غیره - شیخ حمید الدین و قیو آو

لا - لا - لا - لا -
لا - لا - لا - لا -
احمد خان درانی - سر انداز خان - منور خان و غیره - سون سنگه و غیره - شیخ محمد و غیره

ع - لا - لا - لا -
ع - لا - لا - لا -
راجه بنوشت - پایگاه سر رشته راجه میا رام باسم سید عبداللہ - نقشبند خان - احمد خان

لا - لا - لا - لا -
لا - لا - لا - لا -

تاج بیگ خان و سیه برهان علی و آدم خان بزرگ - بجوب تلمه و نقاب سبزه یغیان و دایم خان

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

غلام محی الدین خان و حیدر بیگ و غیره - منور خان کپوگر - مرزا افضل بیگ - یغور خان و ظفر علی خان

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

نرم علی خان و محمد منی و عمر خان و کاکی خان - میر غلام علی خان و عنایت خان و داکتر سبزه

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

مرزا صوفی خان - جعفر علی خان - دیوان شاهه و غلام علی و میر عنایت علی خان و نجیب علی خان

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

جهان خان ناعز - فیضان علی خان - فتح بار خان و منور خان و صالح بیگ خان - دلداری

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

بهاور علی خان و محمد هادی خان و عبدالکریم خان - سواران متفرقات - سواران علاء الدین و تونبه و غیره

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

ظفر علی خان - خواجه بهار الدین - نجارام نزاری - سواران اسکندر و یار جنگ

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

محمد فیض الدخان - میر اکرم علی - خوش بدن - میر ابو الحسن خان

میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی - میر علی

بهرت خان - راجه پوچیت سنگه - اگر آم خان - شمس الدین خان - مرزا نیا زیگ

محمد علی خان - سواران بھگوان - کشتن سنگه و غیره - سواران پارکاه - سواران احمد بک

سواران حسین خان - آورده شاه باقر حسین - محمد عظیم الدین خان - محمد بک خان

ناصر - شری - ناصر - شری

محمد عبدالقادر خان - تربت سواران - الف خان و غیره - مرزا ندائی - سواران احمد خان

محمد - منزل پوچیت سنگه - محمد - منزل پوچیت سنگه

سواران شیورام ناتک - سواران آورده زبردت خان - آورده محمد منو خان و دیگران

محمد - ناصر - ناصر - ناصر

دلیل سنگه - سواران آورده امین الدین خان - صالح محمد خان - محمد نور اورخان

محمد - ناصر - ناصر - ناصر

شیخ بسالت خان - محمد سوائی خان - شاهادی خان - محمد عثمان خان

محمد - ناصر - ناصر - ناصر

ناصر - ناصر - ناصر - ناصر

ناصر - ناصر - ناصر - ناصر

ناصر - ناصر - ناصر - ناصر

خان وغیرہ صوبہ داران کہ بعد موسیٰ رحمون در وقت جمعیت رام کرار نواز خان -
 برلین موسیٰ رحمون سرفرازی یافتہ اند سر یک صوبہ دار علیہ علیہ است مالام
 و جمعیت مذکور بر پرہ بندی مرشد زادہا و قیٹکہ گوگنڈہ و بعضے یک ضرب رہڑو
 پرہ بادر حضور و بعضے بر تعلقات متفرق اند منزل پٹارہ -
 الہامیہ

سے ضرب رہڑو سے منزل پٹارہ

جوانان سنگھ - جوانان بر قنداز خان آور وہ محمد جعفر خان - جعفر یار جنگ بہادر

مالام نفر

یک ضرب رہڑو

دو پا جنگ - اسد نواز جنگ - شیخ غلام محمد کیدان - اچھا رام صوبہ دار - باریک ان صف مند

مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر

یک ضرب رہڑو

میر احمد میر امام مہر بر قندازان - دلا رام وغیرہ بر قندازان - محمد یعقوب

مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر

سید حسن وغیرہ جو نشان دہر قندازان - محمد اشرف الدین - تہاب خان بر قندازان

مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر

نوز بیگ بر قندازان - آورہ راماریڈی مادکوه بر قندازان - بولاریڈی بر قندازان

مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر

مسٹر موکیل - پالمر صاحب - لچھا راو - جوانان بار آورہ سید عبد الرحمن

مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر

یک ضرب رہڑو

ذکیا نامک نامک بیادہا - غلام محمد الدین و عباس وغیرہ بر قندازان - محمود بیگ محمدی کالیا دیو

مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر مالام نفر

حسین بیگ و غیره - بارگراں اقبازبان - جوانان بارآورده سید محی الدین خان سپهرکنده پادشاه
 مامور نذر - مامور نذر - مامور نذر

میر محمد و غیره - جوانان عرب - بجز است و مسطر بیس و مسطر فرمین و بجز مررد و غیره
 مامور نذر - مامور نذر - مامور نذر

یک ضرب رطوبت و نیکوئی در منزل پاکلی - ضرب توپ - لا زگار
 محمد قطب دارنمان و احمد بیگ و کشتن نگه غیره - محمد قطب - دارخان - احمد بیگ
 مامور نذر - مامور نذر - مامور نذر

دو منزل میان نذر - مامور نذر - مامور نذر
 کشتن نگه و تولا س و دلو س و دیبی سنگه و چنان سنگه و مردان سنگه و غیره و بجز این کشتن
 صد نفر و کسی را شصت نفر و کسی را پنجاه نفر متفرقات در تعلقات ماموراند -
 گوندازان

صالح نذر - محمد صلابت خان و غیره - محمد سبحان خان و غیره - محمد بخش و غیره جوانان
 مامور نذر - مامور نذر - مامور نذر

پیاو ده هاست آورده میر حسین - قادر علیخان و غیره و بخش الله و غیره - اد علی سنگان - بخش الله خان
 مامور نذر - مامور نذر - مامور نذر

قادر علیخان - بارگراں آورده میر موسی خان - پیاو ده هاست سیتا رام بهوپال -
 مامور نذر - مامور نذر - مامور نذر

محمد شاکر خان بهادر جوانان عرب هند و ستانی و باروبر - رعد جنگ بهادر - جوانان براندازان
 مامور نذر - مامور نذر - مامور نذر

مان سنگه و غیره جوانان بار - محمد فیض الله خان پسران اسمعیل بخشی - تراب سوالان آوردن و غیره

ما موصوفه نفر

الخاصه نفر

بزرگترین و بزرگترین

رساله رسول نواز خان -

مستقرات مرسته رای جمعیله نام -

دو نفر

الف

حسن علیخان پسران بلبله و بلبله جوانان و غیره پیاپی

ساله سید کامل پسر عمر خان محوم

ما موصوفه نفر

کوتوان - لاله اف نفر

یک نفر و

ملحه و بزرگترین

یک نفر و

منزل پانچمی

جوانان بار مرسته راجه گویند نارین پسر راجه تموت

ما موصوفه نفر

جوشان ساله سکندر قلچان - بار گیران همراهی امین ملک پسر سید حسن و سید علیان

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

جوانان آورده اکبر ننگه - بار گیران و غیره تفرقه مرسته راجه پرمجان

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

ما موصوفه نفر

گوشواره مدخل و مخارج صوبه بیدر و صوبه فرخنده بیدر آبا و صوبه بطار و چند رتبه
صوبه بجا و بیدر وضع سه بندی و صادر و ارد و انعام داران و غیره من ابتدا سه ساله
نهایت ۲۲۲ فصلی همه جهت سوا سه جایگزین داران و غیره و اکثرا در ۲۲۲ فصلی و سوا سه
که رقم اینرا داشته جهش این است که رقم میرا و انعام خاخر عوم که در سالهاست سابق جمع زده بود
و سوا سه آن نذرانه و غیره اخراجات هم زیاده نوشته شد بابت عدم وصول سالها ماضی نیست
و خرج جمعیت میر صاحب بهادر داخل مخارج است نذر عیدین دستی حضور پرنور داخل مخارج

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین

در این محضر از جانب میر صاحب بهادر
نوشته شده که در این سال
در این محضر از جانب میر صاحب بهادر
نوشته شده که در این سال

در این محضر از جانب میر صاحب بهادر
نوشته شده که در این سال

در این محضر از جانب میر صاحب بهادر
نوشته شده که در این سال

در این محضر از جانب میر صاحب بهادر
نوشته شده که در این سال
در این محضر از جانب میر صاحب بهادر
نوشته شده که در این سال

بابت ۱۲۱۴ فصلی
یک کروڑ
لک

بابت ۱۲۱۴ فصلی
یک کروڑ
لک

بابت ۱۲۱۴ فصلی
یک کروڑ
لک

بابت ۱۲۱۴ فصلی
یک کروڑ
لک

کیفیت افغان مہدی ملازم سرکار سوائے محمد صلابت خان بہادر - و محمد سحان خان بہادر
وید نصرت داردغہ ہرکارہ و در رسالہ جات متفرقہ قریب چار پانصد اسم بودہ باشند
نزد شہزاد الملک بہادر و راجہ اور بنہا بہادر و نیز نزدیکار پیشہ و تجارت پیشہ قریب ۱۰
وہ ہزار اسم خواہ بود الحال بموجب حکم رئیس و جرگات افغانان بالکل افغانہ اخراج یافتند
اعلیٰ حضرت
اعلیٰ حضرت

متفرقات		داران	
مال نصرت	مال نصرت	مال نصرت	مال نصرت
مال نصرت	مال نصرت	مال نصرت	مال نصرت
محمد خان متعینہ کیم	محمد خان - نویدار فتح یار خان و جانباز خان و بومیان تاج خان بیک خان	مار ص	مار ص
مار ص	دعمر دراز خان	مار ص	مار ص
مار ص	مار ص	مار ص	مار ص
دفعہ مقرب خان و نویدار خان و غیرہ	کرار نواز خان معذات - سردار خان معذات	مار ص	مار ص
قریب یکصد سوار نصرت در بلدہ و نصف	متعینہ دھارور	مار ص	مار ص
در یقیناخی - مانفر	مانفر	مار ص	مار ص
مار ص	مار ص	مار ص	مار ص
قرارد دل خان نشت حصو - شایمان نزد نواب میر الملک بہادر - انور خان - صاحب خان	مانفر	مار ص	مار ص
مار ص	مار ص	مار ص	مار ص
مار ص	مار ص	مار ص	مار ص
دیگر سواران و غیر الملک بہادر قریب یکصد سوار کم و زیادہ خواہ بود ذات در بلدہ - سواران متعینہ کیم	مانفر	مار ص	مار ص
مانفر	مانفر	مار ص	مار ص
سواران متعینہ حویلی میدک - زبردست خان - بہادر خان - متعینہ راجہ گو بند بخش تحصیل برجان	مار ص	مار ص	مار ص
مار ص	مار ص	مار ص	مار ص
مار ص	مار ص	مار ص	مار ص

عرب الملك نفیر	روسیله صلا نفیر
در بلده و تعلقات نفیر	در بلده و تعلقات نفیر
نزد راجه گویند بخش	نزد گویند بخش
ما ص	ایا نفیر

نزد وزیر الملك بهادر تخمینا	نزد سبحان بهادر	نزد محمد علیخان لوبانی	روسیله و نندی نزد
مانفیر	مانفیر	اعلا نفیر	خود یار جنگ بهادر
			مانفیر

سکه اعلا نفیر	روسیله و نندی نزد امین بهادر	روسیله و جوانان هندوستان
	نفیر	نزد صلابت خان بهادر
در بلده تعلقات - نزد راجه گویند بخش	نزد محمد علیخان لوبانی	النفیر
ما نفیر	ما ص نفیر	

فصل یازدهم - متضمن بعضی مراتب ضروری تسطیر -

خزانہ سرکار دولت مار در قلم گو کنندہ و بلده سواہر و خزانہ و غیرہ اجناس نفیر و طلا و آتشہ و غیرہ وقت اتعال نفیر آفتاب بست و یک لک روپیہ بود و از وقت جلوس بندگانی حال زیادہ از یک کروڑ فرام شدہ جملہ سابق و حال قریب یک کروڑ و پنجہاہ لکہ روپیہ در دستہ راست - فقط -

ملازم امتیازی کہ زیادہ از دو ہزار خواہند بود فی نفیر ماسوار از ہتقاد روپیہ تا پانصد روپیہ مقرر است و تشریح سواران از چہل روپیہ ماسوار مقرر است و تشریح سواران از چہل روپیہ ماسوار تا پنجہاہ روپیہ اکثر ملازم سراسری ہمہ سواران معہ عمدہ داران آنها در حساب ہتقاد و دو روپیہ فی نفیر ماسواری افتد و جمعیت بار فی نفیر ملازم از شش روپیہ تا سیرہ روپیہ اکثر اند کہ سراسری انہا معہ عمدہ داران از شانزدہ روپیہ تا نوزدہ روپیہ

فی نفر محسوب است جو امان بازارش روپیه تایازده روپیه ملازم اند و جو امان سکه
و عرب ازده روپیه بی پانند -

کشتکار و زراعت سالم اضلاع حیدرآباد اکثر شالی زار در زمین پائین تالاب به فصل میشود
والا شالی زار از دو فصل کم نمیشود و بی بگیه از بسکه روپیه تا به شصت روپیه مقرر است
فصل دوازدهم - در خصائل و دویه اهل بلده فرخنده بنیاد حیدرآباد

حضرت بندگانی حال سکندر جاهد و دام دولته به خوش نیتی و نیک طبعی و نبات قول
و مناط فعل مستغنی و وسایل روزگار و بکلیات فنی و علمی و وقت لیکن بجزیات رسی مهت فقط
ازین باعث انتظام شیرازه شهر و ملک و سپاه و خزانه منتظر الاوقاق اما در ترجم و تفقد و حید
اتفاق بحدیکه منصبی بعد وفات امرادر عایا و بے وارت سر رشته قدیم این سرکار عایا است
الی الامان بعد ظهور این معنی نه گرفتن مال و متاع اهدی زبان نه جبا بنده بلکه اکثر بر زبان سبیه
که مال و حق کسی اصلا داخل خزانه خود بخوابم کرد که خدا تعالی بعد من اسباب خانه ام محفوظ
خواهد داشت - مگر خنار این سرکار بے اطلاع حضور براس جلب منفعت خود این رسم جاری داشته
و سابق اکثر گرانی فکد که درین شهر و داد و داد و روز خاصه تناول نکرده اند که بر مساکین و مازنین
چه اذیت و فاقه کتی گزشته باشد که من مان بخورم و مزاج حکیمانند دارند که مطلقاً تحلیف

و تفصح را عذخلی نیست خلاف رویه والد خود که غفران تاب به و ن جواهر و لباس بگیمن و غیره گاهی
بر آمدنیشند از روز جلوس مسند ریاست یکد و مرتبه در تقاریب به تحلیف بخشی بکیم صاحب و
بی بی صاحب و در سابق اتفاق شده بود و تفصیل علم عربی قریب به فصیلت است اکثر مطاوعه
کتاب عربی و تواریخ ماسلف و چه مهت است که سابق یکد و سال به سبب قرب و مصاحبت
کو که اتفاق شرب شده و از ان باز که توبه بمیل آمد باز این مثل بوقوع نیامده و بر بنده
اهل تسنن که سلوک آباد اجداد حضرت بر این مسلک است خود هم سلوک - اکثر جاهد بهادر
اکبر جاهد بهادر بظا هر زمانه ساو و خوش مزاج حقیقتاً سبک سیر که حوصله خیرت طینت و قیاس برت
مشهور و امساک و اختصار در مزاج بیشتر در حرس و طبع گرفتار و دایم المرض مردم آزار اند
چناندر جاهد بهادر ساده مزاج و کم حوصله عجلت مشایخ مشهور و از رقص و سماع روز و شب مذکور

دارند. سلیمان جاه بهادر بطایفه سمن شنبو پیشتر و ذی اخلاق و بامروت و ساده مزاج و تیز زبان
و سوار بر نظیر ملک در علم سپاه گری ممتاز و علوی بهمت بدرجه و خوش نویس و بعضی وقت
مطالعه کتاب و در ریاضت حساب هم می نمایند و گاه گاه سرود و قوالان استماع میگرد و و تشوق از
سلح و اسب نهایت امانتون مزاج و کسی را که در خانه یعنی محل یا بیرون در مردانه مختار
می سازند آن هر چه بخواهد بسازد و عنان اختیار خود بدست آن میدارند و بسبب صحبت غیر
بدند هیچ گردیده اند و مرغیه خود میسر آیند و قدر زرنده است بهیجا حرف می کنند با صفت نیا
کیوان جاه بهادر تا حال مثل اطفال صغیر سن در زمانه دایه و دو انجمن عقل عامیانه دارند
تا هر آله و له بهادر بطایفه و سنجیده متواضع و خلیق و کم آزار و سرگشی و تقابن در مزاج
ایشان نیست بعضی وقت مطالعه تواریخ و شغل و زرش و بیشتر شست و غسل دارند -
صمصام الدوله بهادر و مبارز الدوله بمصدق بیت پدر دست جو تو یک عالمی بفریاد است
برادر دادرست تو این چه بیداد است به حرکات سوی طلیت و جبریت طایفه متاثر الیهما چندان
اختلاج تشنج ندارد و نبوی در همه گزرفق توان کرد الا جالاک و دنیا کی به نسبت صمصام الدوله
در مزاج مبارز الدوله تشوق دارد - آفتاب الدوله بهادر و خولش بنده گانای حال بمقوله الولد ستر لاله
در تامل اندیشی و حرکات فتور هیچ وجهی ندارد - مصلی جاه بهادر پسر
عماد الملک بهادر در موعوم محض ساده مزاج به عقل عامیانه از نهید عمده مطلقاً مناسبت ندارند
و از منجر بیجا خالی نیند و فی الجمله مهارت در نوشت و خواند دارند -
قطب الملک بهادر برادر حقیقی مصلی جاه بهادر محض ساده مزاج سبک اوضاع دارند در
مزاج بهادر مغرور و عیاشی بهرجه که در سماع و سرود و زینت دیگر برادران خود خیل
تشوق دارند - و از نخوت و غرور بیجا خالی هستند - نواب فیه الملک بهادر بطایفه در نیادار
و زمانه ساز متواضع و خلیق مگر حقیقتاً ناتوان بین و کم حوصله و از عقل رساکه مصلح کلیات
و نهید جزایات باشند و هم از نبات و قوام مزاج عاری بجه که در جواب و سوال عمده قول و
قرار زبانی بهادر مغرور گزفتن دست آویز محسوس اعتماد نخواهد بود و چین بجه که اگر در سوار
سوته را در راه ببیند سوار می همان قدم باز گردد و از بیرون غسل و تبدیل پوشاک

نموده اندرون خانه خود بیایند اگر احدی از عزیزان و طفلان خود بکسب تقدیر وفات یابد
به تجدد در دیوار و دروازه برآورده بازروستی مومن بنیند و نزدیک او نروند
ایمن الملک بهادر سبک سیر و سفله مزاج به جنت طینت و قبح سیرت و جد عمر و در عمل وی
افتراد اتهام یگانہ دهر و خیس الطبع و فی المزاج رکیک مثل پوچ در مردم آزاری و غوریزی
نظیرے ندارد مثل مهاجران در زراعت و زری و مال مردم خوری و بطونی دارد -

شش الامرا بهادر اگر چه در رسم کار دولت مدار قدیم و عفت و احترام و تقوت ظاهری
و زهد امایان منتخب بوده اند و بظاهر امانیت و آدمیت دارند الاخص ساده لوح مزاج قائل
اندیش نا حق شناسی و نادانندگی و تلف حقوق مردم خاصه مزاج ایشان است - بیشتر
مزاج مائل نقاشی و نقاش ویر و سبب هنر است - شاه بار الملک بظاهر شایسته مزاج و ذوق نقاشی
مگر در باطن از فهمیدنیک و عمده میراد از دور بینی و قائل اندیشی مدار چونکه از است
بسبب قریبت از سطو جا به بهادر بنوعی توسل خاص به حیث صاحب زیدلسن بهادر
دولت اند خود را مستحق اعانت و کار و خدمت مدار میدانند - مستور الدوله بهادر برادر
شهریار الملک بهادر بهر حسب در علم سبب گری سستی و از تدبیر مقصد یانه مکر و رواج
البتت چندان بظاهر از شش هیات الملک نمی ندارد - علی یا و الدوله بهادر و مادر الدوله بهادر
و کامیاب الدوله - پسران نورالامرا بهادر و مرحوم بهادر مزاج به عقل عامیانه از فهمیدنیک و ذوق
و توانست و استقامت عاری اند مگر علی یا و الدوله را به نسبت دیگران آدم توان نمودن شخص بسیار
محمق و از سطو جا به بهادر اکثر اوزمه ادا و اعانت از سر کار صاحب زیدلسن بهادر و امورات
متعلقه مرحوم مذکور هم آمده بود - پسران اختصاص الملک نشی رشید الدوله و عباس اس علیان که
یکی بر کار نشی و دومی بملاقه عرض میگی امور است بک مزاج حوصله چندان رشید ندارند
نظر بر قدمت والد خود را مستحق خدمت عمده میدانند - ضیا الدوله بهادر و مزاج فرزند خود داشته
مزاج و درست کردار و بملاقه و از آن جناب صاحب زیدلسن بهادر و بیشتر گوشت
را بطه هم میداشتند - رفت الملک بهادر راه و رسم تعلقاتی برویه ابل بند و لوازم
مزاجه اری کارگران سرکار دکن نیکو دانند بهر حال رویه بهادر و مزاج سابق نه قابل توفیق بود

و نه چندان لایق خدمت بود یکن آخربه خجست نیت خود بدنام شده از نظربا انقادند با انفع
 خانه نشین اند مرزا محمد علی پسر مستقیم الدوله مرحوم - مرحوم مذکور در مقدمه سوداگری مستثنی از نه
 و منتخب روزگار مگر از فهم کلیات و فهمیده عمده مقدمات و لوازم دور بینی و مال دانی پیشی مغلوب
 چنانچه از خجست عقل باقی بنا، فساد مابین میر عالم مغفور و جناب زید بن حیدر آباد گردید بالاخر
 بدلت مو شک و دانی از بده حیدر آباد اخراج گردیده بمقام جاگیر خود سکونت ساخت و حمده
 و آن چنانکه میر عالم مغفور مغفول از کار و سلطنت شده در گوشه از و امن روی بود و ندرت
 خجست امیر در باره میر عالم بر زبان آورد و از داد و ستد نقد و جنس میر عالم که در
 تحویل بهادر مغفول بود استادگی می ساخت چنانچه این معنی ناگوار خاطر میر عالم نشد و در وقتیکه
 مدارالمهام شد و آمدن بهادر در حیدر آباد گردید خندان با هم راه در رسم نبود بعد انتقال
 مغفور بسبب حرکات ناشایسته باز اخراج گردید چار و ناچار در جاگیر خود گزرا و قات
 می ساخت و با قضا ناهنجی اکثر در باره آمدن خود به حیدر آباد توسل از سر کار جناب صاحب
 زید بن بهادر میجست چنانچه بهمین آرزو میفهمد رجب ۱۳۳۱ در جاگیر خود حالت گردن زدن
 مرزا محمد علی هر چند بدین نذرانه قایلن بر جاگیر والد خود شد لیکن سفله مزاج شراب خوار فاج
 از آدمیت است - پسر آن بهرام الملک مرحوم هر چهار پسران مرحوم که با انفع بقیه حیات
 بمصدق مصره این خانه تمام آفتاب است - در چهل و چهار ساله مع والد خود دستننا از زمانه
 و یگانه روزگار و از لوازم اهل بیت و آدمیت مطلقاً دور از کار که محافل و مجالس گنگو نمودن
 بلکه یکد و مشت با هم آوختن از جمله صفات مشایخ ایهم است - حکام الملک نظام یار الدوله نظام
 یار جنگ هر چند از فهم کلیات و فهمیده عمده مقدمات مقرر اگر بشیرین زبانی و نرم بیانی و
 خنده مبینی و شگفته پیشانی منظور خاص و عام و با قضا سلامت روی و فروتنی در وقت
 غول میر عالم مغفور از نظر کار گزرا آن سرکار بنده گانغلی نیفتاده از حالت خود منزل نشدند
 و بلا قه داران جناب زید بن بهادر بسبب میر عالم مغفور انطه معنوی از قدیم میدانند -
 کو تو آل بده حیدر آباد نیفتاد جنگ مرحوم هر چند نظام هر از نقابت عاری و سبکی
 و سبک سری بر وضعیت طاری بود مگر دنیا دار و زمانه ساز و رعایت محلات پناهی و -

و پیش بر غاص و علم رای داشت و قیام نشان آید محض بساخت و باخت راجه خوشحال خیدلجالیان
 پسر کلانش که بر عهد کونانی حرف با عانت راجه چند وصل بهادر امور است محض ساده لوح و تجربه کار
 و از فن و فریب کونانی و هر پانی بر کنار است - قاضی بلده شریعت الله خان مرحوم و در علم و فضل
 مقرب علما و حیدر آباد مگر ساده لوحی از علم کلیات و فهمید جزئیات معرا بودند با وجود این همه طبع
 اینکه خود را ذلیل امور دنیا است سازند در وقت گزشت با ست ظهار دوستی مولوی مفرمعل آوردند
 لیکن بمصدق هر کار و بهر مردی از لوازمه این کار چنانچه باید عهد بهر انشد و ازین سو
 رانده و از ان سو مانده از نظر را افتادند و واقعا رخاں پسر کلان قاضی مرحوم که از سه سال
 بعد انتقال والد خود با مرخصا ما مور است فی الجمله بدست دیگر برادران خود علیست از یکل محض
 ساده لوح و مثل طلبه بهواد و حوس امتزاج دارد - سکندر یار جنگ نمک مزاج با طلاف حقوق
 مردم مستثنا از زمانه بقل عالمانه و در بد باطنی و به نفسی یگانه زمانه - اکبر یار جنگ و شخصیت و قیام
 ظاهری ممتاز مگر نمک مزاج اندالا در اجرا کس کاغذ با قاضی الامکان حاضر و در ادای حقوق
 مردم قاصر نیستند - سید محمد علیخان نظام هر فهمیده و سنجیده دنیا دار زمانه ساز و فردوش گندم نما
 و در نقضی و مبالغه مستثنی و هر در سلیقه جوئیات چنانچه باید و نشاید بدوئی دارند مگر در نیم
 کلیات و در سانی عمده مقدمات دخل ندارند و در علم و نوشت و خوانند معرا محض اند و بگرم خوبه
 محبت و اخلاص ایناسته و از تجربه بجای نیتند و مخفی رشوت میگیرند و زرقطیر جمع ساخته و
 خود را مستحق عمده خدمات میدهند و از امیران شاه جهان آباد خود را قرار داده نشادی فرزندان
 خود به قریب در خاندان عواد الملک مرحوم کرده اند لیکن در نیجاسی از آنها ایشان واقف نیست
 همانقدر که صد گرگشت - نشی باقر الحسینی که بهتری رسل صاحب بهادر تکیه علم فارسی از نشی نگار
 ننمودند و با داد بهادر موصوف از سر کار راجه چند وصل بهادر جاگیر و غیره بقدر و بهر رویه
 قرار یافته بود چنانچه نا حال بحال است از بکر سلفه مزاج حرص و طمع بدست در مخرج غالبند
 نشی مذکور در ۱۲۳۰ هجری در گرگشت پسر نشی مرحوم که صبیحه شفا فی خان حکم منوب است ازین
 باعث جاگیر و غیره بحال است باقر علیخان پسر فتح علیخان جیلد الماس علیخان مرحوم که سابق چینه
 بوکالت نور الامر مرحوم بود رویه نشان آید مطعون فلانق و محل اجتناب است یعنی در گرگشت

قرض بے مجابا و صرف همت در اخراجات ارباب نشاط و بمقدور در خمر و شرب و سرگردانی
 یگانہ کوہر - مولوی محمد حسین و مولوی غلام حسین مولویہائے مسطورین در ابتدا ملازم میر عالم افغور
 و بعد آن بواسطت رفاعت میر الملک بہادر در سرکار جناب صاحب زیریں صاحب آمد
 میداشتند مولوی اسود ظاہر زمانہ ساز و سادہ فرج و مولوی ایض بہ و فتویٰ ممتاز چنانچہ
 در سال گذشتہ در عشق کد ام فاحشہ از اقرایان قاضی بلد مناقشہ شد مولوی ایض قابو یافتہ
 خوش حرف خود تراشیدہ و مغرور شدہ در موضع جاگیر خود سکونت کرد و در حایف مع دست
 جوانان در آنجا رسیدہ بنی مولوی ایض بریدالحال از ردی نادیدنی خود و رہبان موضع جاگیر
 سکونت دارند - شرف الدین خان مخمل مزاج و مسک و در گرفتن رشوت بدطولی دارد -
 دلاور خان عرض بیگی راجہ چند دسل بہادر غریب کش مردم آزار در تلف حقوق نوکری پیشہ علانیہ
 خود مستشار و ہر و مسک مزاج نور اللہ خان برادر زادہ عرض بیگی مذکور بشیر ہرگز را دوا
 و بدطینت مطلق کوہ را کاہ کاہ را کوہ نمودن ششیوہ خان مسطور است و در سلیقہ نوشت و خواند
 چند ان مہارت ندارد مگر خود را مستحق کار عمدہ میداند - حکیم شفا فی خان اول بتفارش مولی
 صاحب و سرکار راجہ چند دسل بہادر ملازم شد الحال جو سمل حکمت بقرب مقصبات راجہ
 مغر فایز شد و در معاملات نیز و ضل دارد و راجہ مغر مستحق حکیم مذکور را محل اعما میداند چونکہ
 مرد سن و جہان پیدہ است و در معاملہ نیز مجرب است - باقر علی خان و غیرہ پسران نمن خان
 مرحوم خان مسطور فاضل زبردست و در طبابت از اطبایر بلدہ ممتاز خود را سنجیدہ و فہیدہ
 گذارد و فات دارد اقرای حکیم ذکار اللہ خان شاہجہان آبادی است شیخ حسین از عرصہ
 ستر چہار سال بواسطت خوش آمدگویی در مزاج راجہ چند دسل بہادر دسل وار و دوبرہ کرد
 شراب خوار و خوش آمدگویی انتہا ندارد و دمو شک دوائی از امرار شر و قاصان در مولی
 پیش ہر یک رفتن مرجع و سخن غمنازی و ابلہ فریبی گفتن بنیوہ شیخ مسطور است - سردار جنگ از برای
 قربان جناب مولوی فخر الدین صاحب قدس سرہ و از قدیماں سرکار آصفیہ بخوش طبعی و نیک بینی
 گذارد و فات میسازند - جعفر لار جنگ کوکہ بندگانی حال بہرچہ گوئی منصف اندیشی خرمخار
 مردم آزار بدطینت بہ مزاج در تلف کردن حق غریب بدطولی دارد - حکم جنگ و تہو و جنگ پسران

داور الملک مرحوم هر دو سبکسر و سغله فزنج مصرف و عیاش خارج از بحث اند و باقتضا
 سفاقت از تکبر و بجا خانی نیند منور جنگ خلف نظر اند و له مرحوم مرد ساده لوح بغفلت
 عایمانه نه قابل بزم نه آدم نرم از نام بزرگان خود نان در سرکار آصفیه می یابند و گذار و فانی
 دارند قوت جنگ فی الجمله راه و رسم و ربار داری موافق رویه این سرکار دار و پنجه اند قابل
 تفریف نه نهایت لایق مذمت - راجه چند وصل بهادر در پاس داری لازم مودت و اتحاد
 تنجب دیگانه و بگرم جوشیهای محبت و ارتباط مستش از زمانه پیوسته مراتب محبت اهدا
 متوسلانه از سرکار عظمت مدار مرغی و مسلوک داشته اند و همیشه از سرکار صاحب بزرگ
 بهادر انداد و اعانت و امورات راجه صاحب مغر بعل آمده است با چندین نخافت جهانی
 بخوبی اجرائی امورات سرکار میسازند در ظاهر داد و دوش و سخاوت بسیار لیکن در حقیقت از خان
 مردم آزار که اهدی از متولان فی حمایت را و نگذاشته اند و بر هر یک چشم توقع داشته
 هر چند هر روز باز از سخاوت گرم میدارند لیکن مثال آن طیب حاذق این مقال که
 طیبی هر گاه بگورستان رفتی چادر بر روی خود کردی مردمان پرسیدند که سبب این صیفت
 گفت که از مردگان این گورستان شرم میبکنم زیرا که از دوی من مرده اند جناب
 بهاراج اندیشه عاقبت میدارند و از خدام شرم ندارند ظالم محبت - راجه گویند بخش بهادر
 بفراخ حوصلگی در سانی مقامات عمده چند ان از بهاراج راجه چند وصل بهادر یکی ندانند الا
 در داد و دوش کو بموقع خراج دارند دوراخذ و انتراع مال مردم کیتای زمانه که تریب کر و ریب
 جمع کرده اند - راجه را و رنهای بهادر در سرکار آصفیه از قدیم مورد عنایت و اکرام و محبت
 احترام مانده هر چند بظواهر انبیت و آدمیت دارند مگر محض ساده لوح و صرف سیاسی فزاج
 در عهد میر عالم مغفور بقصود نادانی از بلده اخراج گردید بمقام جایگزین خود سکونت میدادند
 راجه ینوراج پرست و دنیا دار و زمانه ساز سنجیده و فنییده از قدیم در سرکار جناب صاحب
 وزیرین بهادر یک گونه راه و رسم متوسلانه داشته است - راجه جنگ چون داس و اسل
 بقص سلیم و رویه مستقیم واقف آئین و کالت اهل هند و ابر طرز مردان اهل دکن و شخصیت
 و ادبیت پیوسته آمد و رفت کرد سرکار جناب صاحب وزیرین بهادر داشته اند و همیشه از سرکار

نمودار اعداد و اعانت دوستانه در مقدمات و کالت رای مغربل آمده است - لگه و رام
 مقصدی به خیال گرم بازاری خویش در سرکار جناب صاحب نیرین بهادر آمد و رفت دارد
 مگر مشارالیه شخص هر حال و از دو غسغونی خالی نیست - راجه بالکشن برادر بنی عسم
 راجه چند وعل بهادر در امورات عمده رسائی ندارد و در مزاج مایل به پاشی و سفله مزاج اند
 مال غزبا بسیار دارد - رائے سکه مل ضرر ورده راجه گو بنده بخش بهادر نهایت مصرف و
 عیاشی چند آن حوصله ندارد - راجه دیب چند خویش بهادر چند وعل بهادر نهایت مصرف
 و به معاشی و در گرفتار قرضی بدوئی دارد - راجه خوش حال چند مقصدی
 خوب در نیوقت بی نظیر مادر گرفتار رشت و دامساک یکتا و خانه به انداز راجه خوب چند
 پسر راجه کیول کشن متوفی در علم سیاق و سنگاه مرد ساده از کیفیت دفتر با مطلع هنوز
 نو آموز چند آن مشق و استعداد ندارد در راجه دیگ رائے در خبر داری دفتر واقفیت
 و جواب همیشه فزاده خوشحال چند است راجه نیم دنت مقصدی جز رسا و جوابر اعانت
 و دیانت و پاس رفاقت دارد در راجه بال کندی و راجه بهوانی برشت و در نوشت و خواند خانه
 سلیقه دارند اما صفاک دراشی راجه ویا بهادر مصرف و مزاج لمبو و بوج رسائی نمیدارد
 راجه سکو رود در عامل پیشه بفتور و دخل بازی و عیاشی و شراب خوار و مصرف عرفه پاس
 قدامت نان می یابند رای راجه میرزا و در فن مقصدی گری یاقوت و در دست دارد و عمل تمام
 بهانج راجه چند وعل بهادر است رائے پال چند برادر راجه چند وعل بهادر عامل پیشه در
 سوال و جواب نمیدار آن و دشوشت گرفتار دستگاه دانک سخت مزاج دارد در راجه
 رکعنا ته داس چو دهری بهل خانه و جنبی سرکار عالی و وقف کارخانه جات متغلب و
 متصرف ماد چو دهری پسر نه چو دهری کوتوال بیگم بانار در مزاج رشت و دستخا گیری
 بسیار دارد رائے کم کرن متبته راجه سورج و نت متونی در فن سیاق مهارت دارد و
 و قفیت دفتر رائے اند رائے راجه اند را و سیاقی نو آموز حوصله اش ظاهر شده
 رائے پال چند برادر راجه بالکندی سر رشته دارد دفتر بنی در سیاق دستگاه دارد
 راجه گو بیند نرائن پسر راجه نیمونت نو آموز چند آن حوصله ظاهر ندارد رائے سمر داس

نکور پسر بهمن راج پنڈت متونی جلالتہ مقصدی گری در وقت نظامت تحت بنیاد نو عظیم الدولہ
 بود آدم خوب و معاملہ دان راستہ نازاکن راؤ جاگیر دار بمین کپت پھیکا کادیوانی بادشاہی مرد
 دکار دان دباویانت و محبط و فائز شد ہی راجہ شیشام راج متونی و تہل اس مینی پسر ہنار راؤ برادر
 پرناب و دنت مرد و غریب و خانقائی مورا اعتبار بسیار دارد راجہ جگد پور پسر راجہ کلیان راؤ خوش
 آندی بانی ہمیشہ جہاچی سیند ہیہ دریجا حاضر است مردار زاده است کنور و بعل سنگھ
 پسر راجہ جوہ سنگھ قلعہ ارصوبہ محمد آباد بیدر مرد سپاہی قدری معاش دارد آئی جی کشن داد
 در سالہ غلام سپہ خان مرحوم سر رشتہ نویندہ گری و در فن سیاق و سنگاہ دارد۔
 کنیت راؤ پسر مادہ پور راؤ بہ اور راجہ کیشو راؤ و کیل مرسل مرد سلیم الطبع رائے چلہ رام تھہ
 سرکار نواب فیہ الملک بہادر امرت راؤ وغیرہ منصوبیان دفتر استیفامادہو سنگھ رام تھہ
 در منصبداران و نظامت مردان اوراہ و رسم درست لیکن بک مزاج۔ فقط
 تا اینوقت ہرچہ کیفیت موجودہ بود حوالہ قلم یادگار رقم نمودم کہ بمطامش یادگارم
 باقی باشد و کیفیت طبقات آنہدہ ہرکہ مانند آنہا داند۔

